





PLEASE DO NOT REMOVE  
CARDS OR SLIPS FROM THIS POCKET

---

UNIVERSITY OF TORONTO LIBRARY

---

PL

248

A23K3

1874

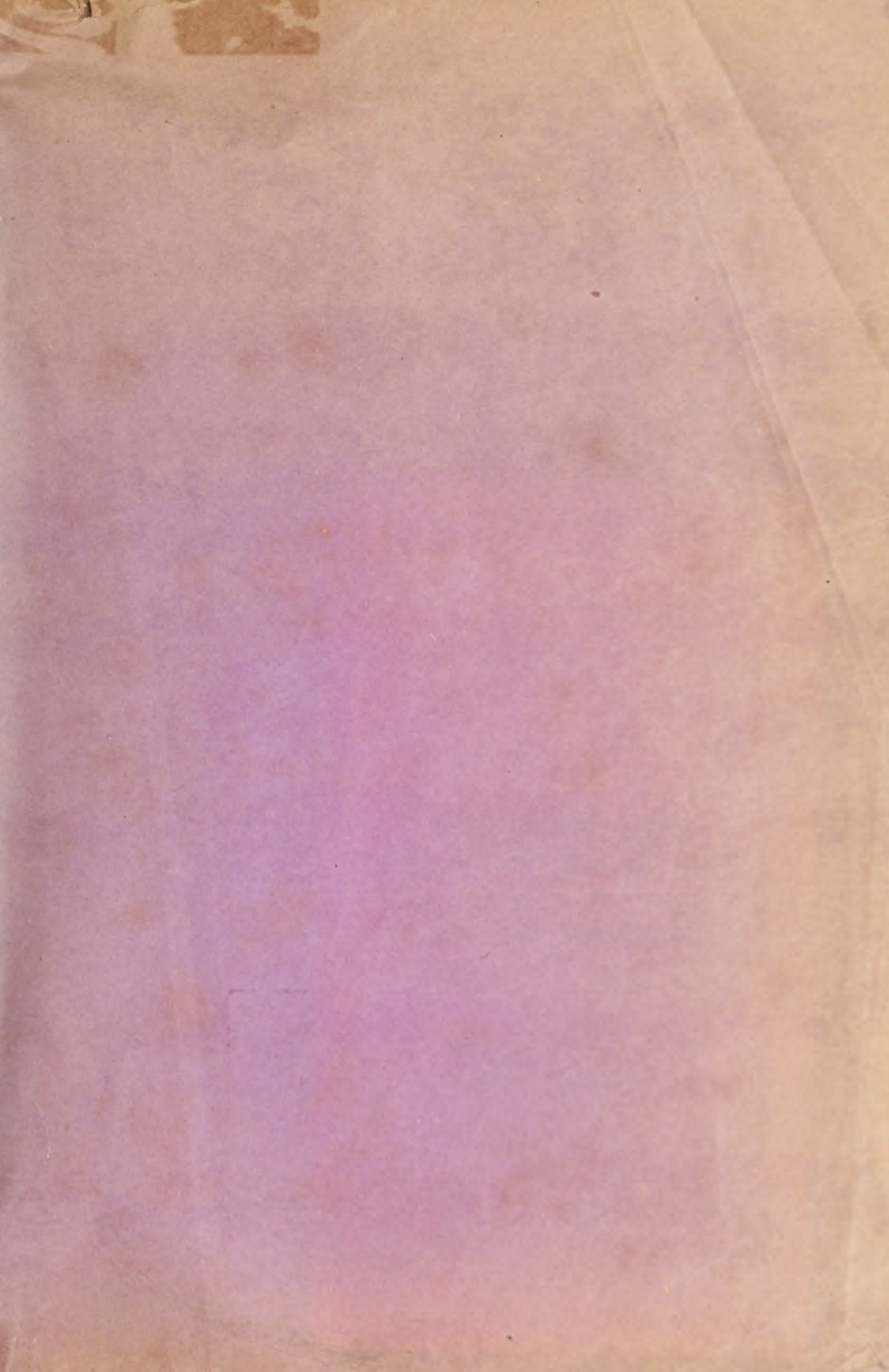
'Abdunnafi'

Kamil ul-asar

3878 a

18/9





PL  
248  
A<sub>23</sub>K<sub>3</sub>

1874



خطا صواب جدولیدر

صواب	خطا	سطر	صفحه
رایت	رایت	۴	۲
سایه	سایه	۱۴	۲
کوشه	کوشه	۱۶	۳
حلبه	حلبه	۲	۴
بار	بار	۱۰	۵
سیاس	سیاسی	۱۶	۵
بیقیاس	بیقیاسی	۱۷	۵
بدر	بدر	۲۳	۵
معارف پردازیده	معارف داریده	۲۴	۵
حزم	خرم	۲۶	۵
اختیار	اختیار	۱	۶
مطالبه	مطالبه	۳	۶
هوس	هوسی	۶	۶
غزالاتک	غزالاتک	۹	۶
شهر	شهر	۱۰	۶
دراجی	درآجی	۱۲	۶
باشقلری	باشقلری	۲۲	۶
سبزه زاری	سبزه زای	۲۴	۶
مینای	مینای	۲۵	۶
منصرف	متصرف	۲	۷
بی پاك	بی پاك	۸	۷
سرا پرده	سر پرده	۱۰	۷
سبرایله	سبر	۱۱	۷
چرخه	چرخه	۱۳	۷
معنی	معنا	۲۰	۷
اقتراح	افزاح	۲۶	۷
پر صروف	پر حروف	۵	۸
زین	زن	۱۳	۸
افشان	آفشان	۱۴	۸
نمای	نیای	۱۶	۸
بجای	بجای	۲۵	۹
آبادی	آبادی	۲۶	۹
دهینك	دهینك	۱	۱۰
بهره ور	بهرور	۱۲	۱۰

صواب	خطا	سطر	حقیقه
پره‌ور	پروور	۱۲	۱۰
رسن	رش	۱۶	۱۰
توسن	توش	۱۶	۱۰
سروش	سروسن	۲۴	۱۰
بونیلی	بونیلی	۶	۱۱
مینو	مینو	۲۰	۱۱
عجالة	عجالتہ	۲۲	۱۱
کونه	کون	۱۱	۱۲
بوسی	بوس	۳	۱۳
التامسی	التامس	۲۵	۱۳
پرواسنی	پروانه‌سنی	۱	۱۴
فولاد	فولا	۱۵	۱۴
رستمی	درستی	۱۶	۱۴
توسن	توش	۱۹	۱۴
سوراخ	سوارخ	۲۰	۱۴
هنوزش	هنوزسن	۲۴	۱۴
نارسته	نارستہ	۲۴	۱۴
و فرمان قضاوانه	و فرمانہ قضاوان	۷	۱۵
بنکاله	بنکالہ	۱۶	۱۵
بو کونه	بو کون	۱۸	۱۵
یأس و حرمانده	یأسی حرمانده	۲۲	۱۶
ساعت	سرعت	۱۵	۱۷
بنفشاس	بنفشاسی	۳	۱۸
سوزنده	سوزندہ	۸	۱۸
ابتلاسی	ابتلاس	۱۵	۱۸
سوسن	سوش	۲۰	۱۸
نیاور	یناور	۲۳	۱۸
ارسطالیسی	ارسطالیس	۲۹	۱۸
غزیر	عزیز	۸	۱۹
طابش	طایش	۱۲	۱۹
ناخن	ناضن	۱۶	۱۹
معالجان	معالجات	۱۹	۱۹
لر زیده	لرزیرہ	۶	۲۰
یفترة	یفترة	۱۵	۲۰
شحنه	شحنہ	۱۷	۲۰
بیکران	بیکران	۲۴	۲۰



صواب	خطا	سطر	صفحه
بهره ور	بهرور	۱۸	۲۱
خسته دلان	خسته دلان	۲۱	۲۱
سپه روی	سپه روی	۹	۲۲
نجسته	نجسته	۱۲	۲۲
اجاله به	اجاله به	۱۷	۲۲
سزواردر	سزواردر	۷	۲۳
اخلاصی	اخلاص	۱۰	۲۳
جهانبايدن	جهانبايی	۱۲	۲۳
تعرضی	تعرض	۲۹	۲۳
رسن	رش	۱۳	۲۴
معظمی	معاضی	۱۹	۲۴
اعتلايه	اعلايه	۱۹	۲۴
مؤسس	مؤسسی	۹	۲۵
پررسته	پرسته	۱۳	۲۵
زمايم	زمايم	۲۰	۲۵
حقیقه	حقیقه	۲۵	۲۵
خطوب	خطوب	۱	۲۶
فضای	قضای	۱۰	۲۶
اراده	ارده	۲۶	۲۶
تمکینه	تمکینه	۹	۲۷
یاسمیننه	یاسمیننه	۲۱	۲۷
کینه	کینه	۷	۲۸
بچارکینک	بچارکینک	۱۷	۲۸
اوله م	اوله	۲۶	۲۸
بااخلاصی	بااخلاص	۱	۲۹
امینه	امینه	۷	۲۹
آهیندن	اهیندن	۲۲	۲۹
خاطر	خطر	۲۸	۲۹
سعی	سعی	۱۱	۳۰
غرض	غرض	۱۸	۳۰
سبح	سبح	۱۲	۳۱
کبک	کیک	۲۳	۳۱
متنسم	متنسم	۲۶	۳۱
چشم دارایسک	چشم وارايسک	۹	۳۲
تهارولکی	تهارولکی	۱۱	۳۲
ساحلنده	ساحلندن	۱۶	۳۲



صوب	خطا	سطر	صفحه
آندولی	ندولی	۱۸	۳۲
جهان	جهان	۲۶	۳۲
المنفذه	المنفذه	۲۶	۳۲
سرود	سرور	۱۳	۳۳
بنجه	بنجه	۱۴	۳۳
تنها	بتنها	۳۲	۳۳
دلسوختگان	دلسوختگام	۳	۳۴
ونال	ونال	۲۳	۳۴
عباغیده	عباغیده	۱	۳۵
رجت	رجن	۱۳	۳۵
رایه	رایه	۷	۳۶
پران	پران	۷	۳۶
قضای	قضای	۸	۳۶
تعب	لقب	۱۳	۳۶
سپاسی	سپاس	۱۵	۳۶
خرم	خرم	۱۶	۳۷
خاطرده	خطرده	۱۷	۳۷
رخنه	زخنه	۲۱	۳۷
و حاکمشین	حاکمشین	۲۱	۳۷
ملتمس	ملتمس	۲۶	۳۷
ملله	ملله	۱	۳۸
ضم	ضم	۳	۳۸
بود	بود	۲۶	۳۸
بنجه	بنجه	۲۸	۳۸
بنجه	بنجه	۳	۳۹
ضم	ضم	۹	۳۹
جوش	حوش	۹	۳۹
احتراس	احتراسی	۱۳	۳۹
شکفتگی	شفتگی	۵	۴۰
جوهر نیش	جوهر نیش	۲	۴۱
تارده	تارده	۹	۴۱
تاکه	تاکي	۲۰	۴۱
دامنی	دامن	۲۸	۴۱
ناشامی	ناشامی	۱۶	۴۲
یوسبیده	یوسبیک	۲۸	۴۲
دوراندیشی	دوراندیش	۲	۴۳

صواب	خطا	سطر	صفحه
که نادر	که تاوور	٧	٤٣
اشتغال	اشتغال	١٤	٤٣
گفتگوی	گفتگوی	٢١	٤٣
سرمه	سامه	١	٤٥
نراد	رآد	١٢	٤٥
پرسکنه	پرشکنه	١٣	٤٥
صندلین	خندلین	١٣	٤٥
حسن	حش	١٧	٤٥
دانهای	وانهای	٢٥	٤٥
بلیقیس	بلیقیسی	٢٦	٤٥
دخواهلری	ودخواهلری	٤	٤٦
دکینه	وکینه	٨	٤٦
کشت	کشن	١٩	٤٦
بار	بال	٢٥	٤٦
شاخساره	شاحاره	٢٦	٤٦
بخده	بخده	٨	٤٧
مسطر	مطر	٨	٤٧
بست	بشت	٢٠	٤٧
رخت	رفت	٢٢	٤٧
باده ناب	باده چون	٢٦	٤٧
کسی	کس	١٥	٤٨
مرادش	مر داش	١٥	٤٨
یحی	یحی	٢١	٤٨
نسترنه	نسترنه	٢٤	٤٨
تاز	تاز	٤	٤٩
انبساط	انبسات	٦	٤٩
سوسن	سوش	١٠	٤٩
عروس	عرومی	١٣	٤٩
باد	یاد	١٨	٤٩
صریر	حریر	٢٠	٤٩
شورشی	شورش	٢٢	٤٩
بوکونه	بوکون	٢٦	٤٩
ضمیراندن	خیراندن	١٣	٥٠
چراغ	چرا	١٥	٥٠
وسوسن	وسوش	١٨	٥٠
تاك	تاك	٢٣	٥٠



صوب	خطا	سطر	صفحه
سوسن	سوس	۲۶	۵۰
سقیق	شفایق	۱	۵۱
خندان	خندان	۱۲	۵۱
کسی	کس	۱۶	۵۱
دی	وی	۱۶	۵۱
نار	نار	۱۷	۵۱
اولما مشیکن	انما مشکن	۲۵	۵۱
خوان	خون	۱۳	۵۲
نبودی	بنودی	۲۲	۵۲
غیر	غیر	۱۴	۵۳
مرخص	مرخصی	۴	۵۴
استراق	استراق	۲۴	۵۵
خرمدن	خرمدن	۱۷	۵۶
استخلاصی	استخلاص	۱۷	۵۸
نفسی	نفس	۱۰	۵۹
اولیحق	اوله حق	۲۷	۵۹
پیمایی	پیمایی	۱۰	۶۰
بن بر مرغ	بن مرغ	۱۶	۶۰
منقض	منقضی	۲۱	۶۰
جوانیدن	جوانیدن	۱	۶۱
نخ	نخ	۹	۶۱
کس	کسی	۱۳	۶۱
سیاسته	سیاسته	۱۵	۶۱
سفره	سفره	۱۷	۶۱
بیدار	بیدا	۱۸	۶۲
برایغ	برایغ	۲۲	۶۲
دودمان	دورمان	۲۷	۶۲
نکبت	نیکبت	۱۳	۶۳
منظره	منظره	۸	۶۴
دولخواهی	دولخواهی	۱۳	۶۴
دوخته	دوخته	۲۲	۶۴
جهانداری	وجهانداری	۲۲	۶۴
فعاوی	فعاوی	۲۷	۶۴
مخلص	مخلصی	۲۸	۶۴
کردن	کردن	۴	۶۶
رتوسن	رتوش	۹	۶۶

صواب	خطا	سفر	هفت
تکی	نکی	۲۳	۶۶
تبارزه	شارزه	۱۳	۶۷
کلوی	کلای	۱۵	۶۷
مضاف	مضاف	۱۶	۶۷
عدمه	عدم	۳	۶۸
وهنتی	وهنتی	۹	۶۸
زکمی	زکس	۲۷	۶۸
عوی	هوی	۶	۶۹
عوسقیده	موسیقده	۱۰	۶۹
کس	کس	۱۲	۶۹
کمی	کس	۱۲	۶۹
بساط	بسط	۳	۷۱
سوسن	سوش	۱۴	۷۱
شاخ	ساح	۲۴	۷۱
بطعنه	بطعنه	۱۴	۷۲
عارضه سستکه	عارض است که	۱۶	۷۲
سرسر بست	سرسر بست	۱۶	۷۲
خدا سن	خداش	۴	۷۴
سپر	سپر	۱	۷۵
کسناخی	کسناخی	۵	۷۵
قطعا	قطعا	۲۶	۷۵
دلجویی	دلجویی	۱۹	۷۶
عارض	عارضش	۱	۷۶
حصیر	حصیر	۳	۷۶
راه برده	راه برده	۱۲	۷۶
حالت	حالت	۱۸	۷۶
تقدمه	تقدمه	۲۱	۷۶
وهرو	زهر	۲۵	۷۶
کنور	کنور	۲۸	۷۶
مدفد	مدفد	۳	۷۸
ایدرک	ایدر	۱۵	۷۸
مناصب	منصب	۱۵	۷۸



کرید ولایت جلیله سنده کائن رسو سنجانی متصرفی سعادتلو عبد النافع افندی  
 حضرت تیرینک اثرکک بارعلری اولوب صورت تمثیلانده عبارات تمثینه الیه  
 اراشیدر سمط سطور و قدرشکن مرسله حور اولان اشو حکایه لطیفه  
 نافع بیک ایکوز طقسان سنه هجریه سی اوائلنده شیرزه بند حسن اختتام  
 اوله رق و دایع صحایف روزکار اولان نوادر اثار  
 ارباب کاله الخاق ایتشد

## Kāmil ül-āṣār hikāye-i Cihānda

اشو اثر نافع معبر نام نامی معارف پرور یلریله دیباجه طراز اولان حالارئیس شورای دولت  
 ایتاو دولو یوسف کامل پاشا حضرت تیرینه حین تقدیمده مشمول نظر تقدیر و اعتبار  
 اولدیغنی مبشر تسطیر یورلش اولان امر نامه عالیبریکه حقیقه هرکله بدیعہ سی نیجه اثار  
 کامیه رغبت سکن دینک بدیعہ سنه سز و ناطقه من و انیت سرمایہ فخر و تمجید و ادجق  
 برجاهه کرانها اولسلیله تبرکا و افتخار آسرنامه مجله اخذنه احرا کور یلرک بو مجله ثبت  
 و املا نلنمدر

سعادتلو افندم حضرت تلی  
 قلم مأثرقم و الازندن بیاض صحائف اثاره جکیده و برقععه و دادنامه کر اسیرینه موضوعاً  
 دست اعتبار شاوری یه رسیده اولان رساله معارف اساره حقا که نظر رغبت مطالعہ یه  
 جدیر و الفاظ و معانیسی من البدایه الی النهایه شایان تقدیر اولسلیله برابر دیباجه  
 دیباجه سی نام عاجزی بی شامل و یادی کتاب ارباب کتایده دورایده جک بر اثر کامل  
 اولدیغندن شایان آفرین و تبریک تشکر قریند نبشته دیه جک اولماغله جوابنامه  
 ستایشوری ترقیمه ایتدار قلندی افندم  
 ۵ ج سنه ۱۲۹۰



PL  
248  
A235  
1874

(کامل الآثار حکماء جهاندار)

(بسم الله الرحمن الرحيم)

سرنامہ بدایع آثار نامی سخن آفرین ایلہ برایہ دارم سہ کفتار اولمقدہ تصور تہ محرم  
سراپردہ اعتبار اولور کہ ملک پہن اور معنائی وساطت تیغ ناطقہ ایلہ معشر بشرہ مسخر  
قلب خطبہ خلافت نامہ بلہ بلند آواز و مقالید اعلیہ سخنوری بی قبضہ اقتدار بند تودیع ایلہ  
رأیت جهاندار بسنی قاطبہ سواددہ سرافراز بیور مشدر

ای نام تو بہترین سر آغاز \* بی نام تو نامہ کی کنم ساز

از خوان تو بانعم ترجیست \* وز حضرت تو کریم ترجیست

و نوال سکرین تصدیق و طوطی سخنسر ای (و ما یطق عن الہوی) جناب مقدسند احق  
و اہل ادب کہ جواہر ہدایہ ازل و فہدایہ نشانی مسامع ارباب فہم و اذعان و عقد شب  
افروز آسمان صحت شہادت ازلان ہدایہ طریق سعادت رضوان اللہ تعالیٰ علیہم اجمعین  
وساطت نشرو روایات بلہ فرادہ احادیث احکام شرع مبین طرازیدہ دامن آخر الزمان ایلشد در

احمد مرسل کہ خرد خالک اوست \* ہر دو جہان بستہ فترک اوست

نقطہ روشن تریر کار کن \* نہکتہ پرکار ترین سخن

صلی علیہ اللہ العرش ما طلعت \* شمس و ملاح برق النجم فی الظلم

و کاہترین کلام اہل دانش و اذعان مدینہ استانی سباید یزدان و فصیحہ دعای صاحب

سریر زماندر دہ

چرخ جہیت کش فرمان است \* سفت فلک غاشید کردان اوست

(جو بیار)



جو بار عدل و داد داد آوریلرله زاهت چنزار بلاد نمونه ریاض خلدیرین . و نصارت  
اقطار سواد رشک سبز باغ فلک چارمین . اوله رق مبسوط سراپای سطح زمین اولان  
پرنده اطلسمین آثار همت و ترقیات . مغبوط خسرو انجم . و سبز بختان زبردستان  
کتی ستایلری نعمات شکر گذاری اشفاق و مر احولرله مستانه و مقامات ترندر

سرخیل سپاه تاجداران \* سرد فتر جله شهریاران

در مهر چو آفتاب ظاهر \* در کینه چو روزگار قاهر

خاقان جهان و ساه اعظم \* مطلق ملک الملوك عالم

رسم ربیع قریح صافی القراحه هنرمندان . مجرد تعلیق لحاظه رغبات و تشویق افاضه  
احسان و مکافات ایله صحیف اعصار و زمانی نقش بدیع آثار کونا کونا یله مسحون ابدوب  
اصول و فروع علوم و معارفی شفاخ سنبل و یرک کلدن شادابتر . و بادیه مروق عطف  
ورافت جمجها لریله خیمخانه عالمده عکس آورمر ایای قلوب هیزوران اولان رونق  
وصفوت آینه شهرت اسکندری مغیر . قیاشدر

خدایا تاجه ان را آب ورنسکت \* فلک رادور کیتی رادرنسکت

جهان را خاص این صاحبقران کن \* فلک رایار این کیتی ستان کن

سبب نقش برداری صحیفه دانانسرای یودر که برمدندر

اوله لی وحدت کرین کوشش قاف خول \* اولدی عنقاوش تجرد بالش راحت بکا

مغیر اسجد اس برده خول و عزاله کلمه دامن قور و فرغت اوله رق

بروز غم بغیر از سایه من نیست یارمن \* ولی اوهم ندارد طاقت شهای تارمن

نسیده سنی مؤدای حسبل ایدنش اوله بغم جهله یوسف اندیشه بی چاه خواطر دن آزاد  
و شب دیجور دل رنجور ایچون بر چراغ سحر افروز تسلیت ایقاد ایدرک دامن خاطری خار  
غمدن وارسته و داغ ناسور سینه بی پنبه سوخته سکونته سر بسته ایتمک اوزره برانجمن حکایت  
و منادمت طرحله طوطی سبز بال اندیشه و حمامه خامه ترانه پیشه بی ساقی دل بینوایه  
همیزم صحبت قیلوب می خوشکوار افسانه عشق دن اداره اقداح الفت و

کر بستم بعشق این دستان را \* صلاهی عشق در داده جهان را

مقامات دن ترتیب نعمات محبتله بر حکایه نو طرز فرخ زمین زیبا نکار یاد کار بنا کوش روزگار  
قلمش

و چونکه عصر مغبوط الاعصار منک الک برنجی نقطه افتخاری اولوب کوهر خورشید  
دور فلک نقد انجم رنجه مناسی . و لوس طار زن آسمان فضل عرک کوک  
دریسی . بولان آصف عالیکهر . یوسف مصر معالی سیر مهر سپهر قدردانی . دره

مغص کامرانی بگذراند در درج اقبال . ماه انور برج افضل . صاحب امتیاز  
 وقایع مهمسانی . علم افزا مر اصد سر فرازی . سبق آموز حلیه جاه و جلال .  
 چراغ افروز منقبه صیت و کمال . مدار تدویر تدبیر مهمام دولت . محور دائره حمایت  
 و محاسن . غرور و کلاسر بندی . مغرور و راهوشمندی . نور نظربزرگواران .  
 محراب نیاز نامداران . فیاضه چشمه معانی . دانای رموز آشنایی . یعنی حالا بالاستحقاق  
 بریه ریاست جلایه . نوری در ذات صدر اسبق ابراهیم در لیلو . یوسف کامل . یاسا فندمن  
 حضر تلرینک هر بار چشمه سار نظر و اعتبار محاسن کردار یلری اقطار چمنار معارفه جاری .  
 ورشحات التفات و توجهات عاطفتسکار یلری مانند فیض بهار دوحه فضائلک هر برک و بار  
 آثار ینہ ساری . اوله رق شوق درون اثر نو یسان بتون انوار تشویقات قدر شناسانه لریدن  
 مقتبس . وقایع قریحه هنروران زمان . نسایم کلبوی مکارم و احسانات بر مکیانه لریله  
 متفلس . اولسیله بو کلدسته نو بسته نک دخی اول بحر زار عاطفه عرضه خا کسارانه  
 ویریه یلری اثر نو یساندهن . شرف نسبت کلاسه اولسی قرار داده محفل دانش اولمندر  
 شعبه تازه برانکیختم \* هیکلی از قالب نور یختم  
 معلومدر که شون عشق و محبت داتر تصویر کرده بهزاد خیال اولان اکثر حکایات و مناقب  
 منظومه و منوره

آن نامه دل در طلبش می موید \* کاهی زعجم کد ز عرب می گوید  
 اسلوبنده تمیلات و تشبیهات و توریه و رموزات طریقه سنده مسروده اولوب خصوصیه  
 واقف حقایق سیر و سلوک اولان اصحاب عرفانک سلطنت نفس کامله . و شیطنت نفس  
 اماره امثالیه افعال و صفات . و مقتضیات حال و مقاماتدن . و سیر منازل سلوکده دلالت  
 مرشد . و رفقه طریق . و زاد تقوی . و نعلین اخلاص و همت . و عصای اسما . کبی  
 احتیاجات . و منازل سبعه و ده سانج اولان احوال و تقلبات . و قبض و بسط تجلیاتدن .  
 بحث و حکایه لری بتون التزام تواری پرده تمیلات ایله نقش نیرنگی افسانه ده صورتخادر  
 عبارات ناشی و حسنک واحد \* وکل الی ذاک الجمال یشر  
 و بعض حکایات مصنوعه دخی مجرد کلکونه یراعه نک ارخای عنانیچون زمین سخنوری  
 بولمق اوزره مخترع و مسرود اوله رق هر برلری منابع فضائل و عرفاندن ابعاث و تشعب  
 ایتمش بر رود نفع و سود اولسیله هر کس مشربده استعداد و قابلیت کوره حصه دار .  
 و معلومدر که قطرات نیسان گاه در صدف و گاه زهرمار . اوور  
 محترمان حرم انس را \* تازه حدیثیست ز عهد قدیم  
 هم کنایان کنایه افکار . و راه شناسان رمز اسرار . ک کهن جریده روزگار قلزم



اسرارندن استنباط ایلدگری فرأئد شاهوار اخباردندركه . دېهم آریان كنسور  
هندستاندن بر صاحب افسر عالیجناب آفتاب سعادتیه سراسر سیستان و ای نور ایدرك  
فلک غبروز رنگ حلقه او امر و تنقیدین قریند زین کوش قیام اباق تند حرام ایلک زمام  
اختیاری مسلم قبضه اقتداری ایدی

همه اسباب شاهی حاصل او \* نمانده ارزویی درد دل او

فقط مشكات بال و مصباح امالنی تنویر ایدرك بر چراغ فرخ نهاد . ولدت بخش ذائقه  
حیاتی اوله جق بر ثمرة باغ فؤاد . آرزو سیله نقطه انسان العینی حیرت نشین دائره هموم  
واكدار . و امثال کریمه \* لن تالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون \* ایله دامن صاحب دلائی  
مالا مال نقدینه بذل و ایشار ایدرك بعد از غمائی فراوان فیض بخشائی نیم شبی و دعای سحری  
ایلله کلین مناسی ادرک کله نجه تصود ایلره و تفکستر . و نخل باسقی آمالی را آور . او یوب  
شام از سوسنی نیر صبح اقبال ایلله تنویر ایلدی . یعنی بریکانه خورشید رج سلطنت افق مشیه  
مادر دن رونق رسای کهواره بروز . و ایام زندگانی پدر و خویشانه فروغ جمالیه  
صباحت فرای روز فیروز . اولدی

بشری فقد انجز الاقبال ما وعدا \* و کوب المجد فی افق العلی صعودا

ملك دل آگاه مشاهده کوب درمی شاهی و نیل احسان الهی دن طولایی جین ابتهاجی  
سوده خالک منت ایدرك تقدیم مر اسم شکر و سپاسی . و راه تصدق و عطا یاده ابدال خزان  
بیقیاسی . ایلله صنوف بیثوابی تو انکر سرمایه غنا . و ارباب فقر و احتیاجی کردش ابواب  
استعدادن مستعدا استغنا . قیلدی

بدین مرثده کرجان فشانم رواست \* که این مرثده آسایش جان ماست

اول جوهر دریای بختیاری و نجات . یعنی شهزاده جوان بخت یا کسیرت . جهاندار اسم  
سامی سیله موسوم و نامدار . و دایه سعادت مندی تفوض خدمت تربیتیه سر بلند و کامکار .  
اوله رق سلم سن طفولیتی پایه چهارمه ارتقا اید نجه مهد آغوش دایه ده پیچیده قساط ناز  
و نواز . و سن چهارده ساله قدم نهاده عز و اقبال اول نجه پدر کامل استعداد مادر زاد ذاتی  
صفحات آسمان دانشوری و معافیدار اید عیون اعتبار عالیه اشعه ساز . اولدی تکمیل  
فنون و شؤون شهریاری . و تحصیل قوانین کشور کشایی و جهاننداری . ایلله علوم غربیه  
و فنون شریفه دن اقتناص مکاسب جلیله . و کمال خرم . و راستی عزیم . و دواعی  
بزرگ . و مبالغی سترک . و شایستگی حال . و آراستگی مقال . و وزانت رأی .  
و متانت فکرة . افلاذ انسان العین مطالب جلیله . قیلدی

فؤاد لانواع الفضائل جامع \* و رأی لاعقاب الامور بصیر

بر مقتضای ( اندام صیادون ) بوعالم ابتلا و اختیار بر صید کا : کار و بار اوله رق  
هر کس متابعت فنون و استعداد ایلله مکاسب معاش و معاددن دلبد اقتصاص و اصفطیادی  
اولدیغی مطالبه شاهین مساعی بی پروا زایتدیرمک . و دانسته قسوق فنون ایلله کبک منایی  
دامه دوشورمک . لوازم طبیعی فطرتدن اولمسیله ملک زاده دخی خلقت بلند و فطرت  
ارجتد شهر یاری اوزره بوادی هوا و هو سده دل داده ملاهی صید و شکار اوله رق  
شاهین از صفت هوسی شکار دوستی . ا کا صید یحون . کوکالر سر ره کذارد دوستی  
و تیره سنده بر دم نوبهار . بعض قرنای خاصه ایلله جهت دستپایانی تسخیر و حشیانه عثان تاب  
ککون صبار فتر . وجه نوزان صید کبران طرف طرف منعطف جو و مفار آفاق واقطار  
اولوب خدنک غزه چشم صیادینه هدف اولان غزالک خون کلکونیه فرش سبیرین  
صحرادشت لاله . و شهر نصال مرکان سر تیرنی فرق آهوانه عتبرین کلاله . اولدی  
بی شکار چوراند برون رود آهو \* به پیش راه وی ازدور نا شکار شود  
شاهین سبزیال مثال شاهدان سیماب طبع تنک مزاج . جو هوادن هزاران کبک و در آجی  
آورده چنگال . و باز بالا پرواز . مانند سیه چشمان شیوه ساز . صید نذر و ایچون  
صحنه سینه باز غصه رقص و دایر . ایدرک تازی نیز ناخن سبک آهنگ .  
ایسه کویای اجل کور و کوزنه دلیل روزن کورتنک . اولدی  
چو در نالیدن آمد طبلک و باز \* درآمد مرغ صید افکن پرواز  
روان شد بر هوا باز سبک پر \* جهان شد خالی از کبک و کبوتر  
چونکه شاهین زرین بال خورشید . صحرای زمر دگون آسمانده ابراز جنبش بلند پروازی .  
و عکس تابش و فربال و پر یله آغاز نشوه کر مسازی . ایدرک کل عارضی ناز پرورد سبایان  
دولت اولان ملک زاده عالیجناب . تاب آور کرمی افتاب . اوله میوب جانب سرای معلایه  
بی حول و عودتده دیدار صحرای زمر حقیقتن پر باغ دلکته به نعلق ایتدیکد کلکست  
مصر جامع وجوددن نشانه اوله رق سرو سابق و شمشاد باشقلری مانند معشوق و عاشق  
دوش بدوش . و کل نسرینلری مثال عروس حله نشین . شاهد شاخ ترین . ایلله هم  
اغوش . و صحن سبز کون سبز زای فلک نمون . و انجمن کلد ترنمات دلکش بلبلان  
بر قانون نوای ارغنون . اولوب می کساران بزم بهاری منای سرو و موزوندن نشئه بیوزن  
و قیاس ایلله سر انداز . و فاخته قلندر مشرب دلق حاکستری ایلله وجد آغاز . ابدی  
هوا بر سبزه اش کوهر کسته \* زمر در ابرو وارید بسته  
بهر کجش ریاحین بر دمیده \* بساط خرمی بروی کشیده  
بنفشه تار زلف افکنده بردوش \* کسانه باد نسیرین را بنا گوش



طبع آسمان پیوند حقیقه شاهی . لطافت بوستان . و طراوت گل وریحان . ایله تماشای  
 کلرویان چننه مائل و متصرف . و سرو چان آساز مام ارادتی شرف نزول باغ فرحزایه  
 منعطف . اوله رق قدم چشم ایله اول زهت آبادی سراسر سیر و تماشا ایلدی . کوردیکه  
 هر کوشده و هر جاده نسیم عنبر نسیم صبا . زلف سنبل ریسان ادا ایله بنا کوش کل رعنا  
 رونق بخش اولوب صحرا فرحزایه سنده بر محبوب زیباترک عیبر اوزره تاج زرینی آیین کلاه  
 عشوه پردازانده بکماله رق نهال قدموز و نیله سرور رعنا بی قید خرامیدن آزاد . وادی  
 شیر نیله هزاران شمشاده حواله تیشه فرهاد . ایلش و ترکس دلفریبی فتنه بلبلان چن .  
 و خط بهارینی کساد رس رواج یاسمن . اوله رق تبسم نازی پاک . و ترنم سوز ناک . ایله  
 غنچه سیمه چای دلسوز آتش تشویر . و بر طوطی سبر ایله عقد صحبت دلپذیر . قیلش  
 نیجه طوطیکه اول رسول سلطان سر پرده جنان . بسان صوفی زهد آیین . حجره آهسته  
 خلوت کزین . و مانند تجرد منشان حله سبر عزت نشین . اولوب فطرت دانا ایده هدهد  
 سلیمانیدن اخذ کرواه سرد فتر طوطیان شیرین مقاله اثبات نام سخنوری ایتش . شهرزاده  
 جوان مر قومک تماشا شای جمال روح فرا . و چهچه مرغان و صفیر دلکش بلبلان ایله هم  
 الحان . اولان نغمه دلریاستدن کسب نشاط تام . و زرد جوانه عطف کام . ایدرک

بی شکارده صحرا نور داولان کوکلم \* یورلدی سایه سرو قدک پناه ایتدی  
 ترانه سیله کلدسته سلامی وسیله فتح کلام ایلدی . جوان نغمه برداز خیره چشم نعله  
 آوازی اولوق تقرید یله قطعه غمزه نکاهی ناولک هدف اعتبار . و وجهه کنه هی غازه دار  
 کلکونه دیدار . ایتماسندن انبعاث تأثره ناصیه جهانداردن پران اولان شراره انفعال  
 و تغیر طوطی آتش زبان خرمن صبر و صبر و صبر صاعقه بار اوله رق طریق دلداریده جبر خاطر  
 آغاز . و بسان نا طقه سریان دهن شیرین ملاطفاقی باز . ایدوب رنگارنگ کفتر معنا  
 انکیز . و تنک تنک سکرین مصاحبات دلاویزی . معروض حضور جهاندار ی . قیلدی  
 طوطی نا طقه راسر خط و عارض تو \* رنگ تصویر در آینه ادراک نداشت

ملک زاده اول سخنسرای بیزبانک نطق سنجلیکشدن حیران اوله رق اولمرغ سبز پوشک تخم  
 محبتی مز رعنه درونی سبز زار اعتبار . و التماس بخش طوطی ایله پیرایه نطاق باز و بندی  
 اولان لعل کرانقیمتی جانب جوانه تکلیف و ایثار . ایلدی جوان ایسه اول مرغ دانا تک دلبند  
 صحبت و ناشکیب هجر و مفارقتی اولمسيله طریق امثالدن اعراض و صد . و سینه افراخ  
 جهانداره حواله دست رد . قلسيله شهرزاده (الحکم لمن غلب) شمشیرینی غلاف انصافدن  
 سلب و اخراج ایدرک ای جوان نا آشنا مزاج بن وارث تاج و سریر خسرو زمان اولوب  
 چنکال بالم بومرغ زیر که ربوده اولمشدر . اگر چه چشم بختک بیدار و اختر طالعک

باری به اول کریم که مقابل محمول ملکندر آنک قبوله اول آسنی سخن محبت  
 قفس تملکندن کف کف تعلقه تحمیل منت قیل والا هزارندامت ویشیانی ایله بلا بدل  
 تقدیمه مجبور . و بال افکن فرق اقبالک اولان مرغ سعادت الدن چیقاروب لعل بازوبند  
 بخیاریدن مهجور . اولورسک دیمسی اوزرینه جوان صورت حاله کسب وقوف .  
 و جرم حادثه زمان پر حروف . ایله برمدت سر بچیب فکر و تأمل اوله رق خلاف رأی  
 سلاطین سراج آریه تصدی و جرأت تدبیل نفسه کمر بند اولمقدن عبارت ایدوکی دقیقه سته  
 توطین نفس . و تجرع زهرابه باس باس . ایله رسم مین امثالی تقدیم . و در حال قفس  
 آهنین طوطی بی قبضه ملازمان خدمات جهان داری به تفویض و تسلیم . ایلدی  
 و لو قلت مت مت سمع و طاعة \* و قلت لداعی الموت اهلا و مر حبا  
 و لولم یکن ال آسمین سادمت خرم و کاهین محل مذکور دن قصص سهیل لرینه عودنله  
 (ولر یماقل البلیغ لسانه) منجند افتاده دام لسانی اولان مرغ آتش زبان دخی بزم یار  
 قدیم دن دیده دوز و آتش قرب ایله دلسوز اوله رق  
 چولایه بادل پرداغ حسرت زن چمن رقت \* توای شاخ کل رعنا بمان با فیکه من رقت  
 ترانه سیله جوان مرغومه بال آفسان وداع اولوب بکلمه پیش نظر جهاندار دن دور  
 اوله رق حکایات شیرین دلفریب ایله قفس بند بزم منادمت اولدی بو ائشاده  
 نقاش صور نیای تقدیر \* بر نقش غریبی قیلدی تصویر  
 شویله کد بر روز شهزاده طرب آموز مشکوی اقبالده جواری پری تمثال دن \* مهر پرور \* نام  
 برد خور شیرید بیکرله هم افوی بزم خلوت . و دل آواره نوشانوش محبت . اوله رق نشئه  
 سرشار حسن بینظریله طاق ابروی هلالینی اوزره ساغر ماه کوندن پیایی نشئه مند ر حیق  
 خورشید اولمده ایدی . اولمده \* مهر پرور \* بکانشین منصه اعتبار شهزاده .  
 و دو باله سرمست باده حسن و حسن باده . اوله رق

خوب رویان صورت آینه دن خود دین اولور

مؤید انجید خیال جو این آینه سمین سیمد سندن تماشا ایدوب حال خود بینی ایله که کاسدترین  
 مشاع کنور آکهدرتکی میزای حوصله دن ناشی لیر زیاده عجب و غرور نابهموار . و بی جای  
 باده نوشی و حال مدهوشی ایله بی اختیار . غنچه خاطر دن پیرهن چاک کفتار . اولدیکه  
 ای شهزاده جوان بخت مهر جهان افروز اورنک آرای سهر برین اولدیغی حالد خس و خاشاک  
 حنیف خند بسط انوار ایتنه عدیل اولق اوزره بره مقدار شکوه شاهی و شان خسرویدن پیدریغ  
 شمع نزلانه ایله عطف نظر رغبت و اعتبار پیور ککه مصور قدرت بیچون و چرا نوع  
 بشردن هیچ بریکری بو کنیزک کسایه لرینک نقش بدیع حسن و جمالنده مر سوه



کارنامه ایجاد ایتمیدر

اگر باددهم زلف عنبر آسارا \* بدام خویش کشم آهوان صحرارا  
 سیه کشم بجهان روزگار مرد را \* اگر بناز کشم سرمه چشم شهلارا  
 گذارم بکلیسا اگر فند روزی \* بدین خویش کشم دختران ترسارا  
 هزار مرده بیک عشوه میکشم زنده \* خبر دهد از اعجاز من مسیحارا  
 ملک زاده آشفته نهاد هنوز دوحه مفکره دن حال سر بستی دلبر طنازده مناسب بر یک خوشبوی  
 پاسخ دلدن را عداد ایتمکسزین طوطی عبرتین تحریک منقار تبسم ایتمسبیل اول حدیقه نورس  
 جمال بسان غنچه منقبض البال و منقبض الحال و لوحه ناصیده سی کلک کونده نمای تأثر و ملال  
 اوله رق روی شوخی و نازدن دامن شهرزاده به دودست نیازایله خلیدار اولوب بو محله تبسم  
 طوطی به باعث هر نه ایسه ابراز بو خنده هزل اشرا ب نایم بدن حل عقده راز ایده سز  
 والا کندی آغشته خاک هلاک ایدرم دیو کریه ان سوز و کدازی چاک ایلدی ملک زاده هر نقدر  
 استظهار از تبسمه ابرام و اصرار کو ستر دیمه مرغ لانه تمکین دهان فصیح البیانی اصلا نطق  
 آشنا ایوب بسان بلبل تصویر اختیار سکوت ایدرک

ما ان ندمت علی السکوت مرة \* لکن ندمت علی الکلام مرارا

قاعده حزم کار بستن نفسی تو طین ایتدی . اول حالده گفت و کوی نازنین دلبو دایره کاوی  
 نحمدن دو بالا اولمسبیل طوطی حکمتنه اس کتیرک تنک نهاده توجیه خطاب عناب امیر ایله  
 بورمک ظهوری سزه قطعه فائده بخش اولمز و خشنود اولمجد جق نتیجه دن خالی اوله من  
 صلاح حال بودر که اشواندیشه دن خاطرتی اوله سز زمینده اشرا ب نهفته ضمیر قیلدی .  
 لکن چه سود که آیین زنانه استبداد و اصرار امر فطری . و ضمیر سرشتلری مایه جهل  
 و بی اندیشیدن غیر عاری . اولمق تقریبیله نصیح و پند . مفید و سودمند . اولمیدرق  
 (کالاباحث عن حقه بظلفه) دامن الحاحدن قطعه ال حکم امسبیل مرغ دانا ناچار سرکنج  
 نطقدن طلسم سکوتی شکست و باز . و نظم جواهر بیانه سر آغاز . ایدرک شوزمینده  
 کشف سریره تبسم ایتدی که . بانوی مغرورک غلط پندار و غرور ناهوار ایله چزار حسن  
 وجه الله کندی بی مثال سرو آزاد سار مقیدان سلسله بشریتدن سرافراز . و محافل محایب  
 جهانده فائز صدر امتیاز . عدایلی بو ناشکیبی متجاسر خنده بیجا . و شکاف لب آدابه  
 الجا . قلمش در زیر بسیار جهل و غفلت که آیدای کارخانه الهی یک وجود اوزره منحصر .  
 و رونق و نصارت باغ آفرینش برکله ناظر . اولیوب بوز برقه نیک کوند نیجه کلس سادبتر .  
 و هر گاشنده یکدیگر ندن خوشبو ورنکینتر . هزاران کل پر آب و تاب کشاده ورنقیابدر  
 از جمله برکتور پر عمران و وجود ساحة جهاندر که قلمرو شاهی به نسبت صدمر حله پهناور .

و فرمان دهنك باغ صلبندن سرزده \* بهره ور \* بانو ناميله رشك اختر بردختر پری پیکر .  
 اولوب خاور کیتی تاب بومر تبه فرو فروغيله برابر یوساطت نقاب و حایت حجاب سحاب دختر  
 مذکور عطف نور نگاهه قدر تیاب اوله مز و شوق جالندن کل صدرک . ساحه کلکنده  
 کر بیان چاک . و زکس شهلا تماشای آن و حسی چون همه تن چشم حسرتك . اولمندر  
 ان التي ملكتنی فی الهوی ملكت \* مجامع الحسن حتی لم تدع حسناً  
 رنت غزالو باهت روضه و بدت \* بدرأ و ماجت غدیراً و انثت غصناً  
 بالفرض مهر پرور پهلوشینی اولسه پیش آفتابده اختر سها کبی کندنی بی کور مز و طرف کلدله  
 کیه قدر قدری اولزایدی دیسميله برابر مهر پرور (ستبدی لك الايام ما كنت جاهلاً)  
 سریره سندن تجرع زهرابه پشیمانی و ندهاته غریق لجه تسویر واضطراب . و صفحه  
 جبین زاده ریز عرق حجاب . اولوب جهاندار هوا سرشت . مجرد استمع کلام طوطی ايله  
 . والاذن تعشق قبل العين احياناً

طریقه سنده مهر دیدار \* بهرور \* دن بهرور تماشا و نظر اولمق سزین کردن جانی کند طره  
 تعاقبه بندایتدی و قس وار زنجیر خیالاتنه مجنون و  
 جله خلق بکیار ایچون اغیار اولدی \* قالدی کسه بکیار خدا دن غیری  
 زمزمه سيله صحبت خویش و اشتادن رمیده و دلخون . و دو حلقه چشم اشتیاق ايله  
 رش محبتنه دایسته . و فضای خالمرده اجاله نوش شوق و غرام ايله دائره آرام و حضور دن  
 جمسته . اولدی

نه تمه عشق از دیدار خیزد \* بسا کین دولت از کفزار خیزد  
 دراید جاوه حسن از ره کوش \* زجان آرام بر باید زد لهوش  
 زدیدن هیچ اثرنی در میانه \* کند عاشق کسانرا غایبانه  
 چونکه اول ترزه کوه سار دایرینک کرانقدری کوه حسن و جالی و ساطت تبلیغ طوطی  
 تبلیغ البیان ايله شهزاده \* جهاندار \* ك كوشواری . و بو تقریب ايله  
 قالوا بمن لا ترى تهوی فقلت لهم \* الاذن كالعين توفى الغلب ما كانا  
 و تیره سنده اول سرو سن دیدارك اسیر طره دلشکاری . اوله رق طائر شوق و تعاقب  
 آه ساز سخا و خاطر بی . و تصور خوابی بیون اول خیال پری تماثلک آینه داری .  
 و شوق در کد اول در دین درج دایرینک غبار پیکرینی عین الطمینانه اکتحال ايله ساحه نظر  
 اندیشه دن رفع برقع تردد ایچون جاب تمالی قرار کرده اندیشه و اعتباری . اولدی .  
 و در الملک و النده \* یلنظر \* نام و صور و حکار موجود اید بکده سار قلم اعجاز  
 رفیقه برک سمن اوزره ترسیم ایتدیکی نقش بدیع دن صورت ربع مسکون . و اشکال کوه



و هامون . یکنظرده بیرنج و تردردر نما . و بلکه حسن و قبح بلاد و آبادی و خرابی سواد  
 سراسر قابل سیروتماش . اولور . و قسماً بادام اوزره نقش ابتدیی بیکر مجلس بیکار .  
 و هیکل صفوف لشکر جرار . دن بر صورتده دقایق حرب و ستیز روشنا اولور دیکه تردد  
 رستم دلان دلاوران . و حله مبارزان تفرقه رسان . احتیاج تدقیق نظر دن عاری  
 اولارق مشاهده اولور ایدی . نه روز کار کهن بونطع صندل کون اوزره او استاد چاپک  
 دسته نظیر برهجنکار گوش هوش ایله ایستش . و نه چشم خیال زمان بویلی سایان  
 زرینکار زرنده امثالنی مشاهده ایتمشدر که اعجاز خامه ثدرت طراز ایله طائر تصویر .  
 مرغ چمن کی مستعد صغیر . اولور و یاور ی قلم سحر پرداز ایله بیکر تحریر . رنگ ریاحین  
 ایله صورت نشو و نما اولوردی اگر چه مانی ارژنک . نیکار صفحه هسیده اثبات نقش  
 وجود ایتمش اولسد ایدی اول سحرکار فسون آفرینک هر نقطه خامه نو کیزی اطرافنده  
 پرکار واریای سرازره چرخ اورر . و دیوان کائناتده منشور رسامی ورقم استادی بی  
 اول جادو نیکارک نامنه ثبت و املا ایدر ایدی

بنقاشی زمان رامزد داده \* برسامی زا قلیدس زیاده

چنان در اعطف بودش آب دستی \* که بر آب از ملکفت نقش بستی

اول نقاش بینظیری انواع تحف دیار و اقسام نفایس روزگار ایله لباس ارباب تجارتده تعیین  
 تبدیلر تا که بوسیله ایله اول غارتگر هوشک دیار فرخنده اثارنه کیدر لک دروازه صماخدن  
 کاخ درون جهانداره تعلق ایدن بیکر پری تمثالنی اخذ و اجلا به ظفر یاب اوله . بنابرین نقاش  
 بینظیر هیون همنه رخت سفر باغ ایوب مراحل پیمای طریقه ره روان . و قطع مسافانده  
 صباوار سبک عنان . اولدی . رنج و تردد فراوان و صعوبت راه بیابانندن صکره شهر  
 \* منیوسواد \* که اول حوری سرشک پای تخت پدیری ایدی اول کشور فستحت آباده  
 فائز و موصل . و مسیره کاه \* بهره ور \* اولان باغ دلارا پیشگاهنده اناخته مطایای  
 مراحل . قیلدی . بلا توطین محل عجلانته حبال بار و احلی حل . و بر مقدار نفایس  
 امتعه در بغل . ایدر لک مقبسان انوار قرب اولان قر نای خاصه شاهمی به ابصال و اهدا سیله  
 مظهر شرف قبول و بوسیله ایله حضور شهر یاره نیل عزم شول اولدرق تماشای امتعه پر رونق  
 و بهاسی تار و بود نوازش و انفات ایله پیچیده منوال نظر خسروی . و حقیقه رسم همین  
 سیاح پروری مرعی . بیورلدی و قنغی کشور دن شد رحل سفر ایدوب محمول ستور تجارتی  
 اولان نفایس غریبه الاجناس متاعی نصل مموره اقالیمک دوخته دستکاه صنایعی اولدینی  
 حقیقه سانخ اولان خطاب پسند اشرا به معرض جوابده \* بینظیر \* بهزاد نژاد . لوحه  
 احتیال خیالنده رسم و اعداد ایلدیکی صور تفصیل دروغ آمیزی سرد و ایراد . ایله

فش کارگاه متعصبین درك و بر درك مرخصاً محض رحالنه عودت . واقشه كونا كونا  
وجواهر زواهر خورشید نمون ايله چتر تجارتی مغبوط سوق الصور جنت . ایلدی آوازه  
اشتهاری اقطار کوی و برزن و میان هر شوهر و زنده شایع و منتشر و بالاخره \* بهره ور \*  
بانوئک مقربان سرادقات عصمت و ساططه و اصل سمع رغبتی اوله رق احضار بینظیر حفته  
حکم قضا تأثیر صادر اولدی بینظیر شدائد معائنات سفرینه دن مقدمه پرداز اعتذار اوله رق  
خصوصیه نفایس امتهئک کلیت اجناسه نظراً بارگاه عصمته نقل و توصیلی نوع تعذر دن  
غیر خالی اولمیه لکه اگر چه حضرت ملکه دوران تطیب بال غریبان و ترحیب خاطر سفر بران  
حفلرنده بزرگان مر و تپسنگان طرفلرندن رایگان اولان بحیثه دلنوازیك حسن ابرازیه همای  
همایون بال رغبت لری بیو باغ ارم مثاله متوجه بیورر لایسه تماشای کل و ریاحین ايله سبران  
چشمه سرفراز لقی بخش ایدوب نفایس روزگار بو قلمون و منتخب تحف و طرف ربع  
مسکون اولان امتهئک کونا کون دخی وضع اندازه نگاه اکتاه ايله بوخا کسار غریب الدیاری  
خورشید عاطفلرندن قریب العین تاب و رخس ایتش اولورل . مع هذا شرف تعلق ایده جک  
امر و اراده عالیله هر نه مر کرده رهین حیرت نفوذ اولور ایه بندگان ایچون سعادت کونین  
مضمر ساحه اعتیادی اولان رکون و انقیاد دن بشقه علاج ندر اسلوب حکیمانه سنده متاع  
کارگاه فسونه اعداد عقود و رواج ایلدی

عزم باغ ایتکد چن بلبله زندان اولسون \* کل ایچون ایتدیکی فریاده پشیمان اولسون  
\* بهره ور \* بانو ملتمس \* بینظیری \* شرف اجابتیه مقرون ایدوب روز دیگر نیر کیتی  
تاب کنکره صبح سفیددن افراسنه علم نوار ایتدیکی حینده اول مهر اوج شهر یاری هودج  
زرنکار ايله نظیر برج جل اولان باغ دلار ایه تحویل رأیت کرشمه و رفتار ایدرک اول  
سرور و انک فتنه باری قدومدن رنگ روی نازنینان چن سکست ورمیده و تأثر انفعالات ايله  
برک و نهال کل و یاسمن یکدیگره پیچیده اولدی

زمین از عکس رویش لاله کون شد

صدر چمنصفه ده مدت یسیره استراحتله متعاقباً احضار امتهئیه و ساطط حاجبله اشارت  
بیورلدی اسبوزده جان نوازدن بینظیر خدیجه ساز . مثال کل شکفته . و مانند  
نسیم اول نورس نهال باغ لعل افک زمین خندمته شتافته . اوله رق حائیان سر پرده عصمتی  
نفایس هدایا ايله جلب . و بو تقریب ايله میانه دن جوایس عیون حمایت و رعوتی سلب .  
ایدرک اثواب و مجوهرات مجاوبه بی و ساطط رستاران ايله ماورای سرادق عصمته تقدیم  
ایلدی جلوه سی کارخانه معموره اقطارده مثلی نادیده و ناشنیده امتهئک کر انقدر بی بها  
اولمیه بانوی جهان پر برر تعلق بنان امان ایدرک تماشای نقش و نفاستدن کنجیده



خروار تقریر و بیان اولیہ جق مرتبہ ده اقصیٰ خواطری رونقیاب صفا و نشاط اولوب  
جمله سین تعایذیر تحسین و نوازش . و یسمانده لرینگ دخی جلی حقننده ابراز خواهش .  
بیورلسیله جانب مؤکلان خدمات خاصه دن بعد از ادای مراتب بساط بوس بالکن  
بر صندوق مقفل موقوف اوله رق هنوز عتده حبالی حل اولنماش ایدومی عرض ایدلسی  
اوزرینده بونک غرائب اشیادن اولملغه حل ایله صندوق مذکورک دخی جاب و کساد ی  
حقننده حکم بانوی زمان قاضی . \* ینظیر \* ایسه سد حبابه لطایف حبیل ایله تسایم  
سررشته اتباعه غیر راضی . اولسی ایقاد ناره سونق تام ایله موجب استداد کرمی الحاج  
و ابرام . و قرینه افتتاح صندوقچه مرام . اولجق روی عیاریدن شوزمینده دانه ریز  
شیکه مقال اولدیکه . مکنوز صندوق مطمئن اولان تحفه نادره . کیمیای دارالخرائنه  
افتخار . و درینیم صد فحیه اعتبارم . اوله رق بر صاحب نکین خطه جهادارینک  
ودیعہ سی اولق تقریدله فتح و کسانده مفتاح اقتدارم غیر مساعد . و بوطلمسم معتمدک  
حل عقدی صاحب و دیعه اولان شاه مشار الیهک تعلق بنان عزیمتته مرهون و مستند . در  
چونکه ( الناس حریص علی مامنع ) قاعده سی هر حال و زمان و خصوصیه نسبت  
فطرت زنانه دستور العمل اولسیله اشبوا غسانه تصنع و تحمل . ملکه بانوی مسلوب مکنت  
احتیاط و تأمل . ایدرک اول شهباز اوج استغنائی دام احتیاله رام . و مجبور ایلای دوال  
ابرام . ایتمسدن \* ینظیر \* کسب اطمینان ایله اگرچه بوامر عسیر و بوخطب خطیره  
جسارت . محل بنیان دیانت . و نتیجه عتیمه سی جالب رخامت . ایسه ده ملکه کیتی پناه  
طرفندن مشهود اولان میل و اقبال عارج اقصای مدارج کمال اولسیله دائره مطاوعت  
اراده لرندن خروج ساحه اسائنه ولو جدمک اوله جفندن انصاذا امر لرندن دیگر صورته  
چاره کوریله من شوقدر که حضور عصمتلرینه مظهر شرف مشمول اوله رق باذات  
عرض و ابراز مرخص اولدقچه و ساطت بلاحق ایدای ایله اول کجینه مودوعه تک  
فک قفلی میسر اوله من

مرادماز تماشای باغ عالم چیست \* بدست مردم چشم از رخ توکل چیدن  
دیمسیله و میل بانو درجه کالده . و \* ینظیر \* کسب سلم عمری او درجه احتیاس و احترازی  
ایجاب ایتدیرمه جک برسالده . اولسیله لهجه التماس . غازه داراجات استیناس .  
و بحجاب پرده انوار جمالندن مظهر اقتباس . اولدی \* ینظیر \* غایت شادمانی  
و نشاطدن کندی بی فراموش . و ذره وار اکتسای وجود تازه ایله صندوق مذکور ی  
بردوش . ایدرک حضور حضرت بانویه قباغی آتوب اول مهر آسمان جمال ایله همچیره .  
و سیر دیدارندن نصابدار بهره . اولدی

مست نازم کیم یوتدی بویله بی پروانه سنی \* کیم یئشدردی بو کونه سرودن رعنائی  
ترنه سیله و مجر دتعلق کوشه نگاه و نظریله \* یئنظیر \* مانند پیکر تصویر . هیکل  
یبنطق و صحبت . و مساوب مساعرو حرکت . اوله رق غایت تهاجم حیردن دیده آفتاب  
دیده سی چشم ز کس کبی کنساده اولوب طریان کال یهوشیدن صندوقچه محترمی ساحه زمینه  
براقدی و تاب آفتاب جلندن شراره تنویره دوشوب ( کل مصور فی لنار ) تنوره سنده  
سوزناک . و اصابت سهام مژگانله هدف سیند سی چاک . اولدی بو حال بانوی کشور  
جالت جالب نظر دقتی اونسيله در حال . دست تأیید حسن تربیتله یئنظیر شوار د خاطر  
جمع واقعات ایدرک . صندوقچه دن فک مهر ایله \* یئنظیر \* کمر سوم قلم اعجاز  
رقی اولان سبیه \* جهاندار \* کندسته انصاف ایلدی \* بهره ور \* . دقایق  
مودعه تله امر ارنظر عبرتله شهراده نک کل صدرک حسن تر کینه یکنار بیک جان ایله  
عندلیب اشکار اوله رق قنغی تذر و باغ حسنک پیکریدر که

اتانی هواه قبل ان اعرف الهوی \* فصادق قلبی خالیا فمکننا

عیره سیله منام جانیه بوی آسای بخش ایشدر دیو تعین قبله جانیه نکران اولسندن \* یئنظیر \*  
اغتنام فرصتله نوز سینه علاقه دل بانوی جهانیه تقویت بخش اولدیکه . صاحب شبهه  
و ارت تاج کنور هند اولان \* جهاندار \* در که قوت بازو و صلابت نیروده پنجه فوله  
درستی ضعف زلیله معترف عجز وعی . و استهار جود و خنای محایف روز کاردن نام  
خاتم طائی بی طی . ایدوب عذوبت کفاری و اوطیان سکر خوی فصاحتی افتاده دام لکنت  
و حسن رفتاری تذر و صحرای غنچ و دلالی آواره کوهسار خجالت قلمشدر کاهیکه میل  
تخجیز افکنی ایله توش شاهین پروازه حواله مهمیز نک و تازا یاسد شیربان خاند روبا هده  
کوشه کیرویل دمان سوارخ موده پنهان و ستیر ولور . فهم و فراسته افلاطون اول  
و فن فیلسوفیده معلم اتانی اولوب جناب یوسف پیرهن چاک غیرت حسن و آیدر

شکرفی چاپکی جستی دلیری \* بمهر آهو بکینه تندشیری

کلی بی آفت از باد خزان \* بهاری تازه بر شاخ جوانی

هنوز سن کردکل نارسته شمشاد \* زخوبی سرو او چون سرو آزاد

برادهم زن نه درستم نهاد است \* بمی خوردن نشیند کیتباد است

شبی کو کنج بخشی راده دداد \* کلاه کیر قارون را بردباد

تخن کویند درازمرجان یارید \* زند شمشیر و شیراز جان یارید

جناب ملکه خورشید جمال . بو وجهله استشراف تاب و فر حسن مقال . و استکشاف

دقایق نقش احسن مثال . ایله \* جهاندار \* سلطانک تخم محبت و غرامنی مزرعه درونه

نثر ایدوب نهال عشق و شوقی چن خالمره مغروس . و شو قدر که دست حیدامنه کیر حال .  
 و دوشیزه لک مانع کشف ضمیر . اولسیله اول سر نهفته بلی آسنایی سکاف بدن  
 محروس . ایدوب نهانی شعله شوق و محبت شراره ریز خرمن صبری . و آرام خاطر  
 ایچون شبیه جهانداره بیک جان ایله مشتری . اولدی . \*بینه نظیر\* متاع کارگاه فسونی  
 قیمتدار ایتک اوزره زمینکاری ابراز یله سرو جان اغور بانوی جهانداره فدا اولسون بونک و دیعه  
 پادشاهی ایدوی ابتداء عرض اولمشیدی بنابر بن تنفیذ حکم جهاندا طاعده مساعده حان  
 و فرمانه قضا توان مجال امتثال غیر متصور در زمینده تصدی ایلدیکی مقاله طرف بانودن  
 بو کلام لاطائل حلیه صدقن عاطل و افسانه ماعطل اولوب صندوقه امانت شاهای اولمق  
 اوزره رونق ویریلان اشوحریر پاره منقش آرایش سیم وزر و زیب و زیور اعل و کهر دن ساده  
 و مدار تأید مدعا اوله جق قدر و قیمتدن آزاده بر تصویر دن عبارتدر دیومقابه کوسر تلسیله  
 \*بینه نظیر\* ساحه تنویر مدعاده شو و جمله تسمیر آستین تقریر دلپذیر قیلدیکه ای ملکه خوانین  
 روزگار اگر چه بوحریر پاره پر نکار صورت ظاهرده مالیق ایکی اوچ دیناره غیر معادل اوله رق  
 مهجور بازار اعتبار کورینور ایسه ده آشفکان دقایق حسن و آن نظرنده

هر دو عالم قیمت خود گفته \* نرخی بالا کن که ارزانی هنوز

مقالی ماصدق شانیدر ای ملکه زمان سریره کیفیت شومنه وال اوزره در که فرمانفرمای  
 کشور نبگاهل برج خاندان خلافتده برماجهان افروز طوتر که خورشید آسمان او ماهک خوشه  
 چین خرمن حسن و آیدر سیاحان ممالکیم که هر خرمتدن برخوشه وهر مائده دن برتوشه  
 اخذ یله سرمایه داردست ادوار اولمق پیشه و اندیشه لریدر بو کون و سائط عدیده ایله شاه  
 مشار الیه صاحب شبیه اولان شهراده بیدار بختک شمائل نجسته و خصائل فرخنده سین  
 تحقیق ایدرک یقیناً بتلشد که کل وجودندن مشام کیتی فائز بوی جهاندارای اولور استر که اول  
 کوهر درج عصمتی آنک سلاک از دواجه کشیده قیلسون وکل کلشن خاندانسه اول شمشاد  
 ایله پیونده معنوی بخش ایلسون بنابرین صد آرزو و هزاران وعده ایله عهده بهر د بر اعدمه  
 تفویض و تحمیل ایتمش اولدیغی شبیه مذکورک تیسرا تحافیه عطایای کران و نقد فراوانه نائل  
 اوله مو بوسایه ده فکر معیشت عیال و اولاددن آسوده دماغ اوله رق الجاء ضرورت  
 احتیاجات ایله سرگردانی روزگار دن نجات بوله م \* بهره ور \* بانو که شبیه مذکورک دل بوده  
 صاحب پیکری اولمشیدی چونکه \*بینه نظیر\* دن بو افسانه کوش زدی اولدی نفسیله طرح  
 مشورت و کنشی کار یله تأمل اقتضای مصلحت قیلدیکه بیکه اول آفت جایک ناوکه عهده  
 کوکلدن هدف اولمعدر

ایتدک اسیر طره دل بینه زمزی \* بتلرک یله دامه دوشوردک همزمزی



بقیندر که سعادت وصالی ادر اکسز ساحه زندگانی منزل مرک اولوق مقرر . و حلاوت  
حیات سکران مودن تلختر اولان مرارت غومه مبدل اوله جغی جاوه کرساحه نظر . در  
حال بومر کزدن ایکن اوله برهمه ای اوج سعادت و شکار دست محبتی دیگرک فرق اقباله پرواز  
ایتدیرو بده نفس واپسینه دکن سلسله همومده مقید اولوق هزار مر حله آیین مصلحت  
اندیشیدن دور در همه حال بو طلسم کنج اقباله که کلید باب مناو مقدمه حصول ممتاز  
چاک اولنجه جامه عمرم کریه نام کبی \* صاقلرم اسرار لعلک سینده ده جانم کبی  
مؤداسی اوزر ریش نظرده دست تقدیرله محافظه و مجال پای ملاحظه قیله رق عنایت بغایت  
الهیکه کارسزه مطالب ملازمان باب نیاز در ربط وثاقه امید و اعتمادیله منتظر ظهور تابشیر  
مراد اولوق موافق قانون صلاحدر

برکون اولور که اولور نائل کلبرک مراد \* طولاشان کلشن آملک اطرافنده  
دیرک وزمینده افق . بنظریره \* سرد سخن دلذیر ایتدی که ای تاجر سیاح سنک جل همت  
پیشده و اندیشدک استفاده و استریا حدن عبارت اوله رق قشغی بازار رایج . موافق صرف  
مناع اولور و قشغی منسرتینک نقد معروض قیمت مفروض سلعدیه معادل کورینور ایسه تأخیر  
عقد ایچون قانون تجارت هیچ برندی مساعدا و لید جغی مسلم ارباب خرد اولسیله بو حریر باره  
سیاهی حوصله آرزوی خار که کنجده اولان بدل هر نه ایسه بیان ایدرک بیرنج و تعب  
در جیب ایدوب ساحه منقرنه رکیله باکال حضور بال جانب مقصوده مزاهی . و خاطر نهی  
عذر واهی . اولدسز . زیرا مسلم حقایق شناسان تقلبات روزگار در که شمیمه عالم  
هر نفیده صدرک تبرک حوادن تو لید ایدده کلسیله مذموم ترین شمائل اولان خصلت مدوحه  
حرص و طمع اتباع . و خیال خام منافع استقباله مدباع . ایدرک نقدی امید نمسیله  
فداوند حضور امر و زی تصور سبله سود فردا ایله تخم شور هزاره با قبللردن نیجه ساده  
دلان بنویسند اندیشه سرگردان تردد رنج و عناد اولوب تحسرمافا قادن طولای در بغ و نغابله  
خسران بآسی حرمانده قالور

هر زمان کشتی امید هوا سین بولمز \* گاه موج آور اولور و رطه امیدامل  
بافرض رهزان حوادن مدح و نوا رق (صحو بأبالسلامه) مثال مذکورک محل مزبوره  
ایصالی منسرا اولسد بیل حال بشر نسق واحدده منظم و مرتب اولماسی تقریبیله شاید که  
اولجینده شاه مشارالیهک دامن همت راستین مرقی اندازه تصمیم خاطر دن کوتاه اولوب روی  
عهد و پیمان پرده کش تغییر . و کیستمر امکه ابلاغ مبلغ مکافاتدن تقصیر . ایدرک باعث  
کاهش و خراش دل و جان اولسیله منظومه پرتعقید رنج و تعب سیروسفر بلاد بو طریق ایله  
مستزاد اوله چونکده بی نظیره بیلدی که افسونی دل پریده اثر . و علاقه جهان داری

پای خاطرند مقرر . قیلدی هزار تردد واستغفار ابراز یله بالاخره فرمان فتحتم الاذعان  
از سر تسلیم پسند . و کرائقادی میان جانیه بند . ایدرک  
بهرچه حکم کنی بنده ایم وفرمانبر

زمینده تسلیم پیکر . وجیب و دامانی احسان فراوان ایله پرسم و زر . ایلدی وآیات  
مصحف حسن کامل . و بیت لتصد ابروان و طره سندن مزایای دل بای شمانی سر تا بقدم  
قلم حافظه و لحاظه ایله لوحه داده مرسم ایدرک حضور بانودن تحصیل رخصت انصراف  
ایله مطرح خیامند زمام عزیمتک حین انعطافنده علی الفور عنایت خاصه موین اوله رفی  
صفحه مله ای حریره برآیین بهین اوزر رسم و نقش ایندیکه اول مهر سهر دلبرینک حسن بر بالا  
و چهره دلاراسدن سرمو تجاوز ایندی و رد آب سحر آفرینده رعایت دقایق فسونگری به  
اعتنا قیلدیکه

کوزل تصویر ایدرسین خط و خان دلبری اما \* فسون و فتنه به کلد کده ای بهزاد نیرسین  
سؤال ضمیمه محل بر اقدی القصه بنه ضمیر مترشح مجاری ظهور اولان رشحات لطف  
و عنایت غیبی ایله سیراب سرور و حبور و ناوک راست رو رأی رزینی سینته کذار آماج مفخر  
نا محصور اوله رفی جانب دیاره شتاب و طی مراحل و قطع منازل بحساب ایله درگاه  
خداوند کاره فائز و وصول و بر سرعت فیروزده

سزد که مانی کلسه نسرای خلد کشد \* سواد لوحه آن ریاض دیده حور

اضیفه سنک مزایای نقش بدیعی اولان تصویر دلبری دستاویز چتر اردشت سیاحت ایدرک  
تقدیم یله درگاه جهانداره رخصتیافته شرف قبول اولدی اول شبهه مهر افروز که فلک  
فیروزیده نیلگوننده هزاران تصاویر نورانی ایله شوق رسان عیون ستارگان ایکن نظیرنی  
مرآت غرابنمای عالم مثاله محرم مجریده . و مانی روزگار کهن . کارنامه کیتیده  
بو گونه بر نقش عجب . کلک خیال ایله تخته تصویر کشیده . ایتماشدر تماشای چمن  
آب ورنکندن دامن نظاره رونقچین نکارخانه کل . و نشئه خرد فریب صورتندن ساغر  
معنی صفایاب مل . اولور و قلم . هنکام نکارنده قلم نرکس کی دست نقاشده سیر اولوب  
بلبل تصویر . رشک شوق نظاره سندن پروازه کلورایدی ملکراده پاکیزه کهر . مبادی  
تعلیق نظرده . مدهوشی باده عشق ایله

یا قدک ای آتش زن آرام یاتمش کوکلی \* نوهوس قلدک شوکندندن اوصاتمش کوکلی  
دیه رلک بالای تختندن افتاده وزمین خاکساری به سر نهاده اولدی

الایقل من شاء ماشاء انما \* یلام الفتی فیما استطاع من الامر  
قضى الله حبال الملاحه فاصطبر \* علیه فقد تجری الامور علی قدر

پرستاران بساط اجلال . مشاهده حالندن پرملال . اوله رق داروخانه اطبایه شتاب .  
وبرک نسرين رخسار تابدارين رشحه دارکلاب . ایتدیلر \* بی نظیر \* که اول نخل گلستان  
محبث بنفسانى شیران حالى ایدی اطرافى بالیندن تفرقه ساز جمعیت اولوب سربا افسرنی  
درکنار و حال هستی سوزدن بیدار ایدرک سریره و شیرازی به اجلاس . وصفاخ جاننه  
مژده رسی مهر جانان ایله تازه لباس حیات الباس . ایلدی

ان تم ماجاء رسولی به \* غفرت ما اسلفه الدهر  
اما وجهندن که ناولک جگر دوز عشق هدف دله قرار طو تشبیدی دست غم دلداردن بقرار  
و پروانه صفت سوز زنده شمع خیال دیدار یار اوله رق  
اولدی اسکم کلشن آرای هوس جور کبی \* آقدی کوکلم بر نهال تازه به صور کبی  
کل یاسمن کبی جامه و پیرهن چاک . و کوش جاننه تعلیق حلقه شیدایی ایله فرق فرقه مساسنی  
آغشته خاک . ایلدی

نه صبر در دل عاشق نه آب در غریبال  
هر جهندن روی توجهی سوی صفت توجیه ایله زمین نیکنامی و وفار و تمکیندن پاکشیده .  
و مستور خاکسترینه داغدارى اولان اختر پاره شوق شغفله سوزنده . اوله رق سر نیاز  
و ناصیه ارادتى محراب عشق نهاده قیلوب آوازه ابتلا س هر کوی و برز نه منتشر . و فرصت  
کمایه ده طلبی زیر کاغدن ظاهر . اولدی

دو کدی او موزدن پوشی صاچاغنی \* آچدی کوکلر دلی بیراغنی  
عاکشان ایدر سریر شاهی عراقل امور دن معدود اولان اسبو داهیة دهبائی تصفیق دو کف  
حیف ایله معروض حضور خسروی قیلدیلر اول کوهسار و قار شهر یاری بی اختیار غلطان  
ساحه حیرت واضطراب . و کلبرک زبانی بر زمان سوش آسانسداد آمدشد نفسله آشیانی  
نطق و تکلمدن آزاده و بی تاب . اوله رق نعمت ز بر آهنگ کوه کوه غم و اندوه ایله کوشدندن  
کوشیده شتاب . و کلزار امیدنی صرصر خزان یأس ایله بی رنگ و تاب . ایلدی  
داروی دل نیکم کانه که مریض عشق شد \* هیچ دوا نیاورد باز باستقامتش  
هر که هوا گرفت و رفت از پی ارزوی دل \* کوش مدار سعدیا بر خیر سلامتش  
مع هذا به قضای سفت ابوت فرزند محروم القوادینه سراپا که خیال محال دن جستجوی زلال  
چاره به قیام ایله اول یکدانه صدف صابنی خلوتخانه دینجوره طالب و حجاب ایدرک روی کلبینه  
کلاب افسن صبح و نهد در نه اولدی چونکه کوس هوش جهاندار بنده عشق  
جنون انکیز ایله مسدود و زبان حالی  
دل مجنونم اولوب مکتب عشق استاد \* ایتدی شاگرد جنون عقل از سطال س



مقابلله بر سرور ابدی کفار عقل و صحرای دل مجنون کردار بند بول بول بیوب جاده  
قبوله قدم توجه واصغابی اصلا نهاده ایتمدی

بیدل کمان مبر که نصیحت کند قبول \* من کوش استماع ندارم لمن تقول  
تاعقل داشتم نکر قتم طریق عشق \* جایی دلم برفت که حیران شود عقول  
نفسی نزول عاقبه الامر فی الهوی \* یامنیستی و ذکر کف فی القلب لایزول  
وزرای صاحب آرا جلب عقلای منسلک کسایله عقد انجمن سورا ایدر که بو عقده ماناینجیک  
تفحص اسباب حلنده جنب شهر یاره معین ویاور اولوب مقتضای خرد سواب اندیش اوزره  
غائص لجه تدایرور شمع جوی رود فکر عزیز اولمش ایلر ایلده (هیاهات مضرب فی حدید بارد)  
منله مضرب ومورد اوله رف روز روز آتش ابتلا بر بالا اولمغه و ناره جنون پار لغه باسلادی  
بزم دلد شعله دارا و اسه ندیم صهبای عشق \* شیشه فواره آتش اولور مینای عشق  
خاکیدر خون سمندر دن مدا ما فیضیاب \* شعله دندر لاله زار دشت محترای عشق  
روغن ریک ره وحشتدن اخذایلر مدام \* شعله برک خزاندر تایش صحرای عشق  
نار برق شوقی پیمیده قیلر کاه دله \* جوش استغنائی یار و کرم استیلای عشق  
بحر رحمت طاعت عشاق دندر شرمسار \* ابردر کرد سراب دامن فیضای عشق  
نغمه آهنگ عاشق در کف افسوسدن \* دمبدم قلد قبحه تولید الم آبای عشق  
عقده دل ناضن تدبیر دندر سخت تر \* آب سوزندن اولور سبزیده خار پای عشق  
جوهر فرد حقیقتکن اولور دریای موج \* هرندم بولسه دل عشاقه ره مجرای عشق  
سوزناک ایتدی نوای نای کلکی ناعفا \* کرمی دلدن شرار افشان اولوب کویای عشق  
چونکه معالجات ناسور دل ومدبران کامل هر کوچه تدبیره که سالک اولدیلر سرمئزل  
مقصوده ایصال پیدن ادراک عجزوعی ایتلریله بالاخره مذمت اطوار شخصیه زنان و سوء مشور  
طائفه نسوانی حاوی حکایات عبرت فحای . اول اورنگ پیرای کشور جنونه انما اولکه  
شاید که وجوه باسره زندکی سرشتلری مرآت خاطرنده مورث غبار تکدر و تنفر اوله دیو  
عقد اتفاق ایله رشته انعام مشورت کسسته اولدی بومئوال اوزره کارگاه اندیشه  
فسانه کویانده منسوج اولان رنگارنگ افسانه اخبار و حکایات یرنیرنک بسط و سرد اولته رف  
زیمی بخش مهر کسسته شره و میلی اولمش اولسی امبدیله . خبر اندیشان دولت و نیک سکا لان  
مملکت خدمت چارو بکسی جهان داری به مرخص اولوب اجتناب زمین وزمان ایله روی خانه  
فتح ابواب نصایح مسفقانه قیلدیلر که . ای جهاندار عالمقدار یکسمه کیفیت سیه جوهری  
و کینه دی زنان مفهوم خاطر انورزی اولدی . حیضدر که ذات فراطونسمه نری کی  
برخیل والادانش بالغ خرد . میل و محبت زنانکه غدر و کید ایله قلوب ساده دلان رجالی

صیددن غیرى برامر خطیرایله مقید اولیوب بستم فطرت و دنائت همت و قصور جبلته  
 شهر آفاق و (لاخیر فیهن) نطق جلیله مظهر علی الاطلاق اولساردر . بوطائفه نك  
 سور محبتله زمین طراوتدار خاضری مغیر ازار خارخار هموم و اکدار . ولهب سمانسوز  
 عشق ایله لاله درون صفات ظاهری داغدار . ایتك نوجمله چسبان و نزد عقل کاملده حلیه  
 قبول سایان اولور که صیت جلال و یرتو جمال کمالکز آفاق مشارق و مغارب رسیده .  
 و یاد جوهر تیغ آبدار کزله اوریک نشین اقطار بیدوار لر زیره . اولسدر و سائق هوای  
 قلبه اتباع و نقد ایله مقدمه بردازی اولد قری بوسکل سالب الحضورك و خامت و مضرت  
 نتیجه سی محسوم رأی دانشور اندر

هر که بکفتار نصیحت کنان \* کوش نیارد بخورد کوشمال

چونکه جه اندر ابداء عشق صلاح سوز ایله مد هوش و نسته سر سار محبت جان افروز  
 ایله مست و سرخوش ایدی (و جد قریاً بیناصحہ فطن قرناً بیناطحه) مثالجه سخنان پند  
 امیره قطعاً حواله سمع اصغرا . ولالی شاهوار مواعظ . بازار اعتبارنده خرف پاره قدر  
 پاره و بها . ایتوب بلکه منشور نویسان و صمت نسوان . ورق طرازان مذمت زنانک  
 نیجه ایام و ایال هیئت حکایات و مسامرا تده اسماع و الماع ایلد کمری قبايح و مساوی زمره  
 ناقصات یفتره کانون شوق و محطه فنون عشق اولدی

غم عشق از ملامت تازه کردد \* وزین غوغا بلند آوازه کردد

ملامت شهنه بازار عشقست \* ملامت صیقل زنکار عشقست

ناچار و زرای صاحب کار

مرض عشقه دو ایله به مر افلاطون

رقم عجربی صفحه حار حیرتنامه نقش و از بار . و کمال یأس و نومیدی ایله (ابن کار بتدبیر  
 نیاید راست) سخن راستی پایه سرشاهی به عرض و اخبار . ایتدیلر . هر تختگاه  
 دله که شهبه عشق مزالار اوا . و نوای فلک فرسای سوقی افراسنه فیلوب کوس شیدایی  
 چاله . او محله شهنه عقل سیلی سیاست بیکد نبشتمه نه به مقتدر اولور . عشق بر بحر  
 بیکران بلا . و عقل شعله خس و خار . و عشق صرصر کتی ربا . و عقل شعله  
 شمع بفرار . در بر جراح که سنان زهر ناک عشقدن ناسور اوا پنبه مرهم اکود عقل ایله  
 قیل و مال و ملکی تصور و لغزو بر کلبه که چمن دله آید ری عشق ایله نسو و نمابوه محصولی  
 کل شیدایی اولد برق خان خرددن خجول ایت

عشق است و هزار شعله در تاب \* عقل است و هزار پنبه در آب

چون آتش عشق بر فروزد \* فرزانه و عقل هر دو سوزد

چون عشق رسد بآتشین تاب \* صد زهره آهنی کند آب  
شاهنش بی نبرد عشق است \* سلطان خرابه کرد عشق است  
بر کوهه غم کشد عماری \* بر مرکب خون کند سواری  
از خون جگر نکار پیوند \* و ز سلسله خون حلی بند

چونکه شاه . بو خبر یاسدن دارالملک داین پامال سپاه نو میدی و یاس ایتمسه مصلحتک  
تسایلات طبیعه سنه کوره تکرار اقتضای حال حضور عالیه بانذکر . رأی رزین  
خردمندان دانش کستر . بومرکز صواب قرینه رهین اولدیکه مادامکه کار دست  
اختیار دن . و تیراراده شست قضادن . چیمشدر

روزیکه قضا باشد کوشش نه کند سود

بو حالده جناب جهانداره پند و نصیحت داروخانه سندن علاج ارمق . و سرد موعظتله  
حصول افاقت امیدنده اولق .

(آهن سرد کوفتن) و (بخت باد پیودن)

مثلک عیندر تقدیر الیه سیر بمحل امکان . و مشیته مخالفت مقدور توان . دکلدر

باهیج دلاور سپر تیر قضانیست

بنابرین بود و آورده پرکار افکار دن ال چکدرک بعد ازین اول سراسیمه فضای دانسته کینت  
غنچه ثمناسی چن مرادده خندان . و کلین آرزوسی کلشن امیدده کل مقصود اتیان .  
ایتمسه سعی اولمق کرکدر . و بودخی جناب جهاندارینک دلر بوده چنکال سلاقه سی  
اولدینخی بهرور بانونک پدر نامدارینی وساطت برید و نامه شاهلی الیه دل نرم حسن موافقت  
ایدرک اول نهال روضه جالک پیوند صوری و معنوی سیله سر و جویبار \* جهانداری \* دل  
آزاده . و وصلت سراسر بهر بخت رضا داده . اولمقندن عبارتدر الحاصل اطبای  
خسته دلان . جریحه خون فشان شهرزاده به وصال جانان دن دیگر مرهم کار ساز تعیین و ابراز  
ایده میوب بونک اسباب حصولی ایسه محتاج غایت نامل بر امر دشوار و اندرق کسر ز جاجه وقع  
و اعتبار . و جلب عدوان و مضار . امثالی احتمالات مضره عقلیه سی بیرون دایره  
انحصار . اولسیله اقتضای بر قاعده دانشوران اورنک آریان . عهده آرای و کلایه  
تفویض و محول . و قانون مختم (فشار هم فی الامر) دستور العمل بیورلدی

صوابیدار باب حل و عقد الیه فتاوی و دو مطالبی حاری بر قطعه نامه نامی خسروی بی  
حامل اوله رق بر سفیر و شناخیر و الحی خرد سیمیر اعزام و تسریب . و بو ذیلده انواع اقبشه  
و حلی و جواهر و لایدن عبارت هدایای کرانه تیت و دستاویر محبت ترتیب . اولندرق سفیر  
بعون طرفندن چراغ راه مقصود اوین روی عتل مصلحت قرین . و فکر صائب و رأی



رزین . اوزره مقتضای مصلحت و تقاضای مجلس صمیمت توفیقاً معانی مراد و مضامین مدعای جامع کلمات جوامع الکلم حکمت بیان . و اطف و لیت لسان . ایله ادای وظائف سفارت . و فرایند مقاصدک سلك کامیابیده انسلایکچون سر رشته کاره حسن آشفته لایقیه دقت . اولنسی حتمه اراده شاهیه متعلق بیورلسیله موجبجه دبیر عطار درقم کلکون صبانم ارقلمه فسخه تارک بلا غنیرد ازیده شور فشار اوزره آشنایی بخش فتون تک و تاز . و منشی عنبرین مداد مناسطکی طبع و قادیله زلف لبلائی سخنه سونقش مشکبار اوزره رونق ساز اولدیکه

### سواد نامه شاه هندستان

زبان خامه شحرنگار . هنگام تبیین جلالتنده غایت عجزدن سپهروی نجات اولان نام نامی ایزد جهان آفرین . دره انساج تصلیه سید المرسلین . و ترضیه آل و اصحاب کزین . قلند بیغنه اردافار یاحین مشکبوی دعا و ثنا که پرورده آب و هوای یکرنگی و بخاندن . و نما یافته کلشن یکانکی و مخالصتدر جهان تابان فریدون . فرکیخمر و نجسه منظر . زینت آرای اورنگ سلضت و کامرانی . بلندی بخش دیهم عاطف و جهان بینی . نیروی بازوی عظمت و بختیاری . قراب شمشیر جهان داری

### شاه قوی طالع و فیروز چنگ \* کلین این روضه فیروز رنگ

حضور جلالت کجور لیسده وساطت و فور تعظیم و تبجیل ایله ایثار و اتخاف قلند قد نصکره سوزمین مخالصتکاریده ادهم راست خرام خامه بی اجله به ابتداء اولنور که اگر چه ذریعه ارتسام نفوس خلت و وداد . و واسطه انسجام نظم الفت و اتحاد . اولان رسل و رسائلک طریقه اتخاذهی شمدی به دکن مسالوک قدم اعتیاد . اوله مامش ایسه ده مزایا شناسان حقایق معاملات غیر سبیر اولدیغی وجهله بوبابده مطرح اساس کار . و مسرح انظار اعتبار اولان ساحه درون مصادقت مشخونده قواعد صفوت و موالات . و مبانی محبت و مواخات . بروجده استکمال محمد و مشید اولوب نسایم همت خاطر . مداما ابتسام ازهار مناسبات . و انتسام ریاحین مصافات و مسالامه . مصروف . و توجه باطن فیض موطن . استحکام پیوند معنوی و ارتباط روابط حقیقی به که استمر اج قلبی و اتلاف روحانیدن عبارت اولدی و افضان اسرار حقایق آنی محبت ناسیله توسیم اعنلردر و عالم سر و شهود ده بوندن افضل بر نسبت حسنه پذیرفته تحقیق اولماشدر . بوجه اتم مبذول و معطوفدر . و بومعنائک تمثال و خیالی انعکاس پذیر صور حقایق اولان مرآت ضمیر منیر حایا آسایلمرنده انعکاس و مرسم اولدیغی رهین خلایق بقیندر امید و اردل اخلاصمداردر که بعد ازین انتظام سلسله محبت و یکانکی . و انوار مشعله مصافات و یکجهتی طرفین نظر

ابنای روز کارده قرین ساحت ظهور و بدور اولوب اشبوابکی جرثومه عالیه نیک بنای ذات  
 و مظهرتی انقطاع رسته لیل و نهاره د کین عرصه ادوارده مؤسس و پایدار . و دستور العمل  
 اخلاف خواقین عالمقدار . اوله و بومطلبک تیسر حصوله مدارتم . و هدایت شهره  
 امید ناعلم . اولق اوزره دوحه معلای همایونمژده نمایفته آب و تاب حسن آداب .  
 و افتخار و دمان شوکتآب . اولان نونمال عالیتبار که فنون شتای جهانگیری وز بردستید ،  
 یکنه و بی بهانه . و درج فضائل و حسن شمائل عالم آرایید ، یکدانه . اولوب وجوایله  
 تعاق نظر رغبت و رأفت جشکو هیلرینه سزواردر . نخلستان روضه خاندان خاقانیاری  
 زی و زیننده بهره ور حسن قبول بیو لقی امل ملهمی جمله معتمات ظهورات معنویه و آثار  
 تأییدات الهیه دن عد اولنه رقی بناء علی ذلک محفل خلد طرز ساهانه مزده فائز شرف ادرک  
 اولدیغی جلائل حقایق صدق و اخلاص بیواسطه حضور سامی خاقانیلرینه عرض و تبلیغ .  
 و محمول زامله رویی اولان و دیعه مسنونه نیک حسن اداسنده ابراز مأر سعی بلوغ . قلمق  
 امنیه سیله خواص قرنی آستان جهانانی برور شیافته ظل تربیت و مهربانی دانای رموز  
 مزاج دانی فلان بنده لری عهده قابلیت تمجیل عز سفارت قلندی اولمرکز دایره داراییدن  
 دلخواست مختلصتدر که پنجه عروس ملتشی رنگین حنای حسن تلقی و اجابت ایدرک آبیاری  
 عنایت جهاندار یلری چمن اتحاد و یکرنگی به نصارت ابدی و طراوت سرمدی بخش ایده .  
 و مصقله تودد و مهربانی ایله سخنچیل دلدن رنگ تردد و تنافری امحا و تحمیل منت اوفاقیاب  
 بودرست اساس مستعد الاندراسده بنیان سپهر مناس محبته طرز نوآیین اوزره واضع  
 استحکام تام اوله . زیرانسته کون و فسادده مبدع نکار روز کار اولان کلک رسام ارادت  
 صفحه ابداع و نخته ایجاد و اختراع اوزره رسم بدیع یکانکی و اتحاددن نقش ترین بر صورت  
 بسته . و کزیده منظر خلقت اولان نوع بشر حسن وفاق و اتلافدن معتبر بر عمل ترینه  
 مظهر و شایسته . اولما مشدر و بونست والا که سار آحاد افراد حققرنده مورث هزاران  
 خیر و سعادت اوله شاهان فلک اقتدار و کتی خدایان عالی مقدار که بهترین خلاصه آفرین  
 و خاص ترین نتیجه تکوین اولوب جنب مبدع اکوان اول طائفه علیه بی بعد از انبیا علیهم السلام  
 قاطبه مکونات و سائر مکانات اوزره فائق و بر کزیده بیور مشدر اشبواب طیفه روحانیه نیک  
 انلرمیاننده قبلدن قلبه جریان و فیضانی نه پایه ده احسن اوله جغی بالبداهه هویدادر شاید  
 قانون خردمندیدن بخبر . و دولت رشد و سداددن آسوده سر . اولان برطام  
 بلفضولان بی اذعانکه منام ادراکلری رواج جائنواز خلتد آند اولیوب وجهه فطر تیرینه  
 ابواب معانی محبت قطعا اچلما مشدر اومقوله ساده دلاتدن بومثل امور خیریه به دخل  
 و نعرض ابراز رشد و سدادده وسیله اتخاذ ایدرک و بحسب الظاهر لباس خیر سکا لایده

کوریندرک بوشاهد امر جلیلک چهره حسنی جلالی ستر و تقیحه تصدی و حدود  
حقسنه ای بی تعدی ایدنلر بولنورایسه خصیصه ذات ستوده صفات صوابدا یلرندن امید  
وستوقعدر که خاوتکده خاطر اقدس منظر خسروانده فراست فطری و کیاست جبلی  
خاقانیرینک عهدہ تمیزینه حواله . و چشم انصافین و دیده حقیقت کزین ایلہ تماشا .  
بیوریلہ تا کبورای رزین و امر کزینک صفحه جالی رنگ کدورتدن سالم و بونسنه دلفرانک  
جاسنی لنداندن دماغ آرزو مغنم اوله انشاء الله تعالی بومقصد خیرانتاج مستونک طرف  
ولای حکمر نیلرندن دخی رعایت مراسم محبت و یکانیکی ایلہ اسعاف حصولی استمرار مراسم  
مرضیه و داده ذریعه و نمتدنه نیجه فوائد و محسنات حالیه و استقبالیه مستکن اولان استقرار  
مراتب حسنه اتحاد و سیله بیوریلہ جنجی مخایل ریب و استیابهدن آزاده درباقی همیشه نیراج  
عظمت و اقبال جهانبانی طالع و درخشان . و اخترسعد اقتران سلطنت و کامرانی لامع  
و نورافشان . باد . چونکه اول سفیر آگاه ضمیر طرف اشرف شاهدین مرخص  
و مأذون . و متوجه پویه کاه دشت و هامون . اوله رق بوتدیر صورتپذیر ایلہ دل مجنون  
جهاندار گوشه سکون و قرارده رش انتظاره بند و

ای پیک نامه بر که خبر میری بدوست \* یالتا کر بجای تو من بودمی رسول  
منهونی درس ایدرک آهمن خوی راه آرزوی جانان اولان سمند جانهرشته صبر و تسلیتی پیوند  
ایلدی بکران سبکجولان همه لطفی مسافات مراحل و قطع مساحات منازل قله رق ناوک  
راست رء کبی نشنگه عین غریبی اولان شهر منیو سواده وصول بولوب پدر بانوی بهره وراولان  
خاقان رسکوهک محفل خلد نشانه فاعز قبول اولدی آیین قاعده دانان ادب و پایه سنان  
خرد اوزره نامد رنگین ادای متبوع عظامنی با تحف هدایای مبعونه در کاه سپهر اعلیایه تقدیم  
و اعلا . و امضای مراسم نیایشه متعاقباً دو حقه معلائی خداوندیدن چیده دست اذعان  
اولان ماده اختطابی عنوان لایق و طرز مناسبله رمز ایدرک وظائف رسالتی ادا . قلدی  
جسد سود ده آل و منهنون جمله مثال موافق مزاج شاهی اولمید رق جالب مخائل تأثر و انفعال  
اولدی

کان گوشه ابرویش خم گرفت \* نه تندیش کوینده را دم گرفت  
چنان دید در اوقاص دراه سنج \* که از خوش دلی مغزش آمد برنج  
سفیر و ششاضیر شکستی رنگ رخساره شاهدین استدلال حالت نومیدی و خسران ایلہ آب  
انصافی تشویر صد نیز بالای فرقتدن گذران ایلہ رنگ دهبسته حال و اعاده مقاله بمجال اولوب  
همان اول روز خمس نخستده بلا امهال صدور فرمان قضاتوان ایلہ جواب رد و زهرابنه پسند  
و صدی حایر جواب نامه نامی تسطیر شد قلم منشع سریره دان معهد اوله رق سفیر پر فلاکت



بی نیل مقصود رجوع قهقری ایله کام سپهر ریاس و خیت اولدی

جوابنامه شاه مینو سواد

بعد از حد و ثنائی ایزد پاک . و تصلیه اسنای صاحب لولاک . چن پیرای حدیقه  
دولت . و صدر آرای انجمن سلطنت . مربع نشین چاربالش جهان بینی . زینت  
افزای دیهیم کامرانی . پیرایه ده اکلیل واورنک . دیباجه دفتر دانش و فرهنگ .  
سلاله سلسله جهان داری . واسطه العتد جلال و نامداری . یعنی جناب کیاب  
خاقانیرینک سرزده خاطر قدس مناظر لری اولان کلدسته روابط مستحکمه یعنی نامه  
محبت شمامه و فاعلامه که هر حرفی صحیفه خرد و دانشه عنوان تازه در نجسته ترین اوقاتده  
راحت تکریمه و وصول بولوب و سسی قواعد و داد و موالات و موطد قوائم اتحاد و مصافات  
اولان غرر کلمات بارعة الثکات مندرجه . و درر تعبیرات القات آیات مندجمه . سی قریر  
افزای دیده ابتهاج و استسار و دفته کارگاه محاسن اخلاق اولان کالای کران بهای اعطف  
و نوازش دلربایی . و متاع بندرگاه مکارم و اشفاق اولان هدایای نفیسه دارایی . قرین  
لحظه ابتسام و مسرار و اوش و برسته چتر خاطر سده نعل اولان کیفیه دخی علم عالم آراشمول  
بولمشدر لله الحمد و المئه که بونیایش کر نعمت بی پایان الهی بهارستان عنایت نامت اهیدن  
دامن دامن کل دانش و عرفان و دسته دسته ریاحین خرد و اذعان ایله املای دامن طبع و غضرت  
ایدرک خمخانه هدایت از لیدن سرفرازی شئه حقیقت و آکهی اولوب شب و روز محاسبه  
معاش و معاد ایله نتیج نیک و بد معاملاتدن بکلمظه وارسته و المامق تقریدله القات مکاید  
پیشکان اصحاب اغراضه اتباعدن هزارمر حله متباعد . و میان حق و باطل و موارد سود  
وزیانی تقریق مجید . اوله رقی پرکار اندیشه و افکار صائبه مز باعث حیرت و خاموشی  
خواص . و موجب گفتگوی عوام ناس . اوله حق زعایم امور دن اجتناب و احتراز  
اوزره اولمسیله بیغله مشورت مؤکلان مراتب عالیله محاذیر عیدیده سی نزد همایون نموده مجزوم  
اولان اسعاف مرضی ساه نعلرینک عدم امکان و محاذیر فراونی نزد حقایق وفد  
خسرو نه لرنده دخی معلوم اولمق اقتضایدر بوجه ته اسبو امر مستحیل الحصول صورت  
رسیده و عاید ده تکلیف و ابراز ایله السنه ژانویه و ایان ممالک طرفینک فرجه یاب طعن و دشنام  
ایلملری حقیقه باعث تأسفدر سان رسکوه سلاطین غضبکه رونق رخساره انام و لوب  
دائرة نکوند، مرکز و رؤسائره اکواندن ممتاز و مستناده اوله رقی مرجع خاص و عام  
اولمسیله رهرو و اطاب خیال محال اولمقدن علل اسوام توقی تام ایله رعایت حزن و احتیاض  
حصر افکار قلنق مهمترین معضلت امور ایدوکی مسم جبر و در حل و عقد مهمه مبادی  
شروع واقعه مده اطراف و انتسند تردید نظر تدقیق ایله بعده قبله نمای توجهی نقص

عزیمده قرارلندیروب حاصلی تمشیق درپیش ایدیلان خطوب جسمه نك صلاح وفسادنی  
بله تعقل و تأملده سنجیده و

### کارا ولده کشی عاقبت اندیش کرک

نامل اعتبارنه رسته مضلعات عمیقہ بی پیچیده ایدرک بعدہ ساهین توجه لرینی هوای استعجاله  
پروازیتدیرنك و شاید سر مابۀ خرد خرده دانی و عقل صواب آشیای لری بهره کفایتده متمتع  
کور نمزسه مایه دانلرینه عقول سایه و زرای خیر اندیشی ضمیمه و (فشاور هم فی الامر)  
کریمه سنه تجماع یله آراء صائبه نریدن استمداد و استعانه ایدرک ساحه صدق و سدادده تعیین  
و تبیین بلد کتری نقوش مطالب عالیہ و رسوم مأرب سامیه بی صفحه اظمهار و احرازده رسم  
و اراز ایلک ساینه تحسین و معاقد صعب امورہ مدار حل و توهین و اولور و بر امرک  
سنگار عسر و تعذر دن قضای تیسر و حصواہ جلبیچون تعیین مدخل میسر اولد قبحه  
زبان و قلی اولابده محرم نطق و سطور ایتک یعنی

### قدم الخروج قبل الولوج

منہجندہ موارد و مد اخل اموری نا مل و تدبیر قلمسزین بر مهمک صور اجرائیه سنه قیام یله  
بعدہ تصادف اولد حق عوایق مشکلات دانشی کسر مینای نفوذ ووقعه سببیت و بر مک  
جواز داده صاحب الباب سلیمه اولوب حاضه امتحان کنیده ایدلیان معظمات امورک نتائج  
رحیمه و عقیقه سی نجالت و انفعارن عبارت اولد جنی غبار امر تراوش تباهدن آزاده در همان  
جناب ایزد یچون انوار ساطعه دار ایلرینی آسمان خلوده طالع و روز افزون و باوری عقل  
و دانشله توفیقات صمدانہ سین را همون بیورسون امین

### لا ارضی بواحدة حتی اضم الیه الف آمین

چونکہ الحی رسته دل یجایجی کوهر مراده ایصال ایدہ میدرک ثمره هیچ در هیچ خذلان  
خبت و کمال شرمساری و نجالتله رجعت ایدوب سفر اعمال سیدسی کی حائل اولد یغی نامه  
مبانی تقدیم و ماجرای احوالی عرض و تفهیم قلدی اولخیمه ساه حیرتشنا نقش آرزو نك لوح  
مقصوده عدم ارتسامیله پدر بانوی بهره ورك صراط مستقیم و داددن قدم انحراف و تنافر  
کو ستمسندن اندوه کین و جبین انفعالی چین در چین اولد رق جه اندارد لرینی خلوتخانه سند  
جلب و دعوت و سر دمقدمات پند و نصیحتله اشبوامر استعجاله دارو کار دشوار اوزره استبداد  
و اصرارک قبح و قدحی ایراد دلایل متنوعه و اعداد براهین ساطعه یله تمهید ایدرک اشبورده  
فاسده و عزیمت کاسده دن دست شوی فراغت اولسی امید یله کیفیت حالدن آکا و رخساره  
خاطرین لب نوازش و نسیانله بیر سه کاه ایلدی چه سود کد دریای شوق غایت تلاطم و خر و شدہ  
و خجکده دلده اولان باده عشق و غرام حالت غلیان و جوشده اولوب عنندده جواهر زواهر

نصایح قیمت جوهر معادل و سخن ارجندها دیان راه مصالح وزن باده مقابل اولیه رقی رنوی  
حسرتدن رفع سر تو جمله شو زمینده کوران دهاندن خرمن خاطر والد والا شکوه شراره  
پاش خطاب اولدیکه ای والد سقمتون اگر چه نطق همایون کهر مشحون شهریار بلری عین  
ارشاد و محض سعادت و رشاد اوله رقی سراپا آب زریله لوحه دلده مرسم اولقلغه  
احرا والیق و انتقاد ادرک ذوی العقوله اوفق و احق ایسده لکن میان عشق و عقیده اولان  
مناfert نامه و منافات کلید معلوم اصحاب بصیرت اولوب بو عبد عاجز ایسه زمام اختیاری  
قبضه اقتدار جنونه تسلیم ایدرک زنجیر زلف لیلاده پایسته واسیر . و دام شیر کیر عشق  
و غرامه طوئش بر نخیجیر اولدیغم جهته عقل ایچون بو حباله مستحیل الانفصامک تدارک امکان  
انحلالنده اعمال یدتدیرو تمکینه نه بحال وارد

در کنج دماغم مطلب جای نصیحت \* کین حجره پراز من مه چنک و ربایست  
القصد فلک زاده بر تنویرک شغف و شورشی اندازه قیاس و اعتباردن کچوب و زور بازوی  
عشق و محبت عنان صبر و تمکینی کف اختیاردن آلوب مجنون کردار سر اسیمه بویای بادیه و بازار  
اوله رقی نوایلیق شعارینی آرایش فرمانفرمایی به ترجیح ایلدی

انا الواثق المشغوف والله ناصری \* و متقیمی ممن یجور و یظلم  
انا الناحل المهموم والقائم الذی \* اراعی الثریا و الخلیون لوم  
اظل بحزن دائم و تحسر \* و اشرب کاساً فیه سم و علقم  
ایبت صریع الحب بآلک من الهوی \* و دمی علی خدی فیض و یسجم  
لسانی عی فی الهوی و هو ناطق \* و دمی فصیح فی الهوی و هو اعجم  
و کیف یطیق الصب کتمان سره \* و هل یکتّم الوجد امرؤ و هو مغرم  
حال پر ملالندرنج راحتدن و کربت غربت موطن حضورده استراحتدن انسب کورینوب تاج  
شاهی به بدل کلاه کدایی اکتساودیناج و حریرایله مألوف اولان بدن یاسمینده دلق پلاس اکسا  
قلدی دل ملتهب و دیده منسکله جستجوی حضرت جانانده پای شوق و کلام یله کامرزن  
صحرا . و لسان حالنی بو وادیده کویا . ایلدی

خوشا عشقی که چون آید بتاراج \* لباس فقر یو شد صاحب تاج  
سبک سازد سبک از صاحب کلاهی \* ستاند دلق و بخشد پادشاهی  
جهاندار بر کشته حاکم صدای طبل حال پرشین و آوازه غراب البینی استماعدن سمیه نهاد  
پیرو بر ناتولید غریو و اوایلایله عیون وضع و شریف خوانابه ریز حریف و حسرت و سبابه  
کرای دریغ و حیرت اوله رقی (از سنک کر به خیرد روز و داع یاران) مثالی اوزره هر رک  
و کیاه دشت و هاهاموندن آوازه شکستی رنگ صفا و نصارت . باد خزان هیهات . ایله



کنبد یا وفره . و هر دهن غنچه از هاردن صدای کریبان چای افسوس . دست تپاه  
روز کارایله آفاق بحرو بره منسروارکان دوات و اصدقای مدبران مملکت بادیه عجز چاره  
جوید، سرگردان و مخیر . اولوب عبر چشم رمدیدن سرشك لاله کونی ریزان  
و بو مطلب عمر کدازدن نیاز فسح عزیمته قدم همی یویان ایتدیله ربو وجهله احتفال افانم  
ارکان و اجتماع کلم خیر خواهان اول مجورد و اسرای عقل و هوش . صرصر آه  
بی اختیارایله لاطم افزای قلزم جوش و خروش . او اهرق تنوره سینه دن اظهار شرر  
حیات سوزایله شع وارشعله سینه کد از شوقی زبانه کتوروب و دل پرکنیه سن دانه انار کی نخت نخت  
راه جسمدن صفحه رخسار اوزره سیلارایدوب شوزمینده کوشمال هوشمندانه عناناب هیون  
عتاب اولدیکه

هیونی قد جنت و ضل عقلی \* فهل عجب لئلی ان یجنا

و نحن معاشر العشاق نرضی \* بما فرض الغرام لنا و سنا

چونکه قسام ازل یو عاجز خون دادن روزی رس اولوب رسام اراده طراز بدنامی ایله لوح  
ناصیده می مر نسیم قلندر و مال سرنو شتم جهان بیی هوای عشق و محبت و زامله کنی  
بارکرت غریبدر بو حال، ادرالک راحت زندگانی و انسلاک طریقۀ نیکنامی نصورتله میسر  
و منصور اولور

چوروزی شد مرا کزغم خورم خون \* شراب شادمانی چون خورم چون

مقیدان سلسله عجز و بیچار کینک پنجه تقدیر ایله ستره محالی و شکل بندان اصطلع عبودیتک  
دائرة رضاجویی و تسلیمیتدن خروج ایده بیلسی احتمالی وارمیدر

قد لست حیه الهوی کبدی \* فلا طیب لها ولا راقی

الا الحیب الذی شغفت به \* فعنده رقی و ریاقی

زمینده مار زهرناک جنون عشق دماغه یغییه . و شوق سینه چاک ایله جامه صبر و قرارم  
دریده در بند و نصیحت محل اولوب بلکه هنگامه یاری و اعانت اولدق مساعد امکان مساعد  
اوله بند بکی مرتبه تفقد حال ایله روزند قلوبدن دریغ آنا توجده بیورلسون و زمام ارادتدن  
الچکلسون تا که کوی طبعدهم اوی خاطر ی خار خار آزار ایله آسوده و جریسته سینه به الماس  
ایچلای سوده ایدوب ای دانه سوزن سکن آلام . و کوی یارده باش سنک و بستر خالک  
اوزره مر بعنشین آرام . اوله

ماید خوش دلی آن جایکه دلدار آنجاست \* می کنم جهد که خود را مگر آنجا فکرم

دایوب همان قلعه شهر استقص و اولان جبل متین تو کلد تمنا و انتقام و ظهیر سر اسیمکان کوی  
افتخار اولان معاضدت عون الهی به اتکا ایدرک نافه اغترابه شد محمل عزیمت یندیس خاص

و جلیس با خلاص اولان طوطی بی همراه سفر محتکشی و غربت ایلدی  
 آرزوایلر کند کاکل جانانه بی \* باغلسک زنجیر ضبط ایتزدل دیوانه بی  
 اولحینه خواص ندیمان بزم خاص و نواله چینان خوان اختصاصدن دماغ حالری روغن  
 بنفشه و بادام اخلاص ایله طراوتدار اولان برج غفر بویله بروقت تنکیده مسک رفاقتدن  
 انحراف و طریق همراهیدن نغمه فی شرک مسک صدق و صفا . و کفر مذهب حقیقت  
 و وفا . بیلرک استکساب سعادت و فایرستی و استعاب دولت حق کداری و نیکس رشتی  
 امینه سیله سیه کون استعد در کاب مستطاب ایله صهرامیه زو استبداد اولایلر . چونکه  
 جهاندار فرمان قهرمان عشق و هوای دلدار ایله کل وارچنستان راحتدن پیاده . و رکاب  
 محنت غربته پانهاده . اوله رق یاوری قدم شوق ایله پیاده دووروی . ایام اندکده قطع  
 مسافات بعیده . و قضا را بر بحر بیکرانه رسیده . اولانیکه صلابت تلاطم و امواجدن  
 زهره ماهیان آب . و پشت سنکین کشف عمان مذاب . اولسورایدی اشوقلرم  
 بی ساحلدن عبور ایچون تدارک معبر محمل محمل . و سد منہج آمال . کورنسیله اولنسنه  
 لب بادیه اشواق . و سیراب دل منهل اشتیاقکه . آرزوی دیار یار ایله طائران هوادن  
 استدعای پروبال ایدرکن بو کونه بحر قعر ایاب حیرته دوچار اولسیله بسان ماهی ریت  
 اضطربده آغاز یچتاب و نفسی مثال درینیم کف انتقام دریاه تسلیم ایتک هوارلینه پرواز  
 و شتاب ایلدی

دورم از یار و یارم سوی اورفتن کد اشک \* ساخت دریا کردمن فرسنگ در فرسنگ را  
 دل طوطی حال جهانداردن سوخته بال غیرت اوله رق خطابه آغاز ایتدیکی ای سرکردان  
 تیه غربت وای سراسیمه کوی کربت الحاله هذه که کندی قفس رویین بلاد دام آلام  
 عشقه مبتلا قیلدک بومرغ ضعیفی محبوس زندان قفس برافق راه مصلحتدن صدر مر حله  
 بعید اولوب بلکه صلاح حال بودر که بنده و فاسر سترینت بی جرم و خبیات متلائی رنج  
 کنج زندان اولقلغی روا کورنیدرک حل بند جراح ایله اسبوقعه ایلندن نجات حیران  
 پیور سزنا که بن دخی سنک کار محالکه تدارک چاره هواسنده بال افشان اوله رق شاید که  
 مقذافی همته دسترس اوله جق بر ملاح نوح منش الله ایدوب کشتی مهم شاهیلرینی ساحل  
 کفایته ایصال ایدم

رها قایل دکلدر غیره محتاج اولدن آدم \* کلومنت کش دست و دهندر بر ایچم صوده  
 چونکه جهاندار طوطیک راست آهنگ ترنم سوزنا کینی استماع ایله شوزمینده شکر ریز  
 خطاب اولدیکه ای مونس خطر بر تشویرم بوسفر سراسر صعوبت و خطرده قوت قلب  
 و رفیق غمکسر راه طلب و نعم ایچق رهبری رسدک و محبت سیرس وفایرکن عبرت

اولمسیله اندیشه بودر که آغوش قفسدن آزاده . و هوای پروازیده مطلق البال قید  
نعلقدن ساده . اولدقده هوای صحبت طوطیان جاده همراهیدن عدوله باعث . و شوق  
یاران و نعمت هم آوزان نشئه محبتدن تهی دماغ اولمکری مورت . اوله رق الم مقارقه کزک  
علاوه غم و اندوه کربت اولمسی ایجاب ایتدره . طوطی جوابده ای ملکزاده بن مرغ  
ضعیف قوی چندان سایسته غم داوولوب طائر رهاییدن توقع وفا خارج شیوه اولی الالبدر  
لکن رسم کارنامه مجادبو کارگاه کون و فسادده جمیع نفوس اکوانی صفایح تکوین اوزره  
یک ونیره در رسم ایستادندر . و بو طائر ناتواک طینتی آب و گل وفاتک غیری . و بو خا کسارک  
شخم مزرعه نهادی بذر حقیقتک دیکری . دکلدر

من نه آنمکه سمر از خط و فایدارم \* کرچه سازند جدا چون قلم بنداز بند  
تا که ذات شهر یاری لری دریای طلبدن کوهر مقصودی در دست ایدوب کامیاب مطلب  
اولدقجه بکدم ملازمت لازم السعادت لرندن اختیار حرمان اتمه یه رک علی الدوام بال سعی  
هوای جان فسانیده کساده و استرضای خاطر همایونی رضای موجه حقیقیه ذریعه ایتکلکی  
تعهد ایدرم

جز آستان توأم در جهان پناهی نیست \* سرمر ایجز این دو حواله کاهی نیست  
اگر بوفادیم دامن آلودلوب غرض اولق لازمک و رسته نوع طوطیکه کارگاه، تکوینده  
سبز بخت و سمر خرد اولق سرشتیله مظهر امتیاز در جناب باری دیوان جز اولان محکمه بعث  
و نشرده مثال زاغ تیره اخترو سیه رواوله رق سبوعوث ایدوب اشبوسرای سنجیده دخی کربه  
قهار منشک پنجه خورینه دوچار ایلسون بو وجهله سردمبالغه دن غرض ابراز شعار  
خیرخواهی ایلله مصدر خدمات شایسته و مرتب ذمت عبودیت اولان حقوق نعمتی تأدیه دن  
عبارتدر دیواجرا ایلدیکی تأمینات نزدجهاندار نصف شعارده سزاوار قبول و قابل اعتماد  
اوله رق اول مرغ دانا بند قفسدن آزاد و قید عوایق علائقندن یاد اولدی

نیست بر مردم صاحب هنر \* خدمتی از عهد پسنیدیه تر  
دست وفادر کمر عهد کن \* تالشوی عهد شکن جهد کن  
جانکه از ان به جهان یار نیست \* هیچ نبرزد چو وفادار نیست

طوطی در حال صفای بال ایلله اوج هوایه پرواز ایدرک اطراف صحرا یه پیک امعانی روان ایلدی  
ناگاه کنار دریاده همت دونان و بلکه مروت اکابر زمان کبی تنک و پست بر کلبه یه نظری  
نعلق ایدوب در آن جوهر و اذن جهت زمینه مائل . و کلبه مند کوره متصل بر درخت بلند  
ساخته نازل . اولدی تماشا ایتدی که تار و پودنی دن مرکب بر نشینگاه اوله رق پیشانی نیک  
بختان مثالی در کنساده و درونی باطن اصل وفا و پاک نهادان کبی صفاده اولوب پیش پایده



بر پیر مخفی ضعیف بنید خاکساران کوی حقیقت و آکا: دلان طریق معرفت آیدنی اوزر،  
پسترا کسترده آرام و کمال خضوع و خضوع الیه سجاده ریاضت، تسبیح و تهلیل قیام آتش  
و ناصیه نور آکنده فریقین متلای و لوحی خالری نقش قیود روز کاردن خالی اولوب  
کرد چهره نورانیسته محاسن سفید . خطوط شعاعی پیرامون آفتاب کبی بدید .  
و پرده فانوس ذاتندن مثال شمع لاسع اولان نور مدعی رشک صباحت روز عید . اولش

در خاله شکفته بوستانی \* در کرد نهفته آسمانی

از خلق نشسته بر کناری \* در دلق کسته هم چو تازی

جز زهد نه هیچ درس سستش \* جز سجده نه هیچ سر نوشتش

بر چشم قضا خطر ضایعش \* بر برق قدر کل دعایش

برق نظرش چراغ امید \* صبح نفش فروغ جاوید

چونکه طوطی فتنه بینانی درویشی آینه کردار مصفا و تابدار کورمبیله فی الحال اصول  
راه شناسان نعمه آید مرغوله سنج تناوله رق آیان ایلدیکی سخن سریندن درون دل آگاه  
درویشده دریای معرفت جوشه کلوب ای طائر زمر دبال غنسی گفتار که منقر کله کون کردن  
آب زلال فصاحت چکیده در بال شوقی بوجایه افشاندن ایدوب سخن جانفزا ایلد جان مناسی  
بوی حقیقت و وفایه فائز ایتمکله که نه کونه مهم سائق و باعث اولمندر دیو اظهار توجه  
دلنوازان . طوطی دخی ای چمن پیرای حدائق حقیقت وای نکته سرای بزم معرفت  
بوخته در دغریک خیال شاهد مدعای مرآت جهان نمای ضمیر و الا کرده پیدا و هویدا  
اوله رق بو بنده بیثوا ایچون ارتکاب جرأت کستاخانه به حاجت ندر دیوب

عرض حاجت در حریم حضرت محتاج نیست \* راز کس مخفی نماید بردل دانای تو  
کر چه خورشید فلک چشم و چراغ عالمست \* روشنائی بخش چشم اوست خاک پای تو  
طریقه سنده سرد جواب مستندانه قیلدی اول صاحب نفس خورشید ضمیر روشنی نور باطن  
ایله فهم راز نهان و احضار جمنداری فرمان ایتمبله طوطی مقدمه حصول امید اولن انبو  
نوید ایلد مثال کیک قهقهه آهنگ غنجه شکار کلکونی

ولرب نازله یضیق به الفقی \* ذرعا وعده الله منها المخرج

ضاق فلما استحكمت حلقاتها \* فرجت وکان یظنها لا تفرج

نسیله پیام آمانیدن متبسم اوله برق جناح پروازی خدمت جهانداره ایصال . و منتظر راه  
و مکشسته حال تبه اولان اول و ازین بخت نکسته بال قدوم طوطی استقامت رائه آمال الیه  
تفقد حال . ایلدی مرده مرغ دانادن مو بموا کتساب سرور و صفایله درویش مسیح  
نفسک ادراک سعادت ملازمت شتاب . و دیده حیرتیده سنی مشاهد دیدار

لاصع الانوار ليله قريو كامياب . ايدوب احراز مراتب ادب . و خاك آستان كل الجواهر  
اميد عديله بويت رقت نكيزيله اظهار مطلب . قيادي

درياو خون در ره ومن خسته و غريب \* اي خضر بي نجسته مدد ده به هتم  
درويش تسليت بخش خاوار اودرق اي جوان نيك بخت الحمد لله والمئه كه جناب رب العالمين  
مشكل كشاي بند كان . و اخلاص درست بر مقتضاي (من اصلح نيته فيما يتحراه اصلح الله  
مبتغاه) فائحه ابواب مقاصد جنت . ندر \* اياك نعبد و اياك نستعين \* عروه وثقاسنه  
معصم اودرق قد . سدي صراط مستقيم صبر و توكل نهاده قيلكه اندن بهر مبرم مرام اولز  
(بلا طوافند صبر ايليان مانند نوح آخر چقار دريائي غدن بر كناره روزگاريله)

اكر لقاي دوسته چنم و اراسك كذار كاه مراد نك اولمسيه  
بای خویش از خفته احباب ميبايد كنيد \* رخت خود از آتش كرداب ميبايد كنيد  
فحواسه امثال ايدرك نهار و لكي اختياريله چنم املي ماسودن قطع ايتك كر كدر  
درين بحر كشتي فرو شده زار \* كه پيدانه شد خفته بر كنار

وصا ياسني نور خنده نده ايتسيه مطاوعت فرمان درویش ايله ملازمان و خادمه رخصت  
انصراف و پر روك و بورجه ليله بصر بصيرتدن حجب كترقي بالكلير رفع و شرائط و علل  
حظ وري باسرها جمع ايدرك و ارفندن كوز قه يوب بای چشم ايله كام زن راه مطاوع اولدي  
يعني كوز يوب اچمسيه برابر اوطي ايله كند و سني در ياك ديكر ساحلندن مشاهده قيلدي  
روي مقصود كه شاهان بدعامي طالبند \* مظهرش آينه طلعت درويشان است  
خسروان قبله حاجات دعا ندولي \* سيش بدي حضرت درويشان است

اگر چه ما كز ده عبور در ياومر افت مرغ دادن كسب مسرت و عذوبت مصاحبتندن  
مذاق دلي لذتياب چاشني خلاوت و تسليت ايتش ايسه ده مفرقت ملازمان ايله يكس و تنه  
خط جاده دن ساده بر صحرای هو جل و دشت و حشترای پهوله دوش اولسند نطولايي پابند  
و حل حيرت و دیده دوزد ارك نجاح و سلامت اولمسيه برابر ملهمان عالم قدسندن

﴿لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَالِدٌ وَلَا وَلَدٌ﴾

خطبه مسألس اولمسيه فوق ديار در ديور كاه درونده مستولي و جذبه محبت مالك عدنان  
دلي اودرق آرام و توقفه عيال و طاقت اولمسيه ناچار حفظ مراتب حزم و احتياط دن عاري  
مجنون و ارجهان عالم دن بر جهت مجهول المنفذه باديه عيالغ تحريك قدم توجه ليله مونس  
تاريك نشيمان شب كربت و راهبر تنهار و ان تيد غربت اولان عنايت الهي به متمسك و معصم  
و عندايب زباني بو تر نه ايله متمم قلدي

مددي كر بچراغم نكند آتش طور \* چار بیره شب وادي ايمن چكنم

چون اول تنه لب وادی حیرت و غمکساری و سرمست باده هجران نامداری زهره و خوش  
و سبای آتش هول ایله بیم و هراسدن آب ایدن صحرای مذکورده بی امید نجات طی مسافت  
ایدرک ره راستلرنده بر مر دیبره تصادف ایلر که غایت ضعف و نفاقتدن هلال باریکه سینه  
اولوب نورریاضتله صفحہ روی بدر تابان و فرقنده نقش ریادن عاری بر کهنه بویاسایبان  
اولمش جبین \* جهاندار \* تباشر صبح نظری تابدار ایتسیله برابر اجرای شیده مهمانوازی  
ایله لطف کردی و صفا آوردی ملاطفا تانی ایفاوزبان احترامی

سایه دولت باین کنج خراب انداختی

مصر اعبله کو یا ایدرک جناب جهاندار استقبال و شرف قدوم ضیف مکرمدن اظهار  
بناشت رو و فرحت بال ایتسندن مکراده بی تاب و طاقت آبله پای رسا سینه زمین استراحت  
و کسب سکونت ایدرک طرح مصاحبتله طعام ما حضریدن بعد التناول جهت کفایت مهماری  
ایچون (استماع کلام المسموف صدقه) زمین ضراعت آکینده عرض استعانت و نیز زهمت و  
سراپا عشقم اما کار فرمای نمیدارم \* که بر فرهاد و مجنون تنک سازم کوه و صحرارا

ترانه سیله سرور ابتلای دل بینوادر آهنگ حکایت قلدی درویش مقصدی جواب  
اوله رق پنجه سال طریق بوالهوسیده سیرا قطار معموره دنیا و نیک و بد بلادی دیده عبرتله  
تماشا ایدرک شوئن و احوال عالمه آشنا اولوب اشبوسر کردانلق سودای عبثندن تصفیة دماغ  
سره پای قناعتی دامن ازوایه چکه رک سرحد عمر ناتدن اشبومزل ویرانه بی اختیار و جناب  
جهان آفرینه حصر توجه قلب ایله ترک مصاحبت یار و اغیار ایلدیکنی ایراد ایله بوتکلیفدن  
معذور طو تلسنی رجاء و شو قدر که قدم نهاده اولدیغی بادیه عشق و محبت

هر شبخی درین ره صد بحر آتشین است

مصد اقتحه سراپا پر آتش محن و آلام اوله رق زاد توکل و بدرقہ صبر و تحمل ایله جستجوی  
حکم مقدردن دیگر چاره اولدیغی و صایاسنی کوش هوشنه التما ایلدی

عشق بازی کار بازی نیست ای دل سرباز \* زانکه کوی عشق نتوان زدیچو کان هوس  
چونکه نسیم امانه و امداد مهیب عنایت سیاح بتنهانسیندن غنجه مرادی اوزره وزان ایتیموب  
کاسه همتندن جرعه توجه ترشح ایتامسندن ناشی جهاندار سراسیمه تبه ناکامی و تأسف و تنه  
لب سرا بکاه شورش و تلف اوله رق بوابات ایله حسبحال ایدردی

این عشق ندانم از کجا خاست \* کز هر رک و ربشه ام بلا خاست

یک جان و هزار برق اندوه \* کاهی چه کند با آتش کوه

ای فتنه چه خاستی به کنیم \* وی چرخ چه داری از کنیم

بر قتل منت چه لشکر است این \* آیین کدام کشور است این



ای کوکب بخت سوختم وای \* بر آبله جگر به بخشای  
طوطی بو حال یأس مأل جهانداری مشاهده ایدرك خطابه آغاز ايله ای سردفتر  
دلسوختکام . راه عشقده که حصول کام ایچون هر قدمده بر جان فدا ایتک اقتضایدر  
برازیندیکر بوضعف ویتابلق مجرد خاملهه معمولدر که ششکان کوی دردمندی عشق .  
وبرسته جگران آتش آزوشوق ناسور دادن چکیده اولان هر قطره بی غمده مراد بیلورل  
عشق بازی را تحمل یایدای دل پایدار

زنهار بیضاقتک شائبه سیله جرس وارسته کوب فغان و فریاد و ناشکیبک معا یبله مدخول  
یار و یاد اولوب متعین صبر و شکیب اولنکه آفاق چاره جوینده پرواز ایدرك سوی شجانه روزن  
کشا اوله یم دیوب بال افشان هوا اولدی

تاوقی کلمینجه امورایلر ظهور \* دورایلر آسیاب فلک نوبت اوستنه  
ناچار انتظار مراجعت ضوطی جهانداری اختیار توقف و سکونه مجبور و درویش صاحب  
مقام اوراد و ادعیه منعول اوله رق بحسب ظاهر او دردمند غربتی نظر انفاقدن مجبور  
قیاب مقیمان کلبه تاریک سیاحدن بر مرغ سارک بیکسی جناب جهانداردن دلسوز اوله رق  
مسائل غریب پرستی و دلداری ايله جریحه افش طرارینه مرهم آشنایی تدارک یلدی شویله که اول  
مرغ زیرک سکرین مقال شوو ایدیده سکرین سخن اولدیکه ای ملکر اده هوشمند بنده کر بر مرغ  
جهان دیده اولوب نوادر کیتیدن حوادر و شوئن ايله انبان درونی مسحون ایدرك لوحه مشاهده اتم  
بر نقش عجایب روزگاردر . هر قنغی محله که ناره نیازی نسیم سعی و ورز شله حال صعودده  
مسدوده قیلدم آخر الامر توجه سحاب عنایت نامتناهی الهی ايله کل مراد و ریاحین امیدنی  
سکفته و ساداب بولدم الحاله هده که سپهر کیم رفتار مقام مخالفتده ابراز ل و اصرار ايله طریقه  
نامت عدی به مسلوك ایدیده غنچه خاطری تنک و پای همتی لک اتمه که سرانجامده فضل الهی  
کار ایتسه و مشام جانیه رایحه امید جاودانی فائز اولسه کر کدر

غنچه کون تنک دل از کار فرو بسته مباش \* کردم صبح مددیابی و زانفاس نسیم  
زیر که بقضای کلام کریم (از مع العسر یسر) و نیال هر عسر یسر و ماورای قبض  
بسط و ردیف جمال اولوب بی سائیدر یب انجم رنج راحت . و آغاز و بدایت راحت رنجدر  
مقام عیش میسر نمی شود بی رنج

مرغ سارک بواسطه خاطر سازی اوزده تدارک اولدانی نصایح و حکایات ايله مرآت بال  
جهانداران مأمون غبار ملاز ایدوب و چونکه کار ساز حقیق بر مهمک تشیته توجه وجهه  
کفایت عنایت بوره بی مراتب جهد و سعی ساحت ملهمه کتور و مواد و اسبابی مهیا اتمسه  
او خیزنده و طوطی خضر لباس سلطان سر آرای کیت یعنی جهانداران قایم غنرت حضور ندن

مرخص اوله رق بسط جناح همتله هوای حسن مساعی و جستجوی جاده مباحینده پرواز  
ایدرك بر مرغزاره فائز اولدیکه زمینی سبزه مینارک ايله طعنندن مینو اولوب ایکی برادر ممتاز  
حسم ماده مدعا چون (مردی از غیب برون آید و کاری بکند) مقالیه بر مرمدانیه منتظر  
و چارچشم ايله چارسوی رصده ناظر اولد قلربی احساس ایدر و بواجمالک تفصیلی  
شوزمینده درکه . پدرلری ترکه سندن درت سینک صورت نقسمی دوچار اشکال و بالاخره فتح  
مخاصمه و قبل و قال اولوب بونلردن بری کهنه دلق و نانی مشکای ریسمانی و نالت کستی چوپین  
و رابع نعلین قلندرانه اوله رق صورتاً بضاعت مزجات کدایانه ایسه زده معنیده عناصر ار بعد  
حیات و چارچم بدن اشراق انوار تجلیات کبی چهل خانه قارون بهای اند کندن دون و نقصان  
وما حاصل باد آورد بخشش مرزده رسان و کتر سایگان انلره نسبتله شیء رایگان ایدی شویله که  
هر نه دمکه نفایس روزگار و غرائب امصاردن هر نه قسم امتعه و قشاش و عضریاته لزوم  
کورنسه در حال مراجعت دلق ايله برآورده دست تیسر و وصول . و مجرد تصور اتکای  
متکا ايله نتایج بحر و کان اولان جواهر بی نظیر و لایء شاهوار دلپذیر جلوه کر منصه  
حصول . اولور و کشتیکه مالا مال ریحق آلائی نامتناهی و بلکه دریای رحمن الهی  
اوله رق خوان سالار قدرتک بودیم صندلینده مهیا قلدیغی انواع مسروبات و مأکولاتک  
یتعب انتظار تهیئه سیله خاصیتدار اولوب . و نعلین طی مکانه انموزج سریر سلیمانی  
اوله رق هر کسه کد اول نعلین چوپینی بالفرض اقضای شرفدن غایت عمران غربه توجهمله  
زیر پایشه آلسه طرفه العینده منزل مقصوده وصول بولور ایدی چونکه طوطی حقایق شناس  
بوسر یردن آگاه اولدی در حال کمال انبساط ايله هوای طریقه بال افسان ذوق و نشاط اوله رق  
ملازمت خدمت جهاندار ايله کیفیت اشیا و ماهیت جوآنانندن آگاه قلدی و ایتدی ای شاه  
دولتپناه چونکه بر مهم عظیم دامن گیر خاطر اشرف فکر اولوب و بویله بر سفر طول و درازده  
دوچار مشتاق و شداید اولقله برابر منزل مقصود نامعلوم اولسیله صلاح حال بودر که اشیاء  
غریبه مذکور که کارخانه تکوین ربع مسکونده وجدانی بیرون دایره امکاندر هر نقدر  
دامن امانتی آلوده لوت خیانت قلمق خارج آیین دین و دیانت ایسه ده بو کونه آلاء غیر مترصده  
الهیکه محض الخف خاص اوله رق عالم غیبیدن جهان اسبابه فرستاده در الدن چبقار مق  
قطعا بستیده ارباب دانش اوله من هر حالده بونلری ایادیء جوآنان قیمت نداندن انتراعه  
بر تدبیر اختراعیه بیرنج و تعب دیار جاتانه فائز اولق مهمترین ایجاب حالدریمسیله جهاندار اول  
مرغ داناک تعیین ایتدیکی راه صوابه سلوک ايله اول سرزمینه وصول بولوب جوآنان ایسه راه  
حکیمه چشم باز ترقب اوله رق حضور جهاندارای جمله معتمدان عداید و عرض مافی الضمیر  
و صورت نقسمیده استدعای رأی و تدبیر ایتدیلملک زاده بر مدت سر بیجب نادل اولد قد نصکره

سوزمیده اعمال لطیف الخیل قیلدیکه ای غریزان بوباید هر نفدر که نقشه تعقله وضع قرعه  
 تأمل یتدم ایسه شو صورتدن خوبتر نقش کار کر استنباطی میسر اولماسندر اگر تنبیب  
 کرده رأی رزین یوریلور ایسه ایستاده موضع انیا اوله رق خانه کاندن جهات متباینه  
 شرق و غربه بر تیر است پرواز رها قلوب قنغیز متوجه اولدیغی جو پیازه تیری ربوده  
 ایدرک بین السهام محض است اولان موضعه تقدم وصول ايله اقتناص قصب سبق احراز  
 ایدر ایسه کزیده نظر رغبت و اعتباری اولنرینی اخذ ايله باقی نصیب آخر اولسون دیو تعین  
 ایلدیکی رابطه طرفین رضاداده اوله رق کان جهاندردن پر آن اولان تیری دردست ایتک اوزره  
 خانه کاندن ضیاع تیرکی یکدیگره مسابقت کویستملری حینده اول چابک رو قضای عشق  
 فرصت وقتی فوز عظیم یله رک فی الفور دلقی پردوش و سر . و متکایله کستی بی آویخته مکر  
 ایدرک نعلینه سوار اولوب مسکن یار جان اولان شهر مینو سوادى کوشه جنازه اضمار  
 ایلدی اول شاهباز اوج عشق و غرام جناح ذوق و شوق تام ايله هوای همده طائر و اول  
 مرغ هزار کلز رحمت کلین غنچه مر امی طالب و ذا کراولسیله با فرمان قادر علی الاطلاق  
 طرفه لعینه بروجه آسان قضع راه هزار ساعات ایلدی لقب تردد صحاری و بلدان دروازه شهر  
 مذکوره رسیده اولوب قدرت کامله الهیه ایله مظهر و مغنم اولدیغی اشبو نعمت عظمای  
 غیر مترصد دن طولای جین جد و سپاس سوده زمین ابتهال قیلدی

عمر هادری مقصود بیان کردیم \* دوست در خانه ما کرد جهان کردیم

چونکه جهاند ارندان خاکسارزی و شیوه سنده اول شهر فردوس بهره دخول ایچون دروازه  
 نمکنده متوجه اولسیله خطوه اولینده سرهنکان مستحفظین اطرافین الوب شهر مذکورده  
 عمود غربا و سیاحین حق لرنده فتح اولان قاعده مستمره دن بولندیغی وجهه استکشاف  
 سریره حال ایچون محفل خلط طرازه احضار ایتدیلر و سرایا نظر تدقیق دن امر ایدرک  
 اگر چه صورت ظاهره سی لباس قلدری و کسوه درویره کزیده مشهود ایسه ده اوضاع  
 و اموری آیین منظم نهادنه دنا فی و ستاره سکوه و فرنیجات صفحه ناصیه سنده متلالی اولسیله  
 قنغی دیاردن مهم اجسیله بو کسور و ورودی حشده تعین و لکان جو اسیس افتقاد و تفحصه  
 معرض جوابده (انجمن فی الصدیق) طرفه سالک اوله رق ساهد حال دن سو وجهه رفع رفیع  
 استاده قلدی یکد کسور هند شانک راج و نکی اولوب نرور دمهد دولت اولدیغی حالده  
 سلسله جنبانی حکم تقدیر ایلده لداده هوای خدمت شاهلی اوله رق (مراکدا بتو بودن  
 ز سلطنت بهتر) مقتضای سجد آستان فیض نشانلری عداد بند کائنه الحاق ایتک آرزوسله  
 هوا گیر عنان سفر و بدرقه عاطفت سنیده ایلده دولت بساط بوسی کشور ستانی میسر اولوب  
 دیده خون فشانده خنکارم \* منت توتیایی چکدرمه



دوشه قالقه ایاغکه کلدیم \* خاکپایکدن استرم سورده  
نسیده سی اوزره عنایات وافیہ و تقفدات کافیہ غریبنوازی ایلہ ائید وارنلاؤ کربت غربت  
ایدوکنی دآب آداب شناسان خرد اوزره اتیان ایلدی

جال کعبه مکر عذرره روان خواهد \* که جان خسته دلان سوخت در بیابانش  
خاقان خرده بین زبان در ربیان جهاندار دن سانح اولن مخاطبات بسندیده و کلمات سنجیده بی  
اصغال ایدرک قانون قاعده شناسی و آداب ادب دانسته مطلع اولوب مقدمات بهره و ربانق ایلہ  
سعد از دواجی حقه و وساطت سفارتله نامه ورودی خاطر کذاری اولمش ایسده عئل مصلحت  
شناسی بو معامله دن آشتاق ابرازینه جواز کوستر مامسیله جهاندارک کلام مسرودی  
نسیلات خدیعه آمیز یفروغه حل اولنه رق بارگاه معلا دن تبعیدی فرمان و فقط واقفان  
سر اسر پرده خسروانی و عاکفان پایه سریر جهانپائیدن چند نفر ییدار مغزانه تحری  
احوال و نکه پانی بجاری اشتغالی حقه اراده نهنی ارزان بیورلدی چونکه \* جهاندار \*  
بارگاه شاهیدن اخراج ایدلنسیله با کمال اشرف خاطر بای توجهی ازقه کنوردن برجهت  
منصرف و اولجیده مدت مدیده دارالملک والندن غیموت ایدن وزیر زاده هرمن نام ناخلفه  
مصادف اولدیکه کسوه خاکستری به قانع و آیین خاکساری به سالک اوله رق آزارانده  
وملال ایلہ ناصیه سی داغدار اولمش جهاندار \* هرمنی \* بوهیت مستکرانده کوره رک  
طانیوب ابراز آشنایی و سؤال حال ینوایی ایتسیله هرمنی حفظ مراتب خرم مافی انصهرینی  
در میان ایدرک معشوقه \* جهاندار \* اولان دخترشاهی به تعاق خطرده کندوسبله هحمال  
اولوب نسیم صبادن بوی طره عنبر فامنی استممام و بوسر رسته ایلہ دست صرصر جنونه  
تسلیم زمام ایدرک کنور مذ کوره کلوب ابتلاي خارخار آزار و حصول آمانی به عدم مساعدت  
روز کار ایلہ دلخون اولدیغنی و شاه ستمکار کندی کبی صید لاغرک بسته فترک مصاهرت اولسنی  
قصر شهابت زخنه شین و عارخا کنشین کوی شیدائی به توجهی کسر شان و سگوه فلکمدار  
عدا ایلدیکنی ابراز ایلہ

کداخت جانکه نشود کار دل تمام نشد \* بسوختیم درین آرزوی خام نشد  
بدان طمعکه بوسم بمستی آن لب لعل \* چه خونکه در دلم افتاد همچو جام نشد  
ترانده بی ادبانه سیله زبان زبانه فساننی رنم ساز و بو کا علا و زده باد که اول شمای وچ سعادتنکه  
ارزنده کوهر حسن و جمال و حقه خورشید لعل کهر بارندن ملتشی زلزله زنی سقی و هم  
سن شاه عالمقامک صید دای اولسه کرکدر زیرا برمدت در ذات بختیار یلرینک عشق  
و تعلیله زربازدن اولوب عرصه عالمده هوای محبت کزله تازیده کلکون آرزو اولمده آبانده  
اوکل کلزار استیاق نام همایونکی بیت صبادنی استراق ایتش و یا خود اول ماه آسمان ساهدی

بیکر مهر مفتون جهاندار یلرینی سیرانگاه عالم منامده می مشاهده ایلشدر دیو تعمیر نله آغاز  
ایلدی اگر چه جهاندار وهله نخستده هر من بد سرستک صورت رقابت کوستروب معشوقه  
حور فرینک ضم صو جان طره سته دلیند اوله رق کوی ربای عرصه طلب و کفتاری اولسندن  
سوخته آتش تنویر اولش ایسه ده تخم شوقی مز رعده دل جانانده سیریده و سبره محبتی  
چن خاطر دلدارده دمیده اولوق مرده مر ادبختاسی موجب تسکین خواطر اولدی  
برایح ب حال خارج شهره عزیمت و شاید باد صبا بوی جانان ایله تعصیر مشام جان ایتک ارزوسیه  
بهره ور بتونک باغ خاص جوارنده اختیار مسکن اقامت ایدرک آیین خاکساران اوزره برکلبه  
درویت ندی رونقیاب نقش حصیر وایقاد شعله درون ایله کارخانه عشقی تنویر ایلدی

جذبیه خورشید رفعتدن اولور می بهره ور \* ذره وش اولجه یکسان اولما نلر خاک ایله  
زمینده خاکسین و اشک کلکوندن مغبوط پنجه مر جان اولان هر موی مژگانی رشک عقد  
برون اولوب غم وصال جانان دن فرق روز کارینه دامن افسان غبار حسرت و روز و شب  
خیال یار ایله هم یزم مؤنست اولدی و هموم دلدن بسط شکایت و فیض صحبت ایله آتش سینه یه  
رسانده باش تسلیم ایده جنگ مصاحب مهربانی اولان طوطی دانادن دیکر ندیم کلبه احزان  
یو خیدی بنا برین کاه کاه بیش همدم غمکسارینه آتشکده سینه دن هزاران شرر جانسوز غم  
دو کوب اندوه و شورس دروندن بسط حکایات و تمنای چاره جوئی و استعانتله حال بر ملا لندن  
فرط سکایت ایدر ایدی اول ضار دانا اول غمکسار بیتواک کال کلال و التهاب آتش حزن  
و ملا لندن متأثر اوله رق شوزمینده سخنان تسلی آمیز و کلمات سکونت انگیزه آغاز ایلدیکه  
ای سر دفتر عاشقان وای سر حلقه بیدلان برمد تبکربهار سنان امیددن منام دله بوی مقصود  
وزان بتوب چن خاطر ده کل آرزورنک پذیر مراد اولما مسندن ناشی نفسی سرگردان نسیب  
غم و آلام قلیق اقتضا بتوب آسمان عنایت چاره بخش حقیقیدن طلوع مهر امیده ناظر اولوق  
ناز مکلور که صدای \* (لا تقضوا) دماغ کون و مکانه پیچیده و لاشک آخر غنچه  
آرزو نسیم مراد ایله سکنتد اولوب نخله تنی بار آورامل اولسد کرکدر مبادی حالده  
تسله این وادی منا و مأرب سر اسیمه سرابگاه یأس و یأس اوله رق ادراک غایت والهی ایله  
ظنن آباد کر بت و حقیقه قدم نهاده اولاد قدح حائر نجات و فائز سر جسمه مراد اولوق رسم کهن  
روز کارو آیین دیرین ادواردر

هر محنتی مقدمه راحتی بود \* شد هم زبان حق چو زبان کلیم سوخت  
بوی طریقی بدلی و سیدانی سنک اختراع کرده و طرز والهی و شیفکی مسعدن دل المیدهک  
اولوب پنجه ملاطین عال تیر و هزار حوائق و اذنه قدر علم عاشقی میدان جنونده افرشته  
و کوس سیدانی بی عرصه جهانده نواخته ایدوب هر برلری نشیب و فراز عشقه زهره

رستم دنان مردانی آب ایده جنگ شد آید و مصائبه دوچار او شد و در کد ذات جهاندار یاری  
هنوز عسر عشریندر رسیده اولد کز بو حال ایله برابر ایله آخرالمر قهر در یاری محن و اندوه  
کف آورده کوه مقصود اوله رق پنجه نند باد عواقب و نوائب امر ایله نائل مراد  
اواش لدر

این قدر نازك دلی شبنم نمی آرد بکار \* ناز آن خورشید عالم تاب میباید کشید  
دیوب اول باده نوسان و صطبه محبت و عشق و مأده خواران خوان ابتلا و شوق سرد حکایات  
و روایات داسینلریله افسانه عاشقانه دن هر شب برداستان ایرادینه عهد دار و دل برالام  
جهاندار ی فی الجملة آفات جنون دن احتراسه حصرا فکار یلدی لکن چه سود که ملک زاده نك  
ضم دماغنده باده عشق و طلب خوش و غایان ایوب افسانه افسون اثر امتداد ایم انتظار ایله  
کاخ دلد بی تاب و فراق اوله رق بر روز ساله صبر و سکبی صد باره و سراسیمه سر مجنون وار  
سو بسوسیران و مانند نسیم و البکاری بوی کل و مقصود ایله طرف طرف و زان یدر کسیم  
صفت هیچ بر محله اختیار آرام و موکب آرای عرصه قلب اولان سلطان عسقل نقیاد  
فرمانیله عین و یسار، تحریک جناح اضطراب یدر ک سر رسته ندیری قطعه مهید احتراسی نك  
و نام ایتمدی و ملازمان انجمن اقبالی اولنر بادیام جنسی تروجسمه جگری آتش حیف و مأثره  
خشکیده شر را دیوب مردم دیده مثال هر طرفه قطره ریزان و سیل سرشت همال راه طلبده  
جویان اولدیلر

در عشق بجز کداختن نیست \* این سوختن است و ساختن نیست  
این جاهمه ابروی محفل \* آب جگر است و آتش دل  
بر مدت بو دنوال اوزره ترکناز معرکه جنون ایوب برهنه گامده که باد سحر که طره ریاحینی  
کشاده و باغبان نسیم سخن چینی صخرای خشنن نمونه ایتمیدی ملک زاده بر باغچه قدم نهاده  
و طرف کلزارنده بر بلبله نظر داده اولد بکه آتش رخسار کل خرمن دروننه شراره تسویر  
دو شوروب بال و پری خار و خس کی سوخته و غایت شوق و مستی ایله هستیلکنندن  
دست افشان اوله رق

ناله بلبل آچر قفل در کلزاری \* باب مقصوده کلید اولدی فریادی  
زمره سی اوزره صغیر دل و زلیله نایده اولش جهانداری مقصودی هم رنگی ایله عند اب  
مذکورک محبت مائل اولوب کوسه چینه انمای رخت اقامتله اول سوریده سرری استوار نه ایله  
مخاطب قیلدی

دل بوصل کل ای بلبل سحر خوش باد \* کدر چن همه کلبانک عاشقانه تست  
بو حال اثنا شده



برکون اولور که اولور نائل کبرک مراد \* طولاشان کلشن آما نلک اطرافنده  
نداء هاتف غیبسی ساعه زدن بشارت اولوب کوکب بخت \* جهاندار \* حضیض ملالندن  
اول قباله صعد اوله رقی اول خورشید فلک مینو یعنی ملکه کنسور درونی اولان \* بهره ور \*  
بانو نلک طبعه جلی کوسه صحرادن پیدا اولدی و مهلب طره منکیندن وزان ایدن یکشمه نسیم  
حیات افزا اول بیدل و بینوایه شفتکی غنچه خاطر دن اشمام رایحه بشارت عظم اقلدی  
نسیم صبح عنبر بوست امروز \* مکر یارم ره صحر اکر فته است

چونکه اول بانوی جهانک سعادت قدومیه صحن باغ پر نور و روشن . و رایحه  
جعد مشکباریه صحن چمن رشک صحرای ختن . اولوب غنچه کل شمام طره عنبر بویندن  
فاز سر مایه ناله اولوق نساطیله دهن باز . وشوق نظاره جهانندن بلبلان کلشن پروانه  
صفت پیرامون شمس فریبنده کردش آغاز پرواز . اولدی اول سرد فتر مخدراتک  
سعادت مصاحبه بهره مند اولان پیره زن پارسا سیرت . مبادا که حرم باغده ناعحرم بو انق  
خاطر سیه دستیاری عصا یله اطراف چنی جستجو ایدر کن اول عاسق سوریده سره مصادف  
اوله رقی برمدت بساط مصاحبه نهاده پای تو جهله ملک زاده نلک باد بهار کبی کره کنسای غنچه  
دل اولان کلمات بر مغز و معنیدارینی چنکال تمشینده پیچیده . و کوهر بالغ عیارینی میزان  
ادرا کده سنجیده . ایدوب وجود سیمای سکندری و دأب دارایی ایله برابر کسوه قلندری  
ولباس کداییده و فرط دانش و کمال دانایی ایله برابر مسلک جنون بینواییده بولنسی موجب  
حیرت کور نمسیله حضور بانوی جهان شتاب و اقتضای ساده دلی ایله افسانه حالی  
جریده بیانه ثبت و اشراق ایلدی و جمال صورت و کمال سریرتندن سرد سخن فراوان  
و کیفیت دل بریان و دیده کریانندن دخی یکشمه ابراز اقلدی \* بهره ور \* بانو مجرد استماعیه  
دخراش اوله رقی اختیار سکافی پرده دن اول ساه سیدایه تعلیق نظر و تحفه استاد \* بنظیر \*  
اولدن شیم که هر بار زیب آغوش اعتباری ایدی ابراز ایدرک اول سرو چمن سیدایی به مقابل  
خاتوب همزانی ساحت منظر اتمسیله بیلدیکه صورت آینه تصویری اولدیغی خسرو بری  
تمل هو دار طره ریختن کلانی اوله رقی خلعت خاکساری ایله ذره وار دار الملک خورشید  
مدارینه مجذب اولمشدرا اولخینده شعله شوق کوره باطنندن سر نما و میراب زبانشدن

امروز مبارک است قالم \* کافاد نظر بان جمال  
الحمد خدای آسمان را \* کاختر بدر آمداز و بال  
خواب است مکر که مینماید \* یاعشوه همی دهد خیالم  
کاین بخت بود هیچ روزم \* وین کل نشکفت هیچ سالم  
دیگر چه توقع است از ایام \* چون بدر تمام شد هلام

چون دوست موافق است سعدی \* سهل است جفای خلق عالم

شهادت سی جویا و اهرق موجب بحر طرب . دل جوهر نیش ساحل اضطرابه القایتمش ایسده  
 پرده عیاستاره کش رخساره مقصود اولسیله مانند مد هوشان نفسندن کجوب ورشته تاب  
 و طاقی الدن کیدروب سایه وار نقش صحنه زمین اولدی . پیره زن بو حال معاینه دن  
 مبتلای کرداب حیرت و میان موینه صاریلوب ریش کلاب تقصص واستجواب ایله خیلو  
 مدتد نصره چشم کشای ساحة جواب اوله رق ای مادر مهربان نیچه روز کاردر که  
 دل سرا پرده محبت اوست \* دیده آینه دار طلعت اوست

بوجوانک مهر و محبتی نور و نار . ونم و آب . واردار الاشواق دل بیتابه ملازم .  
 و سرمده هوای عشق نازده نغمه و شرابده طرب مشالی مزمن . اولوب چشمه زلال  
 وصالدن سراسیمه سرابکا، حیرت و آرزو اوله رق احوالته هذمه منهل مراد ظاهر اولسیله  
 دل تشنه اب فترک صبردن ال چکوب ورطه اضطرابه دو شمشدر

همای همتم عمریست کز جان \* هوای این قدبالا گرفت است

زدریای دو چشم کوهراشک \* جهان در لؤلؤ لالا گرفت است

طلبدار همت شفقانه کریمکه نیچه مدتدر سحوم ناسازی دهر دن مجنول اولدن کستر ارامیدمک  
 سیراب اولمقلغی ابر صیر توجده مشکل کسارینه قالمشدر دیو آغاز خطب ایلد کده بوسر سر  
 بسته به اطلاع دن بغایت غمکین و ابواب و صایاده ثابتقدم تمکین اولوب دیدیکه ویشک  
 ای دختر بونه خیال خرد سوزدر که ساحة مخیله کده محل طوتمشدر و بونصل سودای  
 خامدر که دماغکه طولاشمشدر بر که اندیشه ایتمیسنکه خوار نشیان حصیر مسکنت  
 و مدلتله سرفرازان سر بر سلطنت ایچون مناسبت ندرو مهر سپهر برینک ذره خالک زمیند پیوند  
 و نعلق جای تعلیمدر نفسکی بو کبی اندیشه باطلدن بری و سرکی بو سودادن تهی قیلکه نای  
 کندی معرض هلا که القاناموس پدری بر باد و افنا ایتمه سین  
 مکن مکن که نکو کوهرا چنن نکند

\* بهره ور \* بانو که قهرمان عشق نیچه شیر شکارینه صید و کردن جان و پای دلی سلسله عشق  
 \* جهانداره \* قید اولسیله پیره زنک محن موعظت آمیزی کوش جان و حرف نصیحت  
 انکیبری صماخ اذعائنه قطعار سیده اولیوب

عقل و صبر از من چه میخواهی که عشق \* کلا است بنیاناً هدم

ترانه سبکه دیدیکه ای زن ساده لوح سال خورد مکر بیل میسنکه عشق بر شم نشاهددر که طبعی  
 بود تعیباتدن آزاده و بر سلطانددر که دامن لوت رسمیاتدن کاسر سد اولوب بار کاهی خس  
 و خاساکه کیف و کدن معرآ و مرآت جاهی غبار کنون و انقودن میرآ و رخ سیمار کندن

بصارت حریر ایله بوریای حصیرک قیمتی مساوی و صیرفی بازارنده لعل ایله خرف سنجیده یک  
میران تساوی اوله رق نزدنده کوه مهر ایله مهره کل همه تدر وکل قبایوش ایله مساوات  
خارجی پیرهن غیر مسترد هر کسه که جناب مقدس عشق منظوری دیده اعتباری اوله  
کشمکش چون و چرا دن رهد بولور و هر فرد که مقبول حضرت کردونداری اوله عداد حسب  
ونسبدن منزله اولور یعنی همیله ذره لر خورشیدی در آغوش و خورده میله جوش ایدر مع هذا  
بوجوان البته قبیله ادا نیدن اولوب اشراق خلقدن اولق احتمالی شهادت ناصیه سیله  
مدلدر و قدر و منزلت مر دان بر شرافت نفسدن اولوب آرایش خلعت فاخره دن اولدیغی  
غیر منکر در اکر دیده و ران زماندن ایسه ک حسن معنی به نگاه ایدوب صورتین مظاهر اوله  
و آبادی کشور حقیقه دقت ایدوب چشم بصیرتی خراباتی ظاهره ناظر قلمه  
که هر که بهیتر افتد نظر بعیب کند

بیر زن بو مقدمه سنجیدن و اوله اوله رق دیدیکه ای ناله سیراب باغ شهر یاری وای غزاله دست  
دادار یکدر شک کلاه مشکینک خون دل ناله تاتاریدر بونه آتشدر که خرمن ناموس پدیه  
بر افرسین بونه خا کدر که فرق تنک و نامکه صاچر سین سویله که خاندان سپهر آستان  
اجداد عالی تبارک بو کبی مذات و خواری به نصورتله تاب آور تحمل و غیرت خسروانه  
والد بزرگوارک نوجهله تحمل اولور \* بهره ور \* بانو ایسه منزل ایلایدن یکبار  
مقام بخونه شغال یله و داغ نام و شک قیام ایدرک ای پیر زن مصلحت ناشناسی باد بکف  
ضرب حدید بارده مشغول اوله که مزاج حضرت عشقه آشناد کل سین ذره مقدار نصیداری  
اوله ک کیفیت سکوه قهرمانی عشق معلومک اوله رق دست راز خوای بد شعور کدن نجات  
بولوردم قضا کوه رانسانیدن سرمایک و متاع کوی معرفتدن وایه یوقدر یکدم  
دیده بصیرتی کسناد ایدوب بوهنکامه بدایه نظر قیلکه باغچه دلمده بوجوانک نهال محبتی  
نیمه بدیده با تیر اولسدر و کردن جانده رشته مهری نوجهله پیچیده در و هر قطره که  
چشم ترمدن ریزان اولور صفحه حائله نقش حرف و فاقیر مادامکه منشی مشیت منشور  
روزگارده طغری محبت کسیده قیاب دیر اراده زاید دیوان دلی مضامین شوق و عشق ایله  
مرتب اولسدر سنک فصاحت بیغز که نه فائده ترتب ایدر و بانک طبل نهی و زجرک  
کوش هوشه نه طریق ایله وصول بولور

در کارگاه عشق ره علم و عقل نیست \* توای ضعیف رأی فضولی چرا کنی  
بیر زن بیلدیکه عرصه دل بانوشه نشاد بارگاه عشقک مخیم سرادقانی اوله رق تدبیر عقل وسیع  
اصطلاحین حاکم رسیده کوان و فایده یارک تکاوردن فراغ یله جانب شهره نقل هودج  
دلیل محبت کوه سیراب جو که باغچه دلمده چشم نازک سبزه عشق بهره ور \*



بانو نك دماغنده بلند اولوب چسانه خاطرین لبریز باده طلب قلمسیله پیره زن مقتضای حال دوراندیش اوزره کیفیت حالی بالواسطه پایئه سر پشاهی به عرض ایدرک خدمت احترام و احسن استعفا ایسی شاه دل آگاه بدست قلم تفکره شد ایدرک بعد از اعلیٰ فراوان خانان دانسورانی جمع بیه کینیت حالی سان و بو امر دشوارک صورت اصلاح خسته آرد ای اقباله و شورای صائبه لرینه مراجهتله رجای همتلرینی در میان ایلدی

چو آید مشکلی پیش خردمند \* کران مشکل فتد در کار او بند

کند عقل دکر با عقل خود یار \* که تا ور حل آن کرد دمد دکار

زیک شمعش نکیر دنور خانه \* فروزد شمع دیگر در میانه

امئی دوراندیش دخی عقد انجمن مشورت و سایر خیر خواهان دانش قرین ایله دخی مذاکره واداره افتداح صحنه علی الاتفاقی حضور شده عرض ایدرک بعد از اعلیٰ و مساه محبتدن علونما اولان یوناناره عالم سوزفته سزک آب تدبیر ایله اعلیٰ غیری ممکن و اسباب و صایا و مواضع بوسه مشکک حننه و صورت زجر و ملامت تسکین شرره زانوس مننه کینیت ایجاب بلکه سلسله جنونه باعث تحریک اوله جفی تحت اشتباهده غیر مستکن اولسیله و چونکه باد و روغن مستعد اشتغال نوار شوق و شغب بولمسیله بو شاهد راز هنوز تحت نقاب استارده دتواری اولوب پیش منظر خاص و عامه ساری اولمقسزین سر رسته مواصلت و رابطه از دواج و مناکحه ضبط و ربط اولنه رق بانوی جهانک آتش اضطراب و انتظارینه رشاشه پاش اولمقدن بهر مقرون صلاح و صواب تدبیر اوله ماز و بویاید تمیوز نهان سر رسته دم فرصتی افاتیه یلدا لآخره کثرت سوق اول کوه در درج شهنشاهی ک روی مردم حتمندن برقع حبیبی از لاله و حرکات وادی ناموس سکنه اما لاله ایدرک بالهوه قصه غریب سوز زبان همونداس اولوب بومثال مقدمه مترصد اولان زر خویایث دستکاه هرزه در ایلریده در لوهیثات یله کسب اشتهار و جلب ثنات اعدا و تحدیث کفتکوی یار و اغیار ایدر زیرا که ممتاز صنوف بنی آدم و منظور دیده اعتبار علم اولان خواقین فحاح حقیرند جلوت و طمهور ایدر کثره خن نام نامی سنلری کبی آرزمانده که آتیه منتهی سر اولور چونکه صورت عرض خبر خواهان دولت منظور شده دقیقه دان محفلت واددند بو دایره دن خروجه ووی جور کوسفره ووب صواید خانان رهین اراده و استحسان اولسیله

در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست

نشیده سی اوزره دستور مصلحت شناسان و صواید خیر اندیشان ایله اسعد ساعات و اشرف اوقاتده اتمام کار عقد ایدلسی حقیقه فرمان بشارت عنوان سامع اولدی اولحینه اندازه شناسان فلک دیوار و آثار شماران ثوابت و سیار و روز داناان استقامت و انقلاب

کواکب بروج . و اسارت فهمان نظر انجم از تراجع و عروج . سیر سیارات . و انظار  
کواکب العیالیه . مدرسته شعاع نگاه . و میزان تحقیقه اکتشافیه و دقایق مهر و منازل ماه .  
ایله استدراك درجات سعادت . و استخراج تقویم میمنده . قطعات جویز مساهله و رخاوت  
ایتیدرك بر ساعت میون و وقت همایون اختیار ایتدیلر اولجینده قاعده خسروان فلك شكوه  
اوزره محفل خلد طرازه با کمال زیب و فرترتیس ساز اولوب اسباب ابتهاج و سرور مهیا . و جام  
باده کلکون مسلم دست ساقیان شیرین اداقلندی صدر آریان بزم دلارا دامان خاطری  
رحیق مروقدن نشئه دار نشاط و شادمانی و خیر خواهان دولت و لاناوار طبایعی زبندۀ  
حدایق مراد و آمانی ایدرك روایح انبساط ریاحین خواطر سمت عیش و کامرانی بدن  
وزان اولدی ترنم سرایان قری نوا . الحان دلفریبه آغاز . و بسته شناسان ناهید ادا .  
قانون نشاط ایله ردید آواز ایدوب نالهائی . اشغال دم آتشیه آهنگ . و خروش چنگ  
دل اصحاب ذوقی بچنگ ایلدی رباب . ارباب خرده دلنوا لقی . و شوق عود .  
دل باده نوشانده مانند عود آتسباز لقی کوستره رك كان . بسان ابروی مهوشان . سواد  
خوانان خط جامه رمز کناییش دل . و بر بط . مانند بط . باده آشنایان عالم آبی تر  
دماغ قلوب آب می و هوای نغمه دن ساحه انجمن . کسب نزهت بزم بهار . و نشئه  
و نشاط . حسن و عشق وار . عقد رشته امتزاج ایله کاه دیده بیدارانی مست . و کاه  
چشم مستانی هوشیار . ایتدی آب باده . و باد رود . دن فضای مجلسه بحر طرب  
پرموج . و نشئه حسن . و حسن نشئه دن مرغ دل . هوا کیر بسط اوج اولدی  
شکر آب مطربان نغمه پرداز \* برسم تهنیت خوش کرده آواز  
مغنی چنگ عشرت ساز کرده \* نوای خرمی آغاز کرده  
بمالش داد کوش عود راتاب \* طرب را ساخته از تارش اسباب  
نوای نی نوید وصل داده \* بجان ازوی امید وصل داده  
رباب از تار غم جان را امان ده \* بر آورده کمانچه نعره از ره  
و ثاقان ساغراز خر بهشتی \* روان کرده چو اندر آب کشتی  
بصنعت ساقی موزون و دلکش \* بیکجا جمع کرده آب و آتش  
صرافی های اعل از دست ساقی \* بخنده گفت باد این عشق باقی  
چونکه شاه زینت افزای بزم روز . یعنی نیر جهان افروز . خلوتگاه مغربه رفتار .  
و عروس مشکین پرند شب . که زمان . کلاه عنبرین باری اوزره هزار نافه تار نشانار  
ایدوب روز کار . طره مشک افشانیدن مشام جانی غایبه مراد یله معطر قیلدی . صبح  
صبح الوجه تمنای ملاحه جان پروریله نقد روانی بدل و ایثار ایدرك خورشید کیتی تاب .

سامه سواد یله دیده جهان بینی روشن قیلدی و مجنون شوقی همزکی نامیله سلسله  
 مهر لیلی به پابند اولوب آب خضر عشق چهره مشک فامیله سیر ظلمت آباد ایلدی  
 شب خوش هم چو صبح زندگانی \* نشاط افرا چو ایام جوانی  
 سواد طره اش نخلت ده حور \* بیاض عارضش نور علانور  
 نسیمش جمع د سنبل شانه کرده \* هوایش اشک شبنم دانه کرده  
 خواتین خاص و عام . مشکوی مینوس سرست شاه فلک مقامده ترتیب بزم ارم طراز ایله ساحه  
 مجلسه آیین ربیع و بهار اوزره کلفشان . و مروحه جنبانان پری شمائل . رایحه مشکین  
 ایله قاعده نسیم کلزار اوزره روح افزای دماغ لاله رخان . اولوب زمزمه سرایان سیم  
 اندام . تنم دلکشله پری رویانی مدهوش . و خنیا کران زهره فریب . طاووس  
 مست کی رقصه کله رکن رونق هنگامه طربی بر جوش ایتدیلر دریای حسن و ناز جان و نکهان .  
 توج ایدرک شیرین لبان لیلی ادا . طرح عشوه بازیده آهوان دشت خسته ابراز مسافت  
 قیلدیلر مشاطه چالاک نهاد . دستنوی کاسه کلاب اوله ورق اول نو عروس پری تراد ایچون  
 آرایش هر هفته مباشرتله کیسوی عنبرین بوی پر شکته . شانه خندلین ایله زین حاشیه  
 عقیق یمن . و اول مهر سپهر جلاله تعلیق ثریای کوشواره ایله ساحه مجله کاهی شن و روشن  
 ایدوب کر زین مرصعی پیچیده میان مویین . و مرسله مرواریدی پیرایه کردن سیمینی  
 قیلدی و سائر حلل زین و کوهرین ایله آراسته ایدرک جلوه بخش اورنک عروسی اولدی  
 اغراق سخنوریدن عاری اوله ورق زیب و زیور شعشعه بار . حش سرشارندن زینت تازه .  
 و جواهر و حلل تابدار . جمال بالغ العیارندن رونق بی اندازه . کسب ایلدی زیراکه  
 رخ شعله ریزی . مانند خورشید . صنعت آرایشگری ماشطیه احتیاجدن معنی .  
 و پیکر کامل المحسنات خدادادی . تزیین مستعار پیرایه و حلیدن مستغنی . اولوب  
 مصور قدرت . صورت بیمانی . کارگاه تکوینده بقصور و بعدیل نقش و ابداع  
 بیورمشیدی

جز در آینه و آبش نتوان یافت نظیر \* جز در اندیشه و خوابش نتوان دید بدل  
 فلک کهنه روزگار . سرکشته نظاره جمال تابداری اولوب دفع عین الکمال ایچون  
 و انهای انجمه اخگر خورشیده سپند افشان اولدی ملک زاده عالمجها یعنی \* جهاندار \* ساه دخی  
 شان سلیمانی اوزره لباس خسروانی ایله آراسته . اول ملکد بلیقیسی لقا ایله هم عرش اوله ورق  
 برقانون مملکت میانه لایینه بر مصحف شریف و بر آینه وضع ایتدیلر \* جهاندار \* مساعد  
 اختر و سن و نعت بیدار ایله صفحه آئینه به نگاه ایدوب بهر حسن جو شده و نیکار مقصودی  
 آتشوده بولسبله فی الحال مصحف شریفه دست نهاده اوله ورق اول زلیخای مجله جمالک



یوسف واربنده در مخزیده سی اولدیغه سوکند . \* بهره ور \* بانو زبان ابرو ایل اول  
عزیز مصر دل و جان کتر کیمیزی اولدیغی اتیان ایل از سر نورشته محبتی بندایتسیله زنان  
اول مهر و ماه سهر سعادت و شهر یاری به چمن کل افشان اولدیله و در یاد ریا کهر شاهوان  
ولولو لاله نذر ایتدیله اول ایکی مشتاق همراز . و دلخواه لری اوزره جال یکدیگر دیدنه  
انتظاری باز . ایدوب پیکر تصویر کی غایت شوقدن بر برینه مقابلی بی حس و شعور قالدیلر  
دو عاشق روی در رومست دیدار \* نظر در کار مانده عقل پیکار  
ازین سوا این زدیدن کشته مد هوش \* وزان سوا وز حیرت مانده خاموش  
اولمه و کینه که سوق شوق ایل هر ایکی جهتدن کنشاده آغوش بر برینه قونشوب رابسته  
اتصال و حسن تعانق وصال ایل در کنار ایدرک لذت بوسش و تعانقدن هر برلری  
سر بهوای کامرانی اولدیله

یا طیب یوم ظلت فیه معانقاً \* من اشتی قد کان یوماً ازها  
واصلت فیه معذبی ولثمه \* الفأ علی وجناحه اوکثرا  
و یعز والله العظیم علی ان \* اصف الذی قد کان منی او جرا  
برسی غنجه مثل باد سحریدن مستعدش کفتگی و آرزومند کنشایش . و دیگری بزم بهارده  
بلبل مست وار مراغه نمای عرصه نشاط و خواهش اولوب مدخل چون و چرادن مبرا  
اولان کشمکش رسمیدن فراغ ایل غنجه یاسمن . هبوب صبادن کنشاده . و پرده نسیرین  
تسم نسیمدن شکافته . یعنی در ناسفته مثقب الماس ایله مثقب و سبیکه سیم خام پوته زر نابده  
نهان اولدی

بلبل بر سر غنجه نشست \* غنجه بشکفت و کشن بلبل مست  
چونکه \* جهنمدار \* دیر و زنده مدد کاری بخت باند ایله کنجینه املدن قمع طلسم فنا ایدوب  
دینه مرادینه نائل و سر منزل مقصوده و اصل اولدی سعادت مندان حقیقت طریقه سنده  
درگاه کام بخش حقیق به سر سوده غنچه دیت اوله رق مرا تب منت و وظائف سپاس و شکر انیتی  
اندازه طاق بشیری ایله مؤدی قیلدی و مر و رایام معدوده دنصکره خدمت شاه فلکمداره  
عرض شوق دیار ایله التماس رخصت ایدوب فقط موسم ترک تازی سپاه سرمازلسیله جگر  
پاره سنک دل آزار بال انتقال و کوه و دشته دو چار رنج و ملال اولسی تبویز و صورت  
استدعاسی روی اجابتله تلقی اولم یوب خسرو کلک اوزنک مینارنک شاخاره وقت جاو سنه تعلیق  
اراده یورلادی

(در کیفیت زمستان)

چونکه \* جهنمدار \* سلطان تلقی فرمان امر از زمان زمستان ایله مدینه مینو سواده

طرح قامت ایدرك دنت سپره گذرانند طبع روز كارد ظهور نلوات ايله مزاج هوا، آمار  
انحراف آشكارا ولدی شوبله كه خدیو كشور انجیم علاقه میزان اعتدالی قطع ایدوب  
خوشه سنبله اطاله دست تپاول ایدرك سپاه برد . تسخیر ربع مسكون . وغارت متاع  
دشت وهامون . ایچون اطراف جهانہ شېخون . ایلدی ومصادره نقد سامان باغ  
وبستان ايله یکسری برک وبار قیلدی نشینان خطه زمین . مثال ید . بیم باد بیداد  
ایله لرزیده اولدوق کوشه نهم انخانه ده ایستاده کین اولدی زمین پنبه تلجدن الحاف .  
ونامه ترك مشاغل وکوشه نل از واده اعتکاف . ایدوب رسام ختخه جویچراونن قلم روزگار  
صفحه خاری یخده شکسته . وقار مطرانهار کسته . وبالحمله شاخ شجر . مانند  
برهنگان محشر . برک وسازدن اختیار تبرد . وبلبلان چن کاغ زاغه تسلیم آهنگ باغ  
وراغ ايله طرف خارزار یأس وفورده التزام خول و تفرد قلدی دیده روزگار طلوع  
رایات بهاره انتظار ايله روی یاسمن کی سپید اولوب لاله وکل . دست ستمکران دی دن کریجان  
چالک اوله رقی ایددی بومه تسلیم مرز بوم ایتدیلر سرو سبه که دارالملک کشنده خطبه  
آزادی بی نامه اوقو تمشدر دست روزگار دن دوچار کشمکش بیچتاب اولوب سوسه که  
شهر سبز ریاضده کندی بی سلاسه سلسله احرار دن عدایلمشدر قات قات جامه لری نغما کر  
خزانه تاراج ایتدیروب معتکف زاویه فنا و صنوبر برک وسازنی رهزنان زمستانه قایدروب  
چنار کی تهی کف . طرفی سمایه دستکش اولدی زلف مجعد سنبل . وطره مسلسل  
شمشاد دن دست صباه که موقالیموب صرصر ستمکر شیرازه سپاره کل صدر برکی ورق ورق  
تحفه اطفال هوا قلدی

زباریدن ابر کافور بار \* سمن رسته از دستهای چنار  
درم بردم کیسه کوه و شخ \* کره بشت چون پشت ماهی زنج  
ببازار دهقان درآمد شکست \* نکهبان کلبن در باغ بست  
تماشا کران باغ بکذاشتند \* مغان از چن رفت برداشتند  
تهی ماند باغ از رخ داکشان \* نه از بلبل آوازه از کل نشان  
چونکه \* جهاندار \* پیدا را اختر عرصه جهانده بحسب انقلاب زمان بووجهله حدوث  
هرج و مرج چشم امعان ايله نظر ایدرك ماه برج آمالیه قصر شاهیده  
کل اگر رفت کو بشادی رو \* یاده چون کلاب بیار  
غلغل قری ار نماید رواست \* قلقل شیشه شراب بیار  
ترانه سیله آب باده اوزره تأسیس طربخانه عیش وصحب ایدرك همخوانه دلستانیه صحبت  
نرمازی کرم . ورقص و ترانه قانون دانان ناهید ايله روز و شب چشیدانه ترتیب بزم .

بدر منقل سین . فوایح قرص عود و عنبرین الیه بازار لاله و ریخانی سکت . و دماغ  
طره سبستنی مست ایدوب باده آتین مزاج . حاول امر جهری رویان الیه رخ لاله  
فاندرن هزاران کل سیراب . ظموره کتوردی کاهی ببله . هوای بزم ارم نظیر الیه  
بلبله شیه . قلقله مستانه ابراز ایدوب کل منقل . سرد صریر جگر سوزایلرو مرغ کباب .  
شوق همدستانی . بطباده الیه شاخ سبز فولادده ابراز جنبش مراغه قیلر ایدی

برآراست از زینت و فروزب \* چوباغ ارم خلوقی دلفریب  
بشکین زکال آتش لاله رنگ \* درافتاده چون عکس کوهر بسنگ  
بخار از بر شعله آذری \* چور سرخ کل برک نیلوفری  
شده بلبله بلبل انجمن \* چو کبک دری قهقهه در دهن  
زر خسار را مشکران رنگ می \* بهر کوشه کل برآورده خوی  
همه ساز آهنکها نرم خیز \* بجز باده کاهنک او بود تیز  
می و مرغ و ریخان و آواز چنک \* بتی تنک چشم اندر آغوش تنک  
کهی بوسه دادی لب جام را \* کهی لب کزیدی دل آرام را  
در آن رسم و آیین که اودلکش است \* می تلخ بالعل شیرین خوش است  
کس کین مر داش میسر بود \* کرش زر نباشد سکندر بود  
چون قهرمان کسور سهر . یعنی خاتان زرین کلاه مهر . تسخیر ممالک جنوب الیه فارغ

البال متوجه دارالسرف حمل اوله رقی اولمر کز خندالی رآبت نوروزه محل قلدی  
المثله که هوای خوش نوروز \* باز آمد و از جور زمستان بهیدیم

صدمه صدای معدل شدن بیداد نهادان خزان ممکن عدمه نهان . و متعهدان خدمات  
دولت ربیع . بی برک و نوایان چنک تمهید بساط استمالته دامن در میان . اولدیلر آثار  
عموی عالم سفیده \* کف نیکی افرض بعد موتها \* نقش بدیع له لوح خاک اوزره حسن  
ارتسام بولوب سبره باف قدرت . بنات نبات ایچون بارگاه تلون فردرونده کونا کون حله  
حریرودیای دلپذیر مرتب قلدی خسرو کل . دیگر بار خطه دلکشای کلشده اورنک  
شاخ زمر درنک اوزره قرار طوبی فرق نسیرین ونستزه سایه عاطفت صالیدی ساقی  
سحاب بزم رنگین چنده جام لاله نعمانی بی لبی زاید رک دماغ زمانی نشسته بیغمی و شادمانی  
الیه رو قیاب ایلدی و بالانشینان ملاء اعلا ایقاد مشاعل برقی الیه رسم چشم روشنی سبا کنتان  
غباری اجرا . و آوازه بلند رسد ایلدیده نه تنی ایفا . ایدرک خطبه خوانان ریاض  
جهان منابر مینا کون اغصان اوزده مراتب مدینه خسرو بهمانی بسط و تمهید الیه کعبه  
داران ربیع تارک ترنم سرایان کلزار اوزره جهان جهان دردم و دینار نثار ایتدیلر و طالع



سایان صبا و شمال منام افروزی روزگار ایچون شمل سنبل تر و ساخ عود و عنبردن نماد  
 بدا . و دست آزار خزاندن بی جامه و دستار اولان قلندر ان اشجار کار خانه کرم هاردن  
 قبابی استبرق و کسوه سندس رنگارنگ اکتسا . ایلدی نونهالان آبسالان نخوت .  
 بخت سیر ایلده بساط بیض غیراده ابراز مر اغده تاز ایدرک نسیم نوروز سرابگاه عدمدن رسیده  
 منهل وجود اولان نورسن ریاضی حیات افروز مر و حد راحت . و اینجه روزگار تکدیلان  
 ازهار اوزره بسط نفحات انبسات و فرحت قلدی دوش زمین پنبه پرفد بدل سیره  
 نورسته دن اکتسای برهن سندسلا سطح صحر کل و کباهدن بر اید سرخ و سبز ایلده انجمن  
 جهانده سازو برک فریدون و جنس جم ابراز ایلدی باد بهار تکمیل فن مساطکی ایچون تخمه  
 آب اوزره زلف آرا و طره کشاخی مشق ایدوب آب میخ بستیدن آفتاب ایلده تخمه بند اسرتدن  
 وارسته اوله رق قصه مطول بند و قیدینی پیش سوش و سروده مسلسل قیلدی آهو پرور  
 بر بیابان و دامن کوهستانده مشق رفصه آغاز ایدوب مرغان خوش انجان طور فرخ بهین  
 و طرز دلشین اوزره هوای کلبانک طریده بلند پرواز اولدیلر

جهان شد از خوشی چون گل شکفته \* عروسی دهر در زیور نهفته  
 ریاحین صف زده در باغ و بوستان \* نسیم صبح دم در هر گلستان  
 شقایق سنک را بنخانه کرده \* صبا بعد سمن را شنه کرده  
 ز کله خیمه دهر رکنج باغی \* ریاحین هر یکی بر سر چراغی  
 مسلسل کشته بر کله های حمیری \* نوای بلبل و آواز قمری  
 بنفشه نیل کون و لاله دلسوز \* نقاب کل ربوده یاد نوروز  
 عقابان در هوا بگرفته پرواز \* تذروان در چمن با هم بصدناز  
 چکاوک مرده خوان در نیمه روز \* حریر مدح خوان از بهر نوروز  
 بهر گوشه و مرغی گوش در گوش \* زده بر کل صدای نوش در نوش  
 نوای ساز و خوش آواز بلبل \* فکنده شورش در لاله و گل  
 بسان چشم عاشق ابر عثمانک \* سرشته باد و باران مشک با خاک  
 زهر شاخی نموده کوهر تاب \* زهر چشمه کشوده چشمه آب  
 شکوفه بر سر شاخ درختان \* زیبایی چو روی نیک بختان  
 \* جهاندار \* فیروز مند چونکه عروس جهان آرای بهاری بو کون اطلس زربفت ازهار  
 و رونق هر هفت نور و نوار ایلده آراسته مشاهده ایتسیله

بدرانی العیش فانی راقده \* و لکن لصر و فی اندر نظر  
 فالعمر کالکاس بدو فی اوائله \* صفو و آخره فی قعره کدر

ساقه سیله آیین باده نوشانی مرغی طوطه رق اول حینده که کل صباح . نسیم سحری ایله  
 کوزا چوب مرغ زرین بال روز . صد پروازده اوله رق لؤلؤترین شبنمی دانه دانه فرق  
 نازنین گلستانه نثار ایلمکده ونسیم صبا . شیرین دهقان ریاضی خواب نوشیدن بیدار  
 ایتمکده ایدی لاله داغدار . جام صبوحی ایله نشئه دار . وکل لعل نکار . آینه  
 آیدن تماشای جالیه دلفکار . ترکس شهلا . سرمه کش چشم بیدار . سبزه  
 صحرا . کلاب شبنم رشحه پاش برک رخسار . جوی سمین عذار . عکس کلدن  
 غزه کش عارض آبدار . بنفشه سیه چرده . کبودی رنگ چندن وسمه ساز پرو .  
 سنبل پیچیده . شانه زدن زلف عنبربو . و غنچه تر . متبسم رونق بهار . سرو  
 و صنوبر . قدم نه سیرچترار و کوهسار . ایدی برالده کردن مینا . و دست دیکرده  
 کلاه بانوی رعنا . عزم باغ دلارا . قیلدی صنایع بدایع بیچونه عین عبرتله عطف  
 تاسله طرفی چمنه نظر باز اولدیکه آریش کل وریشان ایله رسک ریاض جنان . و خسرو  
 کل چاربانس کامرانیده قمر و گلشنه حکمران . و غنچه تبسم ناز و عشوه دن سکر ریز .  
 و جام لاله باده سوق ایله لبریز . ونسیم عنبر شمیم شاخ خیمرا ندن نخله سا . و باد صفانزاد .  
 برک سنبلدن غایله پیرا . اوله رق در شبنم . سبزه زاره قرطه بنا کوش . و بید  
 راحه قدم . اهتر از بادنیه هوش . وکل سرخ کف شاخده فروزنده چرا . و غنچه  
 ترکیفیت شراب شبنمندن تردماغ . مرغان خوش الحان . بر کردار مغان . بیدخوان  
 و نهر صافی طبع صفارسان . جوینده روسایی پای درختان . و فاخته مدیحه سروده  
 بدیده کوی شعر بلند . و سوش منقبت بهارده ترکیب بند سخن ارجندن و سبب خوشگوار .  
 چهره فرهادوار . زردوزیر . و شفتالو منالاب شیرین دهقان . محض شکر  
 و شیر . اولمش

چون بساط بهشت سبز و فراخ \* کله برکله میوه ها بر شاخ  
 شکر امرو در شکر خندی \* عقد عنباب در کر بندی  
 ناک انکور کچ نهاده کلاه \* دیده در حکم خود سپید و سیاه  
 رنگ شفتالو از شمائل شاخ \* کرده یا قوت سرخ و زرد فراخ  
 ارغوان و سمن برابر بید \* رأیی بر کشیده سرخ و سفید  
 سوش از بهر تاج ترکس مست \* شوشه زر نهاده بر کف دست  
 برک ترکس بکو هر آمو دن \* شاخ نسرين بتویا سودن  
 نای قری پیاده سحری \* خنده برده بیانک کبک دری  
 سنبل از نافهای منک آمیز \* بر قرنفل کشاده عطشه تیز

کاب الوحی کل بآب حیات \* بر سقا بقی خون بنشد بران  
 ملك زاده \* جه ندار \* بو وجهله تردماغان کلشن . وسکفته رویان چنی تنوع ایدرك بر بزم  
 عیش و عسرت ترتیب قیلدی . نیجه بزم دلارا که هر دردیوزده طراوتی اولوب ساقیان کی  
 رخسار . ساغر سیماب کونی دیگر بار صفایاب باده کلنار . ورامشکران پری دیدار .  
 نوای نی و موسیقاری همدست دستان موسیچه وسار . ایتدیلردف ونی . کف ناهید  
 رخانده خروشه کلوب تار نعماتی قید پای بلبلان . و پری صفت می شیشه پنهان . همت  
 ساقیان ایله آياغه کلوب مصطفی طریقه دوران . ایلدی لاله رخان حور سرشت .  
 او مرتبه پیرامن بساط خسرویده آغاز جاوه نشاط ایتدیلر که قصر دانشین باغ . نمونه  
 فردوس برین اولوب بزمکه مینو سرشته او مرتبه اسباب نوش و غنا . اجتماع ایتدیکه  
 هر پیرینوا . آهنگ طرب جوانی قیلدی . وآوازه رود ورباب . وصلای ساقیان  
 بزم شراب . کنبه آبگون سپهر منعکس اولوب ناله چنگ . وقفهء کدودن . هزار  
 کریان . و کلر چندان . اولدی \* جهاندار \* فیروز مند . گاه نوای بر بطله طاق  
 ابروان جانان اوزره پیمانه کش باده . و کاه نشئه بلند ایله طرهء جانانه پیچیده . اوله رق  
 رغم فلک بیداد اوزره نقد اوقاتی . استیفای مراد زند کائیده صرف و خرج . و وقایع  
 کامرانی بی روزنامه روز کاره درج . ایلدی

چه فرخ کس کو بهنکام وی \* هم آتش دهدیش و هم مرغومی  
 بتی نارستان بدست آورد \* که در تارستان شکست آورد  
 برون آنکه آرد سراز کنج کاخ \* که آرد برون سرشکوفه زشاخ  
 جهان تازه کردد چو خرم بهشت \* شود خوب صحرا و پیغواه زشت  
 بکیرد سر زلف آن دلستان \* ز خانه خرامد سوی گلستان  
 چونکه \* بهره ور \* بانو فرمان مطاع جناب عشق . وسوق شغف و شوق . ایله نفسی  
 آغوش \* جهانداره \* تسلیم قیلدی . خاتونان مینو سواد \* جهانداری \* صنف در یوزه  
 کران بی بهره دن خیال ایدرك بانوی جهان حقنده اطایه لسان طعن و مذمت . ونسبت دنانت  
 فطرته . مبالغه کو ستر و بزم مدت مقعده است کبارده ستر حال ایله شاهان نامدار و خسروان  
 و التباردن میدان طلبهء جائه کله کون آرزوایش برقع کشی سپهر قبول اقامه سکین آخر  
 کار بر قلندر مجهول النسب دام احتیاله شکار اولدی . و بو حال دن زیاده طرفه در که اول  
 کدای کوی شیدائی بی جلهء اورنک آریاندن عید ایدرك مصاحبت و مزاج جتنی شرف  
 دن تارندن اتشاذ ایلر غافلکه سالکان سلسلهء سلطنت و اخلاف خاندان خلافت ایله کسوه  
 و ذل چو بین و متکای ریسمانی و کشتی کمر آویز که جله سی اسباب فخر اصحاب فقر دن



اوله رق دائره مناسبتدن دور در یوقامت کفتکوی بالابلند . ودل بانوی رشته حزن  
و علاه بند . ایندیله کفایت حال جه ندارک خراس ساعده سی اولجق \* بهره ور \* بانولک ذیل  
خاطر ار جندندن از اذه غبار ایچون منظر عوامده اسباب کداییدن عدولکان اشیاء مذکوره نک  
ظهر خواص بدیعده سی مختتم کسورندکین حضور شاه \* عرض پیام ایندیله بوعبد  
بنی سامعینک کلمه احزانی یکبار نور قدوم هینت زو ملر یله رشک خانه خورشید یور یلور ایسه  
بونواز سالی کدایروری ایله سراقخردن \* یقیندارلی همپایه کاخ کیوان یورلش اولور  
(کر قبول افتد زهی عز و شرف) اولجینده مهیب عنایت کیتی ستانیدن طره شاهد مستدما  
مهبط نسیم قبول واسعاف اوله رق غایت انبساطدن بسان کل سکفته اولدی و طرح بزم  
دلکش ایله سزار خسروان والامزالت اوله جق صورته اسباب ضیافتی مهیا قیلدی  
شاه جمجاه . زین کلکون شیرین خرامی رشک خانه رخس خورشید و ماه ایدرک محل بزمکه  
مقدسه شرف قبول ارنی یورلشیله خبره سازدیده سپهر اولان انواع اضعمه واجناس اشربه  
و کونا کون حلویات و فوا که نفیسه ایله ترین خوان ضیافت ایلدی

خون آراسته نهاده به پیش \* خوردینه چاه کویم ازیش

چند حلوا که کس نداند نام \* برخی از پسته برخی از بادام

بعد از فراغ طعام . اشیاء مذکوره دن \* مرقع \* ایله \* متکا \* حضور اشرف ضیف مکرمه  
احضار اوله رق اندیشه مهندسندن برتر دیبا و حر بردن انواع اقمشه دلپذیر و اقسام جواهر  
بنی نظیر استباطیه بر سیل یککش . بساط عرض نهاده . و فرط ادبیه زبان بوزش و اعتداری  
کساده قیوت شومایه محقر و متع مزجات خدمه هم یون ایچون تقدیمه غیر شایان ایسه ده  
شرف قبول ارزانی یور یلور ایسه حقنه باعث منتهای سرفرازی اوله جغنی معرض نیاز  
ایمان ایلدی

اگرچه مور قربان رانشاید \* ملخ زل سلیمان رانشاید

نبود آبی جز این در مغربی غم \* و کربودی بنودی جان دریغ

بو حال غربی معاینه دن ارباب حضور غایت تعجب هوش ربان غریق لجه حیرت . و جناب  
شاه بلند بارگاه اشواشیای بد بعد دن شاه عرق منت . اولدی زیرا که بدایت آفرینش  
کاشاندنبو بوقسم اشیا . سلاطین نامدار و خوانین فلک اقدار دن بر فرد غمیر میسر ایدی  
بو جهنله ملک زاده حقنه خلاف واقع ظن و اشتباهه ذاهب . و حق بانوده معاتب .  
اولنارجین ندامتن عرق بحالتی ریزان . واعیان وارکان دولت . واقاصی و ادانی  
مملکت . جلالت ذاتی و بائل معنوی \* جهانداری \* اقرار ایله ستایش و ثنایه حصر لسان  
و (وافق من طبقه) ملنی ایمان ایندیله \* جهاندار \* دانشور حصول کار . بروفق

دخواه میسر اولسبله طریق مناسبه سالک اوله رقی استدعای رجعت دیاری تکرار . و

بلاد بهانیت علی غمائی \* واول ارض مس جلدی ترابها

زمینده سرد اعتذار . قلدی اگرچه شاه دختر کوهر نژادینی خزانه منظرندن

دور ایتمکده بیطاعت وشعور اولمش ایسده بحکم ضرورت شرعی . صورت استدعا

محفل حسن تلقی وقبولده مرعی . اوله رقی شایان شان تاجوری اوله جق سیم وزر ویا قوت

و کوهر وعود و عنبر و سائر تحف و طرفدن ترتیب جهارزایه جواری پری تمثال و غلامان غنم

مثال و سمندان فرخ بالدن دخی احصای هندسه کاری عقل انساندن خارج ضمایم نادیده

امثال تهیئه اولنوب همراه قیلدیلر \* جهاندار \* عرض معذرت و پوزش مجبوریت رجعتله

بر ساعت مسعودده مرخص . و مشکوی حرم شاهمی به دخول ایله بهره وربانونک

مادر مهربانه ابراز دأب و داع ایچون تقیل یای عصمت ایتسیله اول مخدیره یالک نژاد غنم

مهمجوری ثمره قواددن دامن دامن کهر پاش سرشک کلکون اوله رقی دامن جهانداره

تمسکله سپارش مخدومه مخدیره ده خاطر حزیندن نیجه کلمات رقت انگیز ابراز و اگرچه

\* بهره ور \* بانو پرورده ناز و نعیم دولت ایسده شمدیکی حالده پرستارلق شرف کرافتین کرانه

متاز اولوب احراز مزیت همخواه لرینه غیر سزاوار . بلکه مجرد خدمت چاروبکشیلرنده

بولنق اوزره کمتر پرستار . در انجق حقنده ذات جهاندار یلرندن متوقع اولان مقتضای

علوشان عالیبار لری هر نه ایسه انک اجر اسیدر دیو بسط التماس و نیاز ایدرک جناب

\* جهاندار \* جواب درباری و عذر خواهی اتیانله طرف بانوی جهانندن دخی احراز وداعه

مختص اولوب کال کامیابی ایله عزم راه وطن قیلدی

سینه بی فواره خون ایتسدی هجران وطن \* چشمی مجرا ایلدی سیحان و جیحان وطن

خانه بردوشم کوکل دریا صفت یلر خروش \* موج اسککدر توجهم کاهی عمان وطن

رهبری عون حقه راه دل اولسه کشاد \* جسمی جان ترک ایلوب اولور شتابان وطن

لوحه تصویره کویانقش سر وستان ایدر \* جلوه ساز اولد قیچیه طرف دلدخوبان وطن

شاهه آسا صفحه هوش و خرد صد چاک اولور \* نافع کلد بجه یاده سنبلستان وطن

چونکه منزل اولیند وقوع شرف نزولده مرغ دانا . یعنی طوطی کویا . آیین خواص

بندکان اوزره رسم اخلاص مبارکبادی ایفا . و مراسم ثنا و دعای ادا . ایدرک

شوزمینده عرض مافی اقبال قیلدیکه لله الحمد ولله بوطر ضعیف و مرغ تنیف سعادت

عبودیتلرینک بدایت ادا کنندن ذات همایونلرینک موسم شباب اقباللری اولان زمان حاله

دکین بندکان حقیقت سرشک سیمیه رضیه و طریقه انیقده سی اوزره ابواب تسلیم و رضادن

خارج برامه متجاسر اولوب ورهمنونی بخت بیدار . و مساعده اختر ساز کار . ایله

خدمات صدقه و بقیه موفق . و باین عنایت ذوالجلال علی الاطلاق منتهای آرزوی  
درونگ حسن حصولی امر نهاده صادقانه چالش مقدر عبارت اولان مساعیء احقرانه مد طولانی  
بمن نظر عطف تأثر لرینه احق . اولمش اولدیغم جهته بو عبد فدا یلرینی مطلق العنان .  
وسعت وطن مألوفه مرخصی طیران . بیوره سزنا که برکات عنایت خداوند ایله زمان  
طفولیتده هم محبتیم اولوب مدت مدیده مهجور بزم مصاحبانتری اولدیغم یاران هم آوازه  
تکرار ملاقات ایله مرغزار دلکشارده سیران . و بو وسیله ایله آوازه نیکنامی وصیت  
بر کواریلرینی مسور صحایف جهان . و او دیارک سائر طوطی ایلله شکر شکن شکر عنایات  
عالیه لری اوله رق جمع طائران زمر دین بالده مدح و ثنائینه حصر لسان . ایدیم جهاندار  
هر نقد راول مرغ زیر کردن قطعاً منفک اولمقلغه روی جواز کوسترماش ایسه ده الحاح  
و استبدادی حد حسابی تجاوز ایتسیله بالضرور ملتس طوطی شرف اجابتیه مقرون .  
و بالجنان هوای و داع اوله رق شهزاده جریحه فراقیله دلخون . اولدی  
(فراقت سخت می آید ولیکن صبر می باید) و چونکه حلاوت شهروز کار دورنگ .  
آمیخته مرارت سم و شرنگ . و نقوش صفحه حال سپهر . پرفسون و نیرنگ رنگارنگ  
اولسیله پیچاره \* جهاندار \* بو قدر سرگذشت ایله هنوز مستند مرادده یرینی ایتتمسزین  
بساط مرانی طی ایدوب پیمانه کامرانیدن نشئه دار اولمسزین کزند روز کار صهای  
مرادنی خاک ناکامی یه ریزان ایلدی

جفا ایچونمی کتوردی فلک جهانیه بزی \* دریغ نه حاله دشوردی عجب زمانه بزی  
بو ماجرای عبرت انگیزک تفصیلی شو و وجهله در که چونکه اول کوب فروزان سپهر  
جهاندارتی مصر مینو سواددن متوجه دیاری اولدقد نصکره قطع مسافاته جهد بلیغ ابراز  
ایدرک بر مدت درازد نصکره اسبابی مارالبی فی دست برادرانیدن انتزاع ایلدیکی محله فائر  
اولوب بو نثر حقنده بحسب ایجاب مصلحت و الجاء ضرورت اختیار ایلدیکی تعدی و اساتندن  
طولانی دامن غننده حاصل اولان لوٹ و غباری انحوا و اشیاء معصوبه بی طرفلرینه اعاده  
و اعطایاتک نیت خالصه حق شناسانه سیله تحریرلرینه قیام ایدرک اتفاقاً بی تعب تقصص .  
حصول صورت تلاقی منیر اولسیله \* جهاندار \* تقدیم مراسم پوزش و اعذار ایله اشیایی  
حضور لرینه نهاده و بلا نقصان جله سنی اعاده قلدی و اشبوامر ناصوابی ارتکابه باعث  
اولان مصلحت . و جله سرگذشتی صفحه تبیانیه ثبت . و بو وسیله ایلله رخساره شاهد  
مقصوددن رفع نقابه و موفقتیدن طولانی رسوم سپاس و متنی اقامت . ایلدی جوانان  
جماعترا اید قلب پر نشویش شهزاده بی اظطیاب . و مضیق حجاب خاطرینی ترحیب .  
امر نه یکدیگره سابقله ای عزیز . وفا کیش بیهودیه نفسکری جلد تشویشده بر اقوب



سراسیمه یی صحرای بوزش اولق امر عبندر که مدارانند اوندن اسبابی مستحضری  
ذاتکره هبه و بخش ایتدی کمر جهنله شیر مادر کی سزه حلال اولسون زیرا که سنک نقش  
احسانک لوحه جانم از زه پیدا و ظاهر در مرادیور یلور ایسه سزه دهاقیتدار بر نعمت  
بذل ایدرز که بوده خلع بدن و نقل روح سرمعنویسنه مظهریتدن عبادتدر

قلبی صاف ایده من محو وجود ایلیمان \* قید تطهیر دندسدر ایدن صابونی  
چونکه \* جهاندار \* بو معنادن استغراب ایله جرم و اساتم رتبه بدیهه و صراحتده ایکن بدن  
نصل احسان صادر اولوب و سز زنه جهنله مرهون منت اولد کز بوسیر یرنک کشف  
استارنی علاوه احسان بیور کردیم سیه ای وانه کمر بز که ایکی برادر زیدر من فردوس  
معاد جهان مستعاردن عالم بقایه انتقال ایله تر که سندن امتعه بدیهه فراوان و اسباب غریبه  
بی پایان انتقال ایدرک اسبواسایی سهل البضاعه اوجهله دندر چونکه سیاه مزده  
اشیای مذکوره نک برسبل تساوی تقسیمی منیر اولسامسی فی الجملة باعث انبعاث کدورت  
اولسیه بالضرور حکم حکمه موقوف اوله رق جسم مدحایه الیور سلی بر ذلک ورودنه دیده دوز  
ترصد اولدیمز حالده کوشه غیبدن محراب جبین صباحت قرینکر ایله مشرف اولوب ماده  
مناقشه بی میانه مزدن رفع و ازاله یه موفقیت کیری جله عطایای الهیه دن عد و ید تدبیر  
دلپذیر کزه فرجه دیوار استوار اخوت اولان در یچه مخصوصه یی سد ایدرک ممنون لطفکر  
اولمشزدر و شمدیکی حالده موجب مزیت ممنونیت بودر که سز بو وسیله ایله راتبه  
مراد که فائز اولوب و استبدای مهم ایش اولدیغکر جهنله حالیا بواسیا جنب مر و تائبکره  
حلال اولسون کنسی شوع و رضا مزایه سزه تملیک ایلدک \* جهاندار \* بونلرک حال  
جوانمردی و عاوه همت مادر زاد لیرینه آفرین و علم خلعی تلقی و تلقین ایدرک منزل مقصوده  
متراهی اولدی اتفاقاً وزیر زاده \* هرمن \* که \* بهره ور \* بانونک هوا کیر طره عشق و محبتی  
اولوب نهانخانه تدبیر و احتیالده دنباله روی اوله رق دائماً مترصد اخذ کام و کین فرصته  
جویای نیل مرام ایدی اول حینده که \* جهاندار \* جوانان ایله استفسار کیفیت اشیا  
و صحبت سرگذشت و ماجرایه مشغول ایدی \* هرمن \* بر کوشه ده اختفا ایدوب  
نقل روح هنگام تعلیم و تعلمده اسراق سمع و تمامیه تلقی علم خلع ایلدی چندمر حله  
قطع مسافه دنصکره کندوسنی جهانداره ظاهر ایدرک قطع منازلده رفاقت ایدوب مسلک  
ترویجده ابرازر اسم اخلاص ایله قوانین صدق و بندگی بی صورتا مرعی و قلباً بازوی همتی  
\* جهاندار \* که انهدام بنیان حیاتنه منتهی و ساعی قلدی تخم شقاوتی مزرعده دلده  
مستعد نشو و نما ایدرک تا که منازل راهلری مسبوق الذکر بحر دشوار عبوره منتهی اولسیه  
کالاول دستیاری درویش ستوده عمل ایله ساحل سلامت عبور ایدرک سرحد ممالکنه رسیده

اولد قری حینده سوابق صدق و اخلاص اولان حیداده تصادف اتفاق و وقوعیه  
 \*جهاندار\* مظهر انفات خسروانه قیلوب برای تبشیر موصلت . درگاه پدر عالیمجاه  
 ارسال و چند روز اول مسیره دلکشاده اختیار توقف ایدرک ایجاب رسوم شاهی اوزره  
 استشراف موکب استقبال ایلدی روز دیگر که صیادمشیت . ملک زاده برکشته بخت .  
 ایچون احضار دام ابتلا یتشیدی \*جهاندار\* ساده دل

میرانه اور کورشدیکک اخوانی الحذر \* رهبر قیاس ایلدیکک رهزن اولسون  
 قاعد سندن ذاهل اوله رق \*هرمز\* بدنهادک ترغیب دلفرینه فریفته اولوب همغان .  
 صحرانوردشکار آهوان . اولدی قائد قدر برنجیری آماده رهگذر ایدرک بهرام وار  
 قائم بخت بهرامی ایله خدنگ خار اسکاف ایله سینه چاک . و غلطیده خاک . یتیمی \*هرمز\*  
 حیلله سرشته سر رشته ایقاع کید مضر اولسلیله \*جهاندار\* اول صحرای تک و تنهاده بند  
 سلسله غد ریتک اوزر ای ساه رستم دل نهاده چا کریده بر علم خفی مضر و مخفی ز کدبو کنبد  
 مقرن سده بو عاجزلندن دیگر بر آشنای سرار مکاسب . اول هنر بدیع فائز اولماسی مطنون  
 عابد و علم مذکور خلع بدن و نقل روح سرخرابی اولوب بمن اسم اعظم جان آفرین ایلله کمال  
 تبشیر . صفحه وقوعه پذیرای حسن تصویر . اولور اگر مراد شاهیلری اولور ایشه  
 ذات جهاندار ایلر بله تجربه ایتک آسانتر . فقط رایگان بیورلیمسی شرطی مستعدای عبد  
 احقر . در دیوب \*جهاندار\* داستان روزگار دور نکدن غافل . و تقید سر رشته  
 حرمین عاطل . اوله رق کندلیسی بو عتده محتاج تعلیم اولوب \*هرمز\* دن داناتر  
 اولدیغنی تیان ایتسلیله \*هرمز\* سدهان عالی تهرک آلوده لوت کذب و دروغ اولسی شایان  
 حال جهاندار اولدیغنی ایراد ایدرک ملک زاده بی اغضاب ایلله بو دقیقه نبات مدحا  
 ایدر ایدم خون نصیحتی هدایت ایتسلیله سین دیو جواب عتاب آمیزی غنیمت بیلله رک خداوند  
 اگر من سر عالم نال ایلله بو نخبه کتب و تمانی اکتس . و کندی جسد خاکی گردن سیوه  
 نجر دمنشانی اجرابه . قدر تیاب اولور سه کز جناب باری بی اشهاد ایدر مکه بن دخی اراقه  
 خونمی شمیر جهاندار یلریند محکم شرعی اباحه ایلرم \*جهاندار\* برکشته اختر . بی تأمل  
 حقیقت حال فردا وصال ایلدی کندی لایق خیر و ترک ایللقاب آهویه انشغال ایتس  
 حینده \*هرمز\* حکم تقدیری موافق تدبیری بواهرق اغشام وقت ایلله جسدندن خروج  
 و بیکرباک \*جهانداره\* ولوج ایدرک مرکب زرین \*جهانداری\* یه سوار اولوب شادان  
 و فرحان طرف \*بهره ور\* بانویه شتاب ایلدی

شد شد از قاب کرامی دور \* کرم روشد بقالبش دستور  
 بر فرس جست و راه پیش گرفت \* دامن اختیار خویش گرفت

به نشاط تمام بابانو \* بر سر تخت گشت همزانو

چونکه \* بهره ور \* بانو قاب مذکورده منهد اولدیغی حرکات و سکناتی \* جه ندار \* ک  
اطوار و مسوارینه مختلف کوره رک و حکایت علم خلعه سابقه \* علوماتی اولوق تقریبه صورت  
واقعیه بی تفرس . ایدرک در آن دامن عصمتی اول حرام زاده پست فطرتک لوث  
مصاحبتدن محروس . واختیار طریقه \* محارض و قدر ما یتجدد \* تقبیل غذا ایلله نفسی ظهور  
عواقبه منتظر و مأنوس . ایلدی و بوشر و مضمر ایلله سوزناک . و تنهارده دست  
حیف ایلله سینه چاک . اولدرق قوای تن بیمارینه ضعف و تحافت مستولی و \* هرمن \* حرمان  
موقت و صاله ترصد صحتله متسل اولدرق بواخته خدمت استقبال \* جه ندار \* مسبق و غبار  
مقدمینی اکحله مسابقت کوسترن و زرا و خواص بالورود \* هرمنی \* جه ندار قیاسیله باشکوه  
خمسرواتی . و دبده جهانداری . خدمت شاهه ایصال ایتدیلر شاه کیتی پناه بر قاعده  
ابوت دیدار فرزنددن نشاط مندا اولدرق بعدمده حضور ساهیدن مرخص اولوب خداوندانه  
مسکوی قدیم جه ندری به کیدرک سائر خواصان بی رویانی همبزم مصبطه کامرانی .  
وقفه سابقه غروری دلیل عشق اولان بانوی عتیق ادراک معامله \* بیکارنکی ایلله طریقه  
\* بهره ور \* ده اتخاذ پستراتوانی قیلدی

در حرم رفت و کامرانی کرد \* باتنی چنبد هر چه دانی کرد

هر صنم کاندران شبستان بود \* خدمتش را چو زبردستان بود

جرهمان نازنین کار آگاه \* کا کهی داشت در شمائل شاه

سخن مختصر . چونکه بو و تیره اوزره بر مدت گذر . ایدوب جناب شاه بحکم  
\* کل شیء هالک الا وجهه \* لیک زن داعی اجل اولدرق آرامگاه عقبایه متوجه اولدی  
تکیه بردنیانسانید کردودل بروی نهاد \* کاسمان کاھی بمهر است ای برادر کد بکین  
چرخ کردان بازمین کوی دوستک آسیاست \* در میان هر دور و زوشت دل مردم طعین  
کر کسانندازی مر دارد نیاجنک جو \* ای برادر کر خرد مندی چوسیرغان نشین  
بر مقتضای گردش کردون دون پرور . انقلاب دهر سفله دوست ایلله سر بر سروری و دیهیم  
دولت . اول حرام توسه بد سرانجه منهد انتقال ایلله اورنک خلافتده مستقر . و فرمانفرمای  
افضار کنور . اولدی چونکه \* جه ندار \*

هر جام غمی کز کف ایام کشیدیم \* گفت سبت آسکه جامد کر آمد

طریقه سنده نیرنگی چرخ دوار ایلله حال انسلاخنده بگر آهویه داخل اولدرق حرام زاده  
\* هرمن \* دن بیم جان ایلله لمحّه واحده آرام و توقف ایتدیرک دشت بیمای بیابان و صحرا .  
و مخوف ابتلای دام و هراس سگ و صیاد ایلله آواره کوه و هامون اختا و لوب نهیت راهی



بر سبزه زاره منتهی و میان کباب زمره دیند، بر مرده شارب که مصادف اول سیله قالب آهویه ترجیح  
ایدرک فی الحال اول قالب پر پروباله تحویل پیکر . و اولمخلدن

کاله ایرمدن بدرا میدم بولدی نقصانی \* هلال منت چرخ ستمکار اولدیغم قالدی  
هواسنده پرواریدرک راه شهره سفر قلدی قضارا بر باغه تصادفله شاخ صنوبرده اراحه  
بال قیسنده ایکن (ان الحذر لا یفجی من القدر) مقتضای اوزره در آن تهیه کرده صیاد اولان  
دامه دوش وادراک تضاعف آلام ایله

رمانی الدهر بالازراحتی \* تگسرت النصال علی النصال

مقال اندوهیله دلو روش اولدی . صیاد کین ترصددن سر نما اولوب مرغ شکاری  
وضع قفس آهنین ایدرک شهره متوجه اولسیله کنار شهرده بر درخت بی سایه باینده آفات  
تعینات روزگار دن میرا و کسمکش چون و چرا ی رسمیات دن معرا اوله رق طرح سایه سکون  
ایتمش بر درویش مسکندن اتفاق عبور واقع اولدیکه میانه لرنده رو باضخلت و مولات پیوند  
حقیقی ایله کسب استحکام ایتمیشدی رعایت سوابق معرفت . و برمدت آرام والقلله .  
بر سبیل ارمغان \* شارک \* مذکور ی درویش ارزان قلدی \* شارک \* سپهر پر کینه نک

و وجهله کردش نا هموار یسه تسلیم و انقیاد دن بنده صور تله فار شوکله میه جکنی و بر مقتضای  
(نصیب من اسباب الضفر) زمام صبر و رضایه تسکین دیگر چاره تدارک ایدیله میه جکنی بالمطالع  
(مرغ زیرک چون بدام افتد تحمل بایداش)

نشیده سی اوزره تدارک اسباب استخلاص متأمل . و بو ظلمت حیرتک روزن تدبیره ایصال  
راه ایتمکله کینه یاور ی رأی صوابی متکفل . قله رق طوطی خوش لهجه زبانه رخصت  
سکر کنی سکر گذاری ارا سیله المنه لله که منتهای آرزویه پیوسته اولدم زمینده ابراز ایلدیکی  
آواز حزن سامعه دروینده قوج استغراب اولوب دیدیکه ای طائر نجسته سخن ادای  
شکر . برای نعمت صورت پذیر اولوب سن ایسداسیر دام محن و محبوس قفس آهنین سین

\* شارک \* جوابده ای خواجده انکر مثال بر صاحب دل ایله شریف صحبت دن نیکوتر فصل نعمت  
متصور در میسیله بو کلام . مذاق درویش خوش کله رک طرفی \* شارک \* توجیه روی  
توجهله دیدیکه سن ایچد مرغ دلاستیکه غنصک مغر معض دلالتین . کلامک  
قندسیر . \* شارک \* جواب داد اولوب کندیس جهان دیده بر طر اولدرق هزار  
صحبیت ارباب معنیه رسیده اولدیغنی ایمان ایسیله درویش فیض صحبت اصحاب تحقیق دن  
معض صحنه صراحت ایدیله کندیمت دخی نعمت ایدیلستنی متوقع اولجی \* شارک \* سو  
زمینده بسط مقال ایدرک وقتیه بر طوطی صاحب تجربه پیوسته اولوب اندن صبحک  
نسیله صاحب نفس وادقیق سوال ایسه هر صبح بی نواله ایشان کرد ایتمسله جواب داده

اودى مرغ همایون سایه اولمسی حکمتندن استبضاح ایلده مجاهد نفس ایل  
 فائز اولوب زیر انعمات کوندن عراض ایلده قانع استخوان خشک اولمدر دیدی آفتاب  
 روشن دل اولمستک سببندن استفساره اختیار نچرده جواب و یردی باعث ناموری  
 عقادن سؤالمه بمن از وای سر دایلدی تنک دلی غنچه بی جمع سیم وزره مفید اولمسیله  
 شرح ایلدی وکلك هر محله عزیز وار چند اولمسته خوشخو و شکفته رولغنی سبب  
 کوستردی سروک سبب سرفراز یسندن سؤالمه نهاده بکلك اولماسی جوابی و یردی  
 سبب روشنائی طالعی اختیار تواضعه تعیین ایلدی اول مرشد کاملدن خلق ایچون  
 نیکوتر نه ایدو کنی سؤال ایلدم خستودی خالق شرح ایلدی انبیا بخش اولدی لغت و نسیک  
 سود و فائده سی نه ده ایدو کنی سؤالمه قرین بدن پر هیزیتک جواب پند آمیز یله سخن ریز اولدی  
 دانالغ نه ده اولدیغنی استقنا ایلدم نفس کید عدو دن محافظه ده اولمسیله امضا قلدی  
 بوسوزلردن درویش زیاده سنیه منشرح و محظوظ اوله رق \* شارک \* مذ کوره نائل  
 اولمغنی جبهه مواهب جزیه و عطایای بلغة الهی بدن بیلوب مصاحبتی جان عزیزینه مر جم  
 طوتدی اتفاقات غریبه دن اوله رق بر کون درویش درون شهره دخول ایلده رجعت  
 مر دجه یه تصادف ایتدی که خلق هر طرفدن اقبال ایتکده در درویش استکانه ماده  
 ایدرک بر جوان زیب منظرک ترتیب مجازات جرم و اسائنچون احضار اولدیغنی منظم اولوب  
 تعدید جزایچون باب قضایه جلب ایلدر آی و قرار زینه مر اجعت اولشان ارباب قوی طرفترندن  
 قتل و اعدام یله خونی اراقه و یا خود اقامه حد ضرب ایلده الم چش تازیانه قلمق بیننده تردد  
 کوسترلدی درویش جوان مذ کورک مستوجب عقوبات و سیاست اولمسی نصل صنیعیه  
 مستند ایدو کندن سؤال ایتسیله بو بر کسته بخت حکم قضا و قدر بای قصور و یرده نظر باز  
 آیشد یکن دختر و زر غرقه قصردن سر نما اوله رق عکس جمالی صفحه آیشد جوه کر  
 اولمسیله بومد بری حزم . نظاره جمال دختر دن مست شوق اولوب رخ پیکر خیال دن  
 بوسه چین اولد یغدن بو جرم کست خنیه مینی نعت مجازات و مؤ خذیه التمسیر دیو البضاح  
 ماده اولند قدده \* شارک \* همراه درویش بولمسیله بونغمه غریب کوش زدی اوله رق  
 بواساتک سیاستی جوان مر قوم تاب آفتابده استاده قلوب میسان ظلمه اقامه صد تازیانه دن  
 دیگر دکلد در دیمسیله مرغ مذ کوردن بو کبی بر حکم غریب عادلانه استماعی ناسک خروش  
 دل و غایت استغرابی دلی اوله رق بودا جری بدیع . مدت طایفه طرفنده درون شهره  
 منتشر بالاخره \* بهره ور \* بانو نیک رسیده مسمع و قوفی اوله حق در عقب \* شارک \* مذ کورک  
 طلب و اخذی ذیلنده حکم فتحتم الامتثال صادر اولدی فرمان بانوی دهر دن انحراف  
 و مبادعه بحال اولماسیله ناچار درویش دلریش قفس شاری دست خادمه تسلیم ایلدی

چونکه نظر \* شارك \* بهره ور \* بانو نك جمال جهان آرا سنده رسیده اولسبله برابر زبان مرغان  
اوزره مراتب شکر یزدانی ایفا یدر ك متصد وقت فرصت اولدی

چه خوش باشد که بعد از روز کاری \* با میدش رسد امید واری

بروز که خور سید بختی برج شرفه مقارن اوله رقی بای اغیار خلوت کا هده محرم بزم صحبتی  
و شبله حال نکبت استملنی و کید \* هرمن \* بدنهاد ایله جسدنیدن انتقالنی از آغاز تا انجام  
\* بهره ور \* بانویه کشف و اعلام ایلدی

مرغ زیرك چو دید جا خالی \* کرد پیـدانهان خود حالی

آفتی کز سر بر کردش دور \* قصه خویش و غصه دستور

وان گرفتن بحیم آهو جایی \* سبزه بر سبزه کشتن آهو پای

وان پریدن بدشت پیمایی \* در صف شارکان صحرایی

\* بهره ور \* بانو مجرب و حایه کسب اطلاع ایله گاه حال تحسردن مثال ابرمردار کرمان و گاه نشاط  
ملاقاتدن خندان اوله رقی تخلیص جسد \* جهاندار \* ده نه گونه تدبیره تمسك ایتمك  
انجابه ایدجکنی تعینده سراسیمه و حیران اولدی \* شارك \* بهره ور \* بانو نك قید ره ایدیه  
سیماب وار مضطرب و بی قرار اولدیغنی مشاهده و آفت استعجال کندنی بی دوچار مهملکه  
ایتمندن ترسیده قیله رقی سردن نصایحه آغاز ایله ای سرد فترت نیکوان دهر دست توجهی فترت  
تدبیردن ابرویوب تدریج و تأنیدن قضا انفکاکه جواز کوسترمه کد بوهنگام بن مرغ ضعیف  
اولوب خصم ایسه ساهب ز اوج اقتدار اولسبله سر رشتن مقصود انجیق سرانکشت تدبیر ایله  
تدبیر فتنه انحرال اولور بویا بد عقل رهنمای و وجهله سمت صوابه هادی اولور که هر نه وقت اول  
بد کوهن پاك نزد عصمتانه کره کله جك اولور ایسه خلاف طرز مسلوک اوزره تعظیمده مبالغه  
ابراز ایدر ك سکفته روو کسانه جبین اولوب ای جهاندار فریدون فرمن اجسز لعل کسب  
ایتمه دندن طولانی غایتله مقبض الال و منغض الخاطر اولدیغمدن رعایت شعار بنده نوازی  
ایله سابقارده اجرا بیورلدیغنی کبی اجرای صنعت غریبه خلغ بدنه بیدریغ مساعدده و احسان  
بیوریلور ایسه شاید بوجاریده کتر قدر لرینه مدار تفریح و انبساط اولور و طریقه سنده عرض  
نیال ایدم سز لال بو کلامد فریفتد اوله رقی بو ذریعه ایله اقبال غنای کالاول آسینه نفس  
ناطقه دم اولور دیسبله \* بهره ور \* بانو آشنای سریره مصلحت و مترصد وقت مساعد فرصت  
اولوب بر روز کردش فیک دوار مساعد روز کار و مساعد بازوی افکاری اوله رقی ار ساد \* شارك \*  
اوزره قدم توجهی سوق جاده تدبیر ایلدیش \* هرمن \* بدنهاد دخول و اظهار لایله و دلال  
دلیل نه بایه نفس خاطری لوحه اتماسده و وصول ایدم و خشنده که اول کوتاه فکر و دراز ملک  
ستاره طالعی در جفا نقطه طاع و سقوطه رسیده اولمشیدی رشته حزم و احتیاطی یدندن اسقاط



ایدرک علی الفور بر آهوی طلب و قطع کلو سنی امر ایدوب قای تعرض روح جوانیدن آسوده  
و آزاده اولسلیه برابر \* جهاندار \* که بیکر باک جسدندن قالب غزاله انتقال ایلدی \* جهاندار \* که  
قالب \* شارکده \* منتظر هتکام سعادت ایدی روی نیازی درگاه خداوندی نیازرفع  
ایله دور فلک دولت و سعادت اوزره متوجه اولدیغنی مساهده ایتمسلیه جسم شارکی ترک  
ایدرک جسم مبارک فطر یسته حاول ایلوب مراب سکرمتی مؤدی اولدی و در عقب صدور  
حکیم نافذله بیکر \* هرمن \* بدفعال اولان غزاله صفت دست و کردن بسته بر جا \* بچین  
مثاله اوخته اولدی

چون تهمی دید شاه قالب خویش \* سبک آمد برون زمر کب خویش  
رفت در هفت منظر جائی \* پنج نوبت زنان بسلطانی

روزد بیکر غزال مهر . دام خاوردن رها و جسته اولدق جلوه کرجهان اولسلیه  
\* جهاندار \* سایه فکن سریر دولت و تخت خلافت اولوب استحضار وضع و شریف ایله  
بوسر گذشت غریب و ماجرای بدیع اظمه اواسکار بیور لمسلیه مجتبعین بساط حضور بود استان  
حیرت اندوزک استماعندن بر مدت بیکر دیبا صفت بدشعور اولدق هر کسی حال و استعداد نجده  
فرق اقبال خسرو فیروز بخند زروسیم نثار ایدیلر \* هرمن \* که کیفیت سید بختی و بدنه دیسی  
زرداقاصی وادانیده ظاهر اولمسلیه اول مدبر بدطینت موقف سیاستله احضار  
اولدق سکان کرک منساک ضرب دشته ناخن و سنان دندانله قالب غزالدن با هزاران  
عشوبت و نکال سوی بآس المنصیر سفره انتقال ایلدی و بر مقتضای (من حفر بئر لاخید و وقع  
فیه) سوق عمل زشت و ناصوابله بعبودیت و ازون . و تحت تاراده همدمه ارون سرنگون \*  
اواسی \* جهاندار \* کردون اقتدار دیهم شهیده کسب استقرار ایدوب شو قدر که  
علت انقلابات دهر و حالت اختراعات سپهر ایله \* هرمن \* نابهموار لباس \* جهاندار \* دخول  
ایدرک قدم شامتیه اداره ملکی توهین قلدیغنی ایام شورش و فترتده طبع خسب و نفس  
کسیفته توفیق معاملات ایله موجب نفرت و انحراف برابو مترددین اولدق حائیه تصدی .  
و اغور هوا و هوسده افندی خزان دولتله ملته تعدی . ایتمسند نطو لای قلوب خلائق  
طرف خلافت متوجه . و عقاید مضینه صدقای دولت منحرف و مستبده . اولدق جامه خواب  
امن و آمانده را قند و خفته اولان عبون فتن فرصتینان . بیدار . و اساس قصر حکمرانیده  
آثار تضع وضع و خلل بیدار اولدی از جمله سهیلا رد دولت و مقتدای کابر مملکت ولان  
\* بهرام \* خان سؤروش هرمن دن دوچار تشویش خاطر . و انسلاب حال امتیله تقید  
حفظ ناموس . ساوک طریقه بغی و عتوه محب . اولدق فتنه ندیشان ارباب فساددن  
بر جمیت پانیدی همراه مسلاک سقا . و خلع تقید ایدوب اسباب ترفع و استکباری سها .  
و مملکت هندن نوری بخت بآید ایله حوزره تصرفه ادخال ایلدی یکی خطه دهر زاده

صوابید هواخواهانیله رأیت استقلالی افرشته واعلاقلیدی وایجاب عقل وکیاسته  
 ایدرک ایدرک دستانی حقزنده بهترین شوه ملکداری و بهین نتیجه کتی ستانی اولان آیین  
 عدالت و طریقه نصفی دستور عمل طومسی اقطاع مالکدن تحسند افراد نام ایله مرکز  
 ستاندارد ایله ایله سععی بلیم کوستردی \* هرمن \* ایستدنی جوهر شهادت و بیست فطرت  
 و ملق تقریبه بالسواء امر مدافعه دن اختیار انماض و مسامحه . وجهله مقتضادن اخلاص  
 ایدرکی موقعه فاع و ذرق کوتاهی دست جبهله دامن بقیه بدنه تعیین خضوض حدود  
 و دست محقری و خبینه که بمن ناید آسمانی ایله \* جهاندار \* فیروز مند \* هرمن \* برکنسته  
 بخش از رف وجود بسودنی صفحه هستند حک ایدرک متمکن سریر جهان بینی اولبق  
 مقتضای عزت و غیرت جهانداری و ایجاب حجت شهر یاری اوزره ملک موروثی  
 حیطه تصرف ایدرک ایتمکدی دایره مردانگی به تقریب و افاسه دقیقه آتاقی تصویب  
 ایتدیرک کلشن پرزب و نصارت بلاددن خار و خس تسلط اجانبک اعداد اسباب اندفاعیله  
 ضمن سلطنتی جبهه ارضی امن و آسایش قیق و وجود درخند کران ملک مغلق عدمه  
 تقصیر بی لوب انب زوسیم . عروس ملکی در آغوش ایدرک مرکز استقلالده مالک تاج  
 و دیهم اولق امید سلسله نسیم خلوتده ترتیب انجمن مشورت قله رق اول باول \* بهرام \* خان  
 مهمک مشیت ایجابی ساحه تذکره وضع و نهاده اولنسیله مرآت خاطر خرد منداک پیکر  
 استصوابی شوساحده جاوه کراولدی که ابتدا خان مشار ایله مشعر قوانین هدایت و مقرر  
 قواعد و معظت بر قطعه منشور سعادت تصدیر یوریلهرق اگر چه جانب شهرستان اطاعت  
 و انقیاد رهمن اولوبده یوری ختم پیدا یله طریقه کراهی و مسلک ضلالت و تباهیدن  
 آزاده و دست نیاز ایله آستان رقیه سر نهاده اولورسه فهمو المقصود و الا یبق سیاسته خرمن  
 وجود بیولنسه وضع شراره تپه ایدرک آروان شمشیر ایله آتش فتنه تسکین اولنق  
 احرا در \* جهاندار \* صورت تدبیر اصحاب مشورتی و سمه دارا سخنان ایدرک دیر تیر طبعی  
 دستور و رفدور یله موراید و شرقتضیر یوریلان بر ایغ بلوغ بنده کان خاصه دن  
 رید صا جخر دصحبایله جانب \* بهرام \* اطاره و تسیر یورلدی

✽ صورت منشور عالی ✽

مسند آرای محفل اجلال . و نخلد بوستان سعادت و اقبال نقش پیرای کارگاه بسالت .  
 صورت آرای بیکر فخامت . عطر آمیز انجمن اخلاص و صداقت . رونق انکیز  
 تیغ جوهر دار شجاعت . سلاه سلسله صدق و سداد . نقاوه دورمان صاف نهاد .  
 قدوه رباب دولت و جاه . زبده خوانین بلند پایگاه . دستور مکرم امورانام . مشیر  
 مخم عالم تمام . \* بهرام \* خان توجهات جهان کشای شه نشاهی . و تفقادات کتی

آرای جهان پناهی • شامل احوال سعادت اشتمالك اولدقده واقعه غریب و ماجرای  
عجیب حیرت افزای همایون طیب افزای منام اخلاص و مصادقتك اولسونكده چونكده  
ولایت مینوس و اددن باكل فیروز مندی و کامیابی مرا جعت میسر کرد: رب متعال و طی هزاران  
مراتب مصاعبه سرحد ممالك محروسه مخیم سرادقات جاء و جلال اولدقده  
زمانه بنیک و بد آبتن است \* ستاره کیمی دوست و دشمن است

مؤداسی اوزره \* هر مر \* بدنهاد تحریك سلسله غدرو بیداد ایله غالب عنصری و بیکر هیولانی  
اشرفی ضبط و انزعایدرك ذات اقدس همایون گاه اختیار بیکر آهواله باعث سرفرازی  
غزایان و گاه تلبس پروبال شارکله هوا کیر بالا پروازی طوطیان اولوب بوتقریب ایله  
اول بدنهاد • نفسی شایسته کلاه کخسروی • وقابل قبا کیقبادی • ظن و کانیله  
آرزوی لاطائل • وادبسته باطله • سالک اوله رق اختر تیره سین کوکب جهان بینی  
تصوراتش و روی طمع خامدن (آسیای دولتی برخرده اولسه دوندر) قیاسیه نقطه  
خیالی جایگیر دأره استدراك اوزرك آرای اولمشیدی او ائنده ستاره بخت تاج و تخت •  
دوچار حسیض نیکبت اوله رق شاه خلد آرامك متوجه شهرستان خلد اولملری وقوع عیافت  
حکم قضا و قدر اولمسیله اول کافر نعمت متمکن بساط سلطنت اولوب زشتی نهادی و سامت  
جال مهام دولت بد پیوندی متغیر و ظهور هرج و مرج اقطار مملکت • مرآت قلوب ملق  
متکدر قلمشیدی بتوفیق تعالی \* هر مر \* بدکار درگاه منتقم حقیقیدن عاقبت پاداش سوء  
کردار • و مثال شعله خس بد برای فروغ استدراج اولان مصباح دولت نایب داری منطق  
و مضحک اوله رق رهرو بادیه بوار اولمسیله از سرنو نسیم سعادت و اقبال جهنم ارمراد  
همایونده منتسم و بوبشارت عظمی ایله اولیای امور دولت بد قریك ازهر آرزوی خاطری  
مبتهمج و مبتسم اولدیغی بی شبهه صدور منشور فائض النور دن مقدم السنه وافواه مترددین  
نقائدن رسیده سمع نباهت شمالك اولمشدر الحمد لله والمئه که کار جهان طبق عالم خبر اندیشان  
اوزره صورت پذیر اولوب ظل همایون ذات اقدس فرق جهانی سایه مندامن و آسایش ایلندر  
لاشک خان سامی منزلت و سلطنت فراست فطری و دانش جبلی ایله اول بدنهادی دوانك  
حالتیه اشتمالنی تفرس ایدرك

که از بی دولتان بکیر چون تیر \* وطن در کوی صاحب دولتان کیر  
مضمونه اتباع ایله اولجانی اختیار و پیشه خند تأملده تعیین سلامتگاه در کنه اربتمش اولد جعفری  
محزوم عقل حقیقت اندیشدر والا نصورتله تجویز کرده عقول سلیمه اولق محتملدر که  
سبحه حق شناسی و خدادان لیلر ایله برابر شاه خلد آرامك بونجه حقوق تربیه و رعایتی بی سابقه  
سبب مرعی طریقه رق دأره ارادتن تخطی و کوی ضلالته تجاوز و تعدی ایله سرکردن



بادیه غوایت و حاسا که مخالف مسلک دینداری اولان ذمیمه عصاوتله دامن آلود تهمت اولدول  
 اخذ تهنه که عنایت ایزد ذوالجلال ایله بو خاندان خلد بنیانک سرزده چنستان خواطر خیر  
 خواهنی اولان ریاحین مأرب فیض ربیع نسو و نماده اولوب تأییدات آسمانی بحال فرخ مألزه  
 شامل . و فبوضات ربانی روزگار فرخنده آثار مزه واصلدر اول عمده خانان رفیع المقدار  
 بی تهاون و تأمل مراتب شکر و سپاسداری بی مؤدی اوله رق درگاه فیض پناهده سرعت عزیمتله  
 اسرع اوقاتده احراز راتبه ملاقات ایللری مجزوم و متیقندر . اگرچه برطاقم اشنای رموز  
 حقیقت اولیان کوته نگران اول چن پیرای حدایق حقیقت اسلک چهره غروس غفیده سنی  
 خلوت کده خاطر قدس منظره صورت ناعوججه ده ابراز ایدرک لاسکر ظفر پیکرک اولجانبه  
 توجیه رأیت نصرتی جهته تحریض و ترغیبده مجد و ساعی اولمشلرایسه ده ضمیر منیرا قدسده  
 قطعاً جواز کوسر تدمش اولدیغندن مقتضای اختصاص قوی و اخلاص معنویک حسن  
 محفضه سیله اقوال جهله و خذله و باشانه فریفته اولمدرق تدقیق نظر معاله و مطا اعدمال  
 حال و مکان اطمینان بال ایله همان اکساب شرف مشولی به متوجه اوله سز انشاء الله تعالی  
 احراز سعادت ملاقات ایله مظهر صنوف عوطف شهنشاهی و محسود اولیای دولتخواهی اولوب  
 صوابدیدلری اوزده تسلیق مهام و تنظیم امور خاص و عامده واسطه اجرات و عین نظر  
 سلو کانه ایله مظهر رقیبات اولملری زمینده اشبه و منور عالی تسطیر و تسیر قلندی

من انچه شرط قوت بود بتو کفتم \* تو خواه از سختیم پند گیر و خواه ملال

همان توفیق الهی هادی راه صواب و ارشاد اوله

چونکه منشور عاطفه نشان واصل اولوب بهرام \* خان ایسه جام غرور دولت و جاد ایله مست  
 میکده ادبار و میران ادرار کده موقع سز تله ساحت معالی سنان و سکوه شاهی بی موازنه به  
 عدم اقتدار اولمده . نسب ضلالتده راسخ قدم و کوی غواشته مجبور احتراس قدر نعم  
 اوله رق حیرت قواه غیر سز اجواب تحریر ایله تهیئه اسباب خسرانه جسارت قیلدی

جواب بهرام خان

دو خدمت معالی و جهاننداری . کابین روضه عظمت و کامکاری . مسند آرای بزم ابهت  
 و بهروزی . آفتاب سپهر نصرت و فیروزی . نتیجه خانان بلند مکان . نقاوه دودمان  
 عزو شان . جناب سلطنت مأب \* جهاندار \* سلطان ادامه الله فی سریر سلطنته رقرده  
 خادمه منشیان عطار د نشان اولان کلدسته چن و داد . مجموعه ریاحین اتحاد . یعنی  
 خدمتین شمامه . فرخنده ترین احزانده شرفوار دموقع تعظیم و درج الدر رفخاری  
 مندرجده سی معلوم مخلصی صدقوسیم اولمشدر

سکر کویم به چه از در اوست . کان ده دینداریه در خور اوست

الله الحمد والمثنه که حضرت حکیم علی الاضلاق حکمت لغا صمدانیسی اوزره سؤات نفس  
و آفاق کونی صورت رائقه و تقاویم حسنه ده مصلحت از، و اراده لم یزلی و فتنه نظم  
و استحقاق ذاتی و استعداد کوهی ایله مراتب خاصه یه سزوار اولان بنده لینی تسریفات  
لایقه ایله وایه دار دار خزانه الخف عیم بیور مقده و افراد عبدندن ﴿توتی الملت من تساء﴾  
کریمه سبله مکرم اوله رقی سزوار عنایت و قبل سعادت اولنلر حقنه خلعت وافی دارایی  
ارزانیله مقابلده فرمانفرمائی ممالکی کف اختیارینه تفویض . و بر حکم فرمان  
﴿تنزع ملک من تساء﴾ مستحق امانت جلیده سلطنت اولمیا لیری فرزندش سلیمان  
ادیم خبرایه تنزیل و تحریض قلمقه در

مر اورا سزد کبریا و منی \* که ملکش قدیمست و ز آتش غنی  
بو بنده نیازمندی استحقاق ذاتی ایله حضرت پروردگاری انباز درگاه مقدس کبریا سندن  
دار العمل کیتی ده بو منصب و لایله مستثنی و ممتاز بیورمش اولدیغندن فردا فریدنت بودوات  
خداداده ایصال عین الکمال حسد . و دست تصرفی جهت ممالک مطاوعه دن منع  
و صد . ایتمکله اقتدار و صلاحیتی اوله میه جفی مثلا و کزیده درگاه احدیت اولنلر حققرنده  
نظر استحقاق و حقارتله نگاه ایتمک مجرد قصور فطرت و نقص فضیله محمول اوله رقی دیگر  
معاوجه محمل صحیحی بولنه من بو صورتده منتظم سلاک سطور اولان سبک ایله تسطیرنامه  
جهانداری ذات سلطنت پناهیلرندن وجوه ایله مستبعد کورینور اشراپ اولنان امر ناملا یکنه  
مبداء خرابی خلأق و منشأ تخریب علایقدر محضاً پدر بزرگوار لری انارالله برهانه نک ایام  
استقلالیننه قصر نظر دن منبعث اولوب اگرچه مسند آریان پیشینک مضبوط و قایع و نوبسان  
زمان اولان احوالی مطالعه بیورمش اولسه بودار انقلابات یک و تیره ده پذیرای نسق و انتظام  
اولق خلاف آیین دهر دور اولدیغی و اراده زاید که تحول احوال کا ثبات در این قوانین  
پیشینی محو ایله قواعد فجدده وضع و تمهید قلندیغی معلوم شهریار یلری اولور بنابرین ذات  
همایونلر بجه انتخابه شایان اوله جق طریقه کزیده فیما بعد پسندیده ترین اطوار ارباب معاش  
اولان سلسله تودد و وفاقه تمسکه چنستان خلت و مصافاتی آبیاری موافقت و مرافقتله  
تازه و سیراب . و میان شاهانده جاری اولان مسلکی ترجیح و انتخاب . ایتمکدر والا  
بو مخلص مستظهر عنایت الهینک سپاه نصرت دستکاهیکه هر بری بر شیرین و پیل دمان  
اوله رقی زنجیر صوف محالغان مواجهه معرکه کاهده ابراز مقاومت غیر تحمل اولمسیله حال  
تجویز مبارزه دهر و رستی و قوت بازوی بهمنی مشهود اولور چونکه مقتضای حقوق فاسی  
احتراس مراتب اتحاد اولمسیله قواعد مصادقه مبتنی اشوج و بانامه مخالفت تسخیر و تسیر  
قلندی

همیشه ایام سلطنت و کامرانی بر طبق تمنای دوستان باد  
 چونکه \*جهاندار\* داور \*بهرام\* خان نگون اخترک \* مضمون نامه سندن بادیه غوایتده  
 رسوخ قدمنی فهم و جزم ایدرک دریای غیرت و سخطی متوج اولوب اول شور بختک همراهانیه  
 برابر نادیب و کوشه لاری وجهه همت کردند بهمت جهانپانی به متحکم کورنسیله تهیه اسباب  
 نبرد و ییکاره ابدار \* و تحشد جیوش منصور ذیلنده مأمورین ولایاته مناشیر قضائاً اثر  
 اصدار بیورلدی بو مهمک تیسر حسن اتمامده اعلام فتح و فرجام پیش آور بهادران  
 نصرت آسمان اوله رق آهنک کوس تند خروش صدمه صداسندن سینه سدسکندری چالک  
 و صحرای سبز مینای آسمانده قلب اسدی لرزه ناک ایلدی \* و \*جهاندار\* شاه قاعده کیقباد  
 و فلول فریدون بزربه برتوس ادا یاه پیرایه زین اجلال اولوب بکدک جوئنده کره ثیری مرسم  
 آهنین ایدردی سپاه بقیاس ایلد تحرک کوه فولاده شال جانب حصه تو جبر آیت نهضت باقبال  
 بیورلدی

شه نشه سوی اعدا رفت بیرون \* بقالی چون رخ نیکو همایون  
 سپهداران علم بالا کشیدند \* دلبران رخت بر صحرای کشیدند  
 غریو کوسها از کوهه پیل \* گرفته کوه و صحرای در میل

بهرام خان بی بهره اتمانش موکب خسرویدن آگاه اولجق اول غنوده بخت استحضار لشکر ابدار  
 بکرواستغلائی اعلام خیت از ایلده مقرر مخصوصندن حرکت واستقبال ومقابله ده اظمهار مسابقت  
 ایدرک خلدانه اختیارمر که مقاومت قلدی \*جهاندار\* سو کته هین زین مصافد قرین وخصم  
 خفته بختک ارتکاب صورت جلا دندن خشم آکین اوله رق آیین مقبلان بیدار اختراوزه  
 محل مقابله و کارزار اونی احرا کورینان حمله فرمان نزول موکب نصرتمدار و ترتیب انجمن  
 شب پرده دار ایلده رؤسای سپاه فوزشاه حضور شو کتداره جلب واحضار وعنوان سپهداران  
 بلند اقبال اوزره قواعد تحریض و ترغیب تمهید و ایثار بیورلدی چونکه شهسوار بکته تاز  
 خورشیدن بر سپر مذهبه زرمکه روزه سل سیف مصیقل قلسیله شاه پردل

کوه پیکرمر کبی صرمی رنکی هامون کذار \* نقره خنک آهنین سم اشهب غیر اغیار  
 پشت و پیشانی و دنبال و سر و ساق و سمش \* کوته و پهن و دراز و نرم و سخت و استوار  
 مالی صفت کاشفده سی اولان براسب باد پای جهان پیمایه سوار \* و اوج قهرمانیده شاهین  
 خصم بکار \* و اوزرک اختیاج نصرت از حمله و تیرین سنان کارزار اوزر تیرین  
 و یساره منقسم \* و ترتیب صفوف ایلده الویه ظفر الوان \* رونق فروز زمکاه رزم \* و اول  
 رستم رزمکاه جلا دتشنه \* قوه ثابت قلب سپاه \* اوله رق روز بازار دار و کیر کرم \* اولدی  
 جانب خصم ته کاردن دخی ترتیب صف دلاوری به قیام اولن درق بکار طرفیندن کوس



رویین کاس . رعد و ارغره کوه سگافه آغاز یدرک زهره روین تندن . آب . و طس  
کردون . کرمی انعکاسیله مذاب . اولدی وزیر هزیر منشان رستم جکرده .  
سمندان پولادسم . رقص آور میدان وغا . وقبضه تیراندازنده قامت کان . مثال  
ابروی خونین نکهان . دوتا اوله رقیق صید جان بازان اولان صغیر . خانه کاندن  
مقام آلوب بی محابا سوی سینئه پردلانه پران اولدی شمشیر صاعقه بار . رود خون شیر  
دلانی مانند جیحون روان ایدوب میان ظلمت غبراده لمعه رماح برق سحابدن نمونه اوله رقی  
شیوه جان فشانیده ید بیضا کوستریدی . دل دلاوران سعی ماضیه سنان ایله حلققات زره دن  
زلف خوبان کبی کره لری پید ایدوب طائر ارواح . نهیب صدمات تیغ ورماح . ایله قفس  
قالبدن ریمده اولدی پشت سفالین زمیندن صعود ایدن صغیرزه . وغریووه .  
منعکس سیر کبود اوله رقیق فرط استعمال نارقالبدن شراره کارزار کره ناری بولوب تلاطم  
امواج افواج خوزیران . دشت وهامونی بحر خونه دوندردی

چنان کرم کشت آتش کارزار \* که از نعل اسبان برآمد شرار  
زشوریدن ناله کمره نای \* برافساد شب لزه بردست و پای  
زبس خون که کرد آمد اندر مغاک \* چو کوگرد سرخ آتشین کشت خاک  
زغریدن ژنده پیلان مست \* کره در کلای هریران شکست  
جهاندار شاه . اشو مضافی محشر نمون . ومعرکه قیامت آزمون . عنان سمند کیتی  
نوردی ارخا . و کرک کرسنه وار . قلب خصم رمه کرداره حمله شیرانه اجرا . ایدرک  
تیغ خار اسکاکی فرقه اند نهنگ خون آسمان قلوب او مرتبه بازوی کوسش و اقدام رسته نه بی  
کشاد ایتدی که دل مصصام زنک و پاسدن عاری . و زبان تیرا وزره کله زه جاری . اولدی  
دودست آوریده بکوشش برون \* بهر دست اوتیغ الماس کون  
بهر جا که شمشیر او کار کرد \* سر خصم درپایش انداختی  
بهر جا که شمشیر او کار کرد \* یکی را دو کرد و دورا چار کرد  
تا اولوقته دکن که تیغ جهان تاب مهر . سمت راسده ابراز لعل ایدرک مغز مردان . حرارت  
شمس دن جوشه کلدی . ناکاه شاهد شیرین فوز و نصرت . مانند امداد کران غیبی .  
کوشه انتصار دن سر نما . و رکاب خسرو کامیابه بوسه داد انما . اولوب پرچم لوی  
فلک ساده نسیم ظفر وزان . و خورشید بختیاری صفحه چینه نده رخشان . اولجق بهرام  
خان . قبضه بهرامنه تسلیم جان . و ره نمونی شمشیر و سنان ایله سوی بواره شتابان .  
ایدرک سپاه مقهوری راه هزیمته عنان تاب اولمسیله میدان دلبران عساکر منصوره کسب فراخ  
واتساع ایلدی

هزیمت در افتادید خواه را \* جهان دادشاهی جهان شاد را

جهاندار بیدار بخت . باناییدات آسمانی و دلاوری . کوکب هستی مخالفانی بوارق  
سیوف صاعقه دم ایلہ مغاک عدم التما . وغنایم و اموال موجوده بی جان بازان معرکه  
اخلاصه ارزان و اهدا ایدوب ساحه فسیحه ممالکه بسط سایه رأفت . وظل عاطفته  
احوال جمهور سکنه بلاد . مشمول بمن نظر استمات . و بعده جانب مقر سلطنته  
امانه عنان انصراف و عودت بیورادی . و کمال سرفرازی و سربلندی ایلہ مستقر جاه و جلایه  
شرف نزول میسر اوله رق دست ساقی بخت و اقبال دن جام جمعیت و حضوری ایلہ باده پیمای  
کامرانی و سرور . و سراسر ملک موروثه بیزاحم و شریک بسط خلال عدالتله  
سعی و همتی زندا عالی وادانیده مشکور . اولدی

چو بردشمنان شاه شد کامکار \* شد از فرخ کار شه زرنکار  
بشکر خدایوی برخاک سود \* که قح از خدا آمدش در وجود  
که کرد آفرین داور خویش را \* بسی کنجهها داد درویش را  
جهان راز دشمن تهی کرد جای \* بآرامش و رامش آورد رای

راست روان راه تحقیق بو نعمه دلکسای دخی پرده روز کاردن علاوه نعمات حکایه جهاندار  
یتیم در در بهرامخان . زمان حکومتند بر زن جلیله ایلہ همفراس اولوب بردختر زیبا اختری  
در آغوش مهد وجود اولمشیدی . اولچینده که سپهر سیه کلیم بهرامخانندن استرداد مواهب  
چند روزه به مسنده ستیدن ساقط او بخت متعلقاتی پراکنده چار سوی تفرقه . وزن مذکور  
بر گوشه مأمنده دختر پاکیزه که بریله برابر نهفته . اوله رق صبیئه مذکوره علم موسیقار  
و ترنمات . و فن تألیف اصواته . حصر مساعی و تقیدات . ایلہ پرده نشین مقامات  
عصمت . و جلال تابدار بنده متدارک کل کونه حسن سیرت اولدی . بر مقتضای فطرت  
ذاتی بر آفت عقل . و فتنه جان . و نهال قاحتی بالا رو اوج محاسن خوب رویان اوله رق  
خنده سکرینی شور جان شیرین . و کفتار شیرینی بزم دلبریده نمکین . قد موزونی فتنه  
سروستان . رخسار تابدار آفت کل ورشک بدر آسمان اولوب . شعله آوازی سیئه  
ناهییدی پرسوزش . و آتش رخساری جبین خورشیدی تمغازده پرستش . قیلدی

بهر ناوی غمزه کانداختی \* شکاری ز روحانیان ساختی  
تا اوج دلب شور بازارها \* درو قندو سکر بخوارها  
کلی بود در بوستان ناشکفت \* همان ترکس در چمن نیم خفت  
می و نقل در خام ناخورده بود \* نسفته دری دست نا کرده بود

چونکه مادر من بی اول کوهر ناسلیدی . رتو حسن و جمال . و زینت و تربیت

و کال . ايله آراسته بولوب بروالا كهرك سلك ازدواجنه حسن انسلاكنى آرزوايدرك  
 رهنمونى بخت بيدار ايله خدمت بسطوبوسى جناب جهاندار رسالى تصويب كرده دانايى  
 خاطرى اولمسيله بومهر كوهر فروشيك تمشيتى معتمدان خير خواهان دن بر صاحب دانسك  
 دوش همنه تحمیل ايلدى اول هدهد بارگاه سلیمانی . صورت استدعاى زن پاك  
 كهرى . درگاه جهاندارى به عرض ايله مديحه دخترى

چو زلفش در آيد بيازى كرى \* بدام آورد پاى كبك درى  
 چو برقع براندازد از روى خویش \* به بند جهان را يك موى خویش  
 چو برمه كشد كيسوى عنبرين \* به كيسو كشد ماه را بر زمين  
 زنج را چو بر سازد از زلف بند \* بآب معلق در آرد مكند  
 نشيده سيله مؤدى قله رق علم موسيقده دخی معلم اول . و افلاطون ثانی . و دانای بر كوهر  
 بحر بختبارى . و بهره مند مراتب عصمت و پارسايى . اوله رق  
 جز آينه كس كم دیده رویش \* بجز شانه كس نكشوده مویش  
 جلال اوزكل دامن كشيده \* كه پيراهن به بدنامى دريده

شاهد مزاياسى جلوه كرم مرات اطواری اولمسيله بويله بر كوهر ثمين . انجق نطاق  
 شوكتدار لينه سزا . و بوخصيصه ايله سرفراز اولان سرور عنا . مجرد چن ازدواج  
 جهاندار يلرينه احرا . اوله جغنى ايراد اتمسيله برابر بو حكايه سكرين . طبع شاه خسرو  
 نهاده سيرين . كلك تحف هداياى فراوان ايله مادر دختره بر معتمد كاردان ارسال يورداى .  
 برجناح استبحال قاصد فرخ بال . طى مسافات ايله خدمت بانوى عالى منزلته پيام حال  
 و حكم موهبت استمانى . ابلاغ و اصال اتمسيله برابر اول ماه خرد فريب ايله فروغ بخش  
 هودج زرنكار اولدق درگاه جهاندارى به روانه . واسب و ثواب و جوارى و جواهر  
 كيايدن ترتيب جهاز بيقياس شاهانه . قيلدى . چونكه دختر تابنده اختر بهرام .  
 حرمخانه خسروى به فائز اولدى جهاندار كه تشنه لب سرابگاه اشتياق ايدى مهمل و صاله  
 شتاب . و صباوار كل رخسارندن رفع نقاب . ايله بر كل تازه به نظرى مصادف اولديكه  
 آفت خزان عيبدن عارى . و بر ماهه نكهم ساز اولديكه كلف نقصان محاسندن بريدر  
 ووجه كان الشمس القت ردائها \* عليه نقى اللون لم يتخذد

برجادونك كه نگاه اولينده كنوردلى تاراج . و بر بر غمزه كه طرف بروى كاندن سيندى  
 آماج ايدوب شهرستان صبر و هوشى هرج و مرج ايدر . بردانا فهمكه بى حركه لب . لوح  
 جيندن رموز آشتاى حرف دل . بر آداب شناسكه بى حفظ سر رشته ادب . پيك نظره  
 خار بند مرثه دن رخصت اعطاسى غير محتمل اولوب كال سكون و سكوت ايله ايستاده موقف  
 تعظيم اولمسيله شاه اول شاه شاهدانك مشاهده جمال صورت و دعا سندن آتش عشقه موم



اولدی اولدی بولار . دام طره غنبر فانت بویله بر صید قیتمار سکار اولدیغنی دیده  
حس یله حس ایدرک کندوسنی در استغنایه چکوب . تغافل آشنا . و تحب پرده  
حیا . قیلدی

جاذبه والیم یح یح عقریا \* من فوق خدم مثل قلب العقر  
وضعت لهم نغرها فتمتعت \* و تحببت عني بقلب العقر

چم ندر . اجرای لایه و ملاطفات یله ماه وار آهنگ عساقی راست ایدوب اول زهره آسمان  
دلال . بالمقابله نواهای جادوانه . وغزلهای عاشقانه . ایله دل شاهی بر آورده  
اوجکاه . عشوه و نازوبی . ساغرومی . بیهوش خروشرک چنک . و ساز قیلدی  
و خوش کاعده غیر زسم وجود دیگر مسجور او اوارق بر خطه بوی کامرانی یله استراحت  
ایله رقی باغ مراددن کل دیو سیرمک ارزوسیه دامن دره یان ایدوب او کلین گلستان آمالی  
ایجه تندن هر اسمند ایدرک صدمه نسیدن شاخ کل کی لزیده اولدی . شاه دانا او محبوبه  
نخلونکاه خویکه هنوز نادیده بلبل نوشکفته بر کل . اوله رقی معامله سینه صافیدن پیمناک  
ورمیده اولدیغنی حس ایتسیله مزاج و حشمته دارو . و گرمی نشسته هوش ربایله کشاده رو .  
زلیق اوزره وساطت ساقی سمنساق ایله لسان صراخیدن ابراز شیوه در یایی و پوزش ایدرک  
سک خطا طرین عتقه و حلقی حل یلندی بی تعبانه کرم جوش اوله رقی شبنم سنی شکفته  
اولقلغه میل ایله ییججایی باده دن تکرار کوش طنوره تاب داده وزمزمه دلکشا ایله غایت  
شوقدن دل شاه خروشد کلوب عراق و حجازی طره تاتاری قملقلغه دل داده اولدی  
چنان باده در نازنین راه یافت \* کز و شرم رادست کوتاه یافت  
بافسون کری چنک را بر گرفت \* فسونس بدیو پری در گرفت  
ازان نغمه کاندیر پری خانه شد \* سلیمان پری وارد یوانه شد  
چونکه اول دلبری کردار فسون نسیسید رام او اوارق مانند خط جام خط رنسا و تسلی  
آشکار قلمسیله

خانه تنها لاله صهباکله کرم و یار نرم \* اه ای صبر و تحمل بعد ازین یا هوسنی  
دیدرک شاه مرتبه دان ابتداء آغوش در آغوش و لب بلب تنک سکرندن ذوق حلاوت چاشنی  
الدی بعده سمند کرم روشوقه منمار تمنا ده قصه دیز کین ورکاب نرمین ایله مهیمرا وروب  
نقره خامه و یویان ایندی وروب میدان مباشرتدن کوی کامرانی بی بوده و پیسته چرب  
مغز پیسته دهانی ضرب دسته رویین نژاد ایله خندان و کشاد قلدی  
شد چو از نقش چین پرند کشاد \* قفل زرین زدرج بند کشاد

کوهش را بمهر خود بگذاشت \* مهر کوهش ز کجبدان برداشت  
در ناسفته را بمرجان سفت \* مرغ بیدار کشت و ماهی خفت  
ازین جانب \* بهره ور \* بانو که مدت مدیده بسط مصاحبت جهانداریده بی مزاجه مشارک  
و انبازد مسازیکن اشبو مقدمه راحت سوزك حد و ثنیدن ماردم گفته وار پیچیده اوله رق  
حلاوت زند کانیسی مرارت سکرانه بدل اولدی

و این الصفا هیات من عیش عاشق \* و جنت عدن بالمکاره حقت  
مع ذلک محاذ فند مسلك ادبایش جهاندارده قطعه یافت دهان ای محبوب کار خاطر حریفی تدارک  
ارزوسيله سپر سرباستان باغ دلکش ایدرک بروفته مصادف اولدیکه سبزان چمن نایت  
تردماغیدن شکفته و خندان و شاهد کل نشئه بلند ایله خود فروش میان بلبلان ایدی چشم بانو  
یو حال مشاهده دن زهرا بهر بز کلبه رخسار و ریاحین طره سین تار تار ایدوب روی غضبیدن  
زلف شبکونی کی نیره و دلگیر اوله رق او صورتد نکاح قهر ایله خرف جسته نصیر بان اولدیکه  
کلر کال بیم و هراسدن غنچه کی خنده دن لب بسته و بلبلر ساحه چندن داشتک ورمیده  
وقری روی مهر دن مرغ مسیح کی نظاره چندن کوز قبا یوب بال اندوز و رفته وار آتیش  
قهرندن سوزنده و پای صبار رفتار پر هولندن دامن نسیرینه پیچیده و سوس تر زبان شانه  
بسان لب خشکیده اولدی

چنان رنگش بگردید و ز جاشد \* که یک تار زلف از هم جدا شد  
شمیم باغ زهر الودمی کشت \* نسیم اندر دماغش دودمی کشت  
چونکه کلکست چندن حجره خاطری دهازیاد بیت الحزن اولوب غنچه طبعی کند و اولمسیله  
شاید نسیم دشت و پیدا ایله غنچه دلدن عقده غم پذیرای حل اولوق امیدیله سیر صحرا و اطراف  
تماشا ایدرک لب حسمه ساره رسیده اولدیکه طبع اهل سخن کی صدف و روان زاده طرب  
بخش آسانشاط افشان اولوب اطراف فرش پرینان سبز ایله آراسته و میان ریاحین مطرا ده  
رنگارنگ کلر شکفته اولمش

حسمه فروختد چون آفتاب \* خضر چو خضر این ندیده بختواب  
جلوه کرا ز جلوه کلمها شمال \* کلش کرا ز شاح کبها اغزال  
اون منزل دلشنی نسیم انبیا اختیار ایله راز درون کنش نفسیه حسب حال ایدرک نرسکی جرح  
دوار و یوقونی روز کاری آسایله کاه خندان و کاه کریان اولمسیله مناسب حال و آب  
و هواسنی مطابق ضعف بال کوروب چتر مختصری رکزیله تسویه اکثافته اشارت ابرو جلوه  
نمون و چند نفر پرستاران محرم ایله محل مذکورده اختیار طرح سکون پیورلدی جناب بانو  
کوس و کردنی اهل و دردن تهری قلوب منال صبح بهر اهن سید ایله مانده سجد و نشانه از رویه

ریاضت ملازمت و شبیه فقر کریمان طریق زهد، مواظبت ایدرك تسبیح و تهلیل اشتغال  
 کوسرتدی و ایام قلیلده، بار نالم و تحسردن قامتی دوتا اولوب رشتۀ سبجه مثالی باریک  
 و کردار حصیرا و زره طریقه خاکساریده ملازم گوشۀ تاریک اولدی درد دوری بزم  
 خسرویدن سرسک آلایله غنچه چشم تحسری همینه خونبار و غایت غیرتله اختیار کرده  
 نفس بی اصطباری اولان محرای تماییده آتش اندوه ایله لاله درونی داغدار ایلدی  
 که از جور فلک دل تنک میبود \* کهی با بخت خود در جنک میبود  
 به تمهائی نشستی در شب تار \* همه شب تا سحر بگریستی زار  
 شبش تا صبح کاه این کار بودی \* بروزش کار بسی دشوار بودی  
 جنتیت را برون راندی زانویه \* کهی در دشت کشتی کاه در کوه  
 شبانکه باز کشتی سوی خانه \* نشستی هم بر آیین شبانه  
 چونکه خسرو کیوان محل اول سردفتر شیرین لبانک بر کشته حال و سوزش غیرتله سوخته  
 اندوه و ملال اولدیغنه کسب و قوف ایله

بادوست بیوستان شد مراره کذری \* بر کل نظری فکندم از بی خبری  
 دلدار بطعنۀ گفت شرمست بادا \* رخسار من اینجا و تو در کل نکری  
 مزایاسنی در پیش و ندامت صنع ناهموار ایله نفسی تو بیخ و دلش ایدرك کرم روان منهیج  
 اشتیاق طریقه سنده پوزش و اعتداری حاوی بر قطعه نامه جهان داری ایله جلب و جبر خاطرینه  
 همت و الای دنا و از یلری معطوف اولدی

#### صورت نامه جهان داری

از خون دل نوشتم نزدیک دوست ناعه (انی رأیت دهرأمن هجرک القیامه) اول سلسله اسمنسابی  
 سر رشته عین ایدرمکه هر شکنی دل دیوانه دک بند پاییدر دیده پرمد هموم تماشای چن  
 جگر من محروم اولدی نامه کون همه تن ذرق خون و فرط ریزش اسک ایله رسک افزای نیل  
 و جیحون و باد در صبا کوا و ستاره ز آگاه در که هر دم سحر نقدر غنچه لرتکی دله خنده  
 و هر مسهر کینه و نوجمله سکسکه کرد بر اشته که در

ان کنت تنکر حالی فی الغرام وما \* القی وانی فی دعوائی متهم  
 فالبل والویل و اتسهدیشهدلی \* والحزن والدمع والاشواق والسقم  
 اگر چه دار باب تدقیق و تبیس قصه پرویز و ماجرای مجنون کیمن دفتر روز کاردن استنباط  
 ایله حال پر ملاله مقایسه اینستدل

#### شمد از داستان عشق شورانگیر ماست

مؤداسی روشن و هویدا اولور بی شهید شو چند روز حرمان نظر فنده بو آواره دشت دشواری



وسرکردان صحرای غمناوری به تهاجم ایدن غم و آلامی خسرو آغاز سودای شیرین شدن  
انجام دهد کین مناسبت ایقوب و مجنون جمع مدت ابتلای عشق لایله تدو کسیده ابتلاسی  
اولا مشدر

بر شمع نه رفت از اثر آتش دلسوز \* آن دود که از سوز جگر بر سر مارفت  
اول نوکس جاد و نکم بدن قضا طعن ایتر اید مکده شو بروی کجا زیله بو بکت هک خون  
ناحقنه قصدا یله اگر چه بو وجهه الفعول واستغنیه باعث حکم سینه نه خنده تقدیردن  
ظهور ایدن امر از دواج ایستد بونک میران اعتبارده منافق قانور محبت اوله جق سنک برینتی  
و هیچ بر یوزدن بنای محبتی رخنه دار ایده جک جهتی غیر ملحوظ در زیر

نقل فو أدک حیث شئت من الهوی \* ما الحب الالحیب الاول  
کم منزل فی الارض بألفه الفی \* و حنینه ابدأ لا ول منزل  
مود سینه برد که سنک مرآت عکس نمای محبتک اوله هر بی سرو پانت ولوح بخبارده  
نقش مودتی پذیرفته ارسام اولق صورت امکانه میدن  
جز تو در دل کسی نمی کنجد \* صاحب ملک راجد جای شریک  
و بر عقیقه باریه کبد که زیر نکیقن قهرمانیکه پوستد در غیر ایچسون انده راه تصرف متصور  
اذا هانمیدر

عشقت نه سر سر بست که از سر بدر شود \* مهرت نه عارض است که جای دگر شود  
عشق تو در ضمیرم و مهر تو در دلم \* باشیر اندر آمد و باجان بدر شود  
هر نه حال ایسه عاشقان را نبود چاره بجز تسلیمی  
حکمنجده بیکده هلمیزی محض کنده بیلکه رک هزار ندانمکه سرکوی عذر نخواهیده ایستاده  
و نقش خود پسندی بی لوح خاطر دن آب چشم ایله امحا و ازاله ایتمشزدن  
و یالیت عینی تعرف النوم بعدکم \* عساها بطیف منکم تتألف  
تعالو ابنا نقضی من العمر ساعة \* فنجنی ثمار الوصل فیها ونقطف

نیاز خاطر بران بوده بود که هر حرفی بسان بر روانه شمع رخسار کد در و هر نقضی می مانند دانسته  
سپند آتش سینه ده شراره طائر اولان زاده همایون محبت \* و تیسر و وصولده همچون  
و چرا ساحت بخ و ستیزدن دافنچیده و آیین جور و شویه دن دست کسیده اوله رقی تماشا کا  
چشمه روان چشم را انتظاره شمشاد قامت صنوبر فری بلری خرامنده بیور یله  
چشمه چشم مر ای کل خندان دریاب \* که با امید تو خوش آب روانی دارد  
بر که عطف غافله مرحت قبلکه یک دور \* بر دیدار شب افروز کله کیا تم اودر جد خفیف  
و آرزوی تماشای جمال کله نان بدنم اولر \* سیف اولشدر که اگر نخ عنبکوت پیچیده

اوله عجز ذباب ايله مورد مثل واکر خضوه کاه پايه مور وضع پا قیلسه کال ناتوانیدن مشی  
و تخطی به باعث سکون و خلل اولور

از وجود این قدر نام و نشان هست که هست \* وزن از ضعف در اینجا اثری نیست که نیست  
بشق خدای خبر ویر که بوزن ايله نه گونه زند کانیلک ایدیم و بو حال ايله نه وجه له تنفس  
ایلیسیم

دنیای لذة ساعة \* و علی الحقیقة انت هی

یارب سودل خاریه خصلت موم احسان ايله پذیرای رسم رحم قیلک دل سگسته مده موم یای مهر  
احسان ایلسون اول آتش خشم و قهر که بن خسته هجرانک خرمن سوز خاطری اولمشدر  
زال لطیفه بوشه راه جانکداز مبدل لطیفه روح افزا اولسون چونکه نامد ساهی بهره ور  
بالویه و اصل و بر بنده تسلی خاطر اولیق طریق رمن و ایماده صورت حالنی مین  
جوانی نامه تقدیمه تهنیز خامه غزه طنز ايله سواد دود دلدن نقش ستم رسم ایلدی  
(صورت نامه بهره ور بانو)

چه دلف بود که ناکاه رشحه قلمت \* حقوق خدمت ما عرض کرد بر کرم

بنو ک خامه رقم کرده سلام مرا \* که کار خانه دوران مسادی رفت

نکسوم از من بیدل بسو کردی یاد \* که در حساب خرد نیست سهو در قلمت

نکاست کک عنایت شک خدیو زمان اولان منسور عالیشانکه هر حرف عنبر بندن نسیمات  
آیات غریب نوزی مشتم حال ار باب نیازه فائز اولور بسان هما اوج کرامتدن نازل اوله رق  
طل بلبل عافیت و سایه رفیع رافله بو کوشدنشین غربت و کنج کزین کربنی وایه منسد  
ملحزمت حسدر بو خاکسار احقر ک بو گونه نوازش و الفتی قطعاً قابلیت ذاتیسی اولموب  
انجیق اوجهند که فصل بهار کل و خار یک و تیره ده فیض بار و سحاب مدر اردن باغ و بید نهج  
عام اوزر رشحه در اولیق سوه عالی و سیمه جلی اولمسیله اگر چه اول ساه کردون سریر ثریا  
حاجت کند زره و کیا هک کال خاکساریدن عدم و وجودی میران اعتبار دینی درهم رنجاند  
آفتاب صفت مسمول عوطف و مخصوص مراحم و عوارف شید بیوریلور ایسه نزار باب  
خرده امر بدیع عدد اوله من

شاهان چه عجب کر بنوازند کدارا

اسم و هبت خاک نوازینک ادای حق تسکرا نده سیوه مر ضیه و سجد رضیدن معدود  
اولان دعا و ستایش عبودیت کاریدن دیگر نه گونه خدمت مفروضیه اقتسدار مستندانم  
منصورد

چون رسیده سور عزت زامن در و جاه \* خاکین را جرد ما کو بی چه یارای جواب

مضون مرا حسیه بنده درخ و سطر بیوریلان چند نکته غرا که شکایت هجرانی

حاکمی و بوی سحر خدای اندوه عالم اولان جاریه لری حقتند، محفل عنایت اولان حکایت حرماتی  
محا کیدر بانگ صریری دم عیسی کی مرده جانان سر باک بادیه هجران و افتداده حیرت  
تازه بخشیدن قلم نوازش رقم جهاندار یلیرینک نو کیز مباحثات انکیزی اوله رق بودنه  
بیقدر لرینه واسطه وفور افتخار اولشدر شاه جهان بناها بو خشک لب سرابستان  
ناکامینک فیض ملازمت کیم با خاصیت لرندن اختیار محرومیتی حاساره کستاجی و نهمه استغدن  
اولوب بلکه استرضای خاطر مقدس لرله اکتساب سعادت و ابراز تسلیمیتدن انبعاث ایلشدر  
زیر اشوایام نجسته فرجامده

### پیرانه سرم عشق جوانی بسر افتاد

حکمتجه سرمعالی افسر لرنده بر بت جاد و خیالک تازه سودای وصالی جلوه پذیر و طره مشک  
افشانیکه بهر تاری هم قدر صد نافه ناتار در دستم جانی معجز تلق و حقیقه جلندن کلچین  
نظاره اولق حاشیه ضمیر اقدسده جایکیر اولسبله محل محفل همایون بنده آرام ایله آخر کار انکست  
نمای رقابت اوله رق عیش اشرف همایونی منقض استکرام آیین رستارینک خلاقی وسوء  
رضاجویی به منافی اوله جفتندن مجرد احتیاس خاطر خواهی انصاف کزینلری وظیفه سنی  
اتخاذ ایله بسان لاله سوخته دل ساحه صحرا ده رکز خیمه تجردله دامن کوهه پاکشیده اولق  
و بو طریق به ایله مرضی خاطر همایونه مطابق معامله دشت پیماییده بولمق موافق حال  
و مصلحت کورلشدر

### صبا بلطف بگو آن غزال رعنا را \* که سر بکوه و بیابان تو داده مارا

دل نادانم مزاج دهر و منجم روز کاره آشناسزلخی جهندن مغرور نسبت محبت اولوب راه  
جسارتیه سلوک ایله مقدمات رزاقی در میان رحق یدنده اولدیغنی تأیید ضمننده براهین قاطعه  
و ادله ساطعه اتیان ایدرک

انی لا محجب من صدودك والجفا \* من بعد ذاك القرب والایناس

حاشا شمائلک اللطیفه ان تری \* عوننا علی مع الزمان القاسی

زمیننده اقامه رسوم مناظره ذیلده کرسی نشین حسن بیان اولقلغه ابراز خواهش وارزو

ایدرایسه ده عقل اندازه شناس مخالف قانون ادب احساس ایتمسبله

وان تبدلت بنا غیرنا \* فحسبنا الله ونعم الوکیل

بس برده سند قائم اوارق نقطه عبودیتدن تجاوز و عروج و دره تسلیمیتدن خروجی قضاعاً  
تجویر ایتکاملشدر

گفتگو آیین درویشی نبود \* ورنه باتو ماجراها داشتم

نکته هارفت و شکایت کس نکرد \* جانب حرمت فرو نکذاشتم



بلی بویك جبهه من تیجه تقسیم زنی اولوب نیمه دل تنه سیرا بکا محبت راه مهر و وفاده منزله  
 یه سرسوده اولدوق تسلیم تن و جان یله برابر مائده امیددن استسماء بویه رهیاب اوله میوب  
 خون جگرله تسکین لهیب کرستیکی و محصول ساغر تماشای شوراب سرشکی اولور و نیچه  
 هوا پرستان بیدار بخت آستین استغنادن دست دراز دلال و ناز اولسیله برابری رنج زحمت  
 وانتظار ساقی روزگار جام طالعنی می خوشکوار آمال ایله سرشار ایدر

جام می و خون دل هریک بیکی دادند \* در آره قسمت اوضاع چنین باشد

شعریکی حاله بر صفت از بیخون روز تصور اتصای همایون لریله سادمان و بتون لیل شمع مثال  
 سوزنده آتش جمال جهاندار یلری اوله رق یاد بزم مقدسه خندان اولقدده و مهر جان  
 پرور زین بسان کنج در ویرانه مده و یکر روح نواز شهر یار یلرینی علی الدوام خلوت کده دیده  
 پر آب و نمده صد قلام قدیم جناب شایسته نواز دن سومر کرده امیدوار عاطفت و عنایت کده غمزه  
 روزگار و کرشمه شهر خردر کاره حواله قلندران بوخا کنسین کوی کربت کسمکش بر سش  
 و تقدیر سمیدن آزاده و تکلیف عودت مشکوی جهان یانی و بار نوازش و استفسار لسانیدن  
 آسوده بیور یله کد بر مدت اندازه تمنای خاطره کوره سیل سرشک روی صحراده کشف  
 جمل اول غمگسری یله دمان که سارده لاله وار آتش سینده سعله لایق اقا دو بانک و ناله نای دلدن  
 لیکر هموسه دلدن دیدیم فی همیشه باد مسکین طره تاتاری کره کنای طمع والای باد شاهی  
 و ساغر بخت بد خواه دولت مانند جام لاله مدام از می مراد تمی باد چونکه خاقان خسرو کلاه  
 اول شیرین ادای عشوه ریزك مضمون نامه مهر آمیزینه آگاه اولسیله برابر

(فارقی من اود و احزنی)

دیر خانی ستمی لی رین و کاب و نعلان کله کون همی سوی دلجویی جناب بانو یه سبک وارخا  
 ایله جانب خیم باره شتاب ایدرک اول کلین حدیقه دلبری یه رسیده اولدی بونسیم کلکشت  
 دلو اولرک نسیم آکیم ایسی غنچه دل بتودن کره کنای و مردم دیده حسرتی تماشای  
 آتش جفا کشتن بهر منده و زرق سینه غمزه بوی جعد مظهر اسندن عازر نصرت اوفا اولدی  
 شاه فرخنده بال اول غزال دشت دلربایک حال حسرت آلفی تماشا ایدرک صفحه دل شاهه  
 نقش طرفی تأثرله صدق دیده دن ابر نیسان مثال جیب و آستینی مالا مال لؤلوی ثین شهوار  
 بلدی زیر اجناب جهاندار اول سرو جو یار جمال اوزره بسطه ساید اقبال بیوردیغی  
 خیمه سحر طریقه کلاه سجده سادمانه کالور و کره عذر مهره بوی هلال عازغان  
 و وصعت و سعد دن عاری ورنک سیاه سرمدی مانند اشک چشم تردن استاط ایله کوش و کردنی  
 نقلت کوهر و یاقوتدن بری قلندر

تمی از حلهای اطلسش دوش \* سبک از دانهای کوهرش کوس

معطل کردن از طوق مرصع \* معرا عارضش از زربفت برقع  
بزرگم - لواز خاکش نهالین \* عذار نازکش را خشت بالین

بوجموع ایل بر ابرغایت خنوع و نهایت خضوع و عجز بر سجاده حصیر نقش اولدرق مستغول  
تسلیم و تهلیل اولوب چشم خونباری جوش دل در رفت باطندن سرشت عقیق عیان ایل  
سجده مثال دانه کش رشته مژگان ایدی خاقان جم شکوه بوحال حیرت مالی معاینه دن  
غایت کالد متغیر و متاثر و سحاب صفت قطرات اسل خونباری ممطر اوله رق منقور ادای  
(انف فی السماء) شاهی اولان قانون سخت نیاز مندی به کردند اده اولوب

هبنی اسأت فاین العفو والکرم \* اذ قادی نَحْوُكَ الاذعان والندم

ترانه سبیله نهج آفتابده اول ماهد خدای ایستاده و سایه همافر فرق همینوی پای نازینه  
افتاده اولدی زیرا که بهترین رسم کارگاه عشق

(رخساره محمود کف پای ایاز است)

وفقیدر \* بهره ور \* بانو کمال دانش و فراستله دستنه و لطف تهرینه راه پرده مغز مدعا و همین

سیدی لبیک عشرا \* لست اعصی لك امرأ

کیف اعصیک وودی \* لك دون الناس طرا

فریده سی کویا اوله رق فرط ابدن اشی آب تشویه سینه و شایان ط بق خرده دانی اولدیغی  
وجهله نقش پای خدیو زمانی از روی تعظیم سجده گاه جباء ایلدی وفاخته وار

سر سروسنایش و نیایش جهاندارده صغیر سنج مقام عبودیتکاری اوله رق

تبع الذی یرضیک فی کل حالته \* وان کنت لم تبصره فالله یدبصر

فوالله مامثلی محب و مشفق \* وسوف اذا جرت غیری تذکر

فما شئت من امر فسمعا و طاعة \* فما شئت الا ما تحب و تؤثر

علبان لا اخل بخدمته \* وابدل بمجمودی وانت المخیر

نشیده سبیله سر نهاده خط تسلیم و انقیاد اولوب بقیه عمر لینی خجخانه امیدده باده پیمانی

منتهای کامرانی ایله امرارو بو افسانه عاشقانه بی نقش ارواح روزگار ایتدیلر

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر \* یاد کاریکه درین کنبه دوار بماند

ای ره منتهج هشیاری بو افسانه عبرت منون و بو صد فحجه جواهر مشحونک نظر باز عین

اعتباری اولکه سن اگر چه صورتده بر جسم حقیر و جرم صغیر سین اما که تماشا کاد عبون

اهل بصیرده انموذج موجودات اوله رق انا جعلناک خلیفه خطاب الهیسته مظهر اولمش

حکمران اقالم ارضک خلف مکرمی اولان بر جهاندار کشور استعداد و تفسیقات حسنه

معاشر و معادده نکیندن قابلیت فطریه خداداد سین سعی اینکه مکتب ارباب فیض

و اساده سبخوان معارف و شئون آفاق و انفس عالمه واقف اوله رق مالک اولدینگ  
طوئی سخنسر ای ناطقه نک بزم صحبت و مؤانسته ملازم و مداوم اوله رق مهر پروران آسمان  
مضاهرک نور صدقه اعتبار و اغتراری اولان زینت مستعاردن دست رغبتی تهی ایدوب  
بهره ور ملک معنی اولان بانوی حقیقتک بهره دار و صالی اولق اوزره رسامی حقایق بنیان سرائر  
ملک و ملکوتک اثر بنظیری اولان قمال بیثالثه عین بصیرتله عطف نظر رکون و عبرت ایدرک  
طریق اهل عرفانه سالک و سنی تراحم رهزان مواعدن قورناروب بحر مقتضیات طبیعتدن  
امر ارایده جک برکام ملک دامن دلالت و صحابته متمسک اوله سین اما که طریقک راه دل و سر  
و بلکه سر سر و ماورایی خفا و اخفا اوله رق مخاوف و مهال کدن آزاده اولما مسئله صبر و استقامت  
و توکل و طاعتله طبیعت و مزاجاهدات ایدرک دیار حقیقته غایز و کمال بحر و ذلت و اختیار کلبه تجرد  
و سکنه باغ شهود جمال و جلله وصال یاره محرم و عیش و حضور ایله کامیاب و خرم  
اولقلغه چالشعلیین الحاصل اداره دوا و معاش و معاده متهی و مقتدر بر عارف متیقظ  
و متبصر اولوب احراز خیر الخلفه آدمی به کسب استیمال ایدرک یاوری جاذبه حضور جنان  
و مرافقت حضرت جانا ان الیه تصد رس برکاله سنا و میل رکون خلائق و اشتیاق بوارق  
و خوارق امثال موانع و عوائق و خداع هر مز طیشان ابالیسه فریفته اولوبده  
قالب صفات بهمیه به انقلابدن اجتناب ایدر راه فسادن فائز منصب و مراتب عظمی  
و بهرام نفس شهوانیه نک افناسیله تعرض اعدادن مصون الانحای کیف مایشاء  
متصرف ملک معنی اولوب هر حالده رضای حضرت محبوبی استحصاله  
ساعی و فاسقیم کما امرت مسارح مهمه سنی محافظه به مراعی اوله رق  
دولت دارینی احرازه صرف مساعی انگلیسین جناب  
باری تعالی و تقدس حبیب اکرمی حرمتنه  
جمله مرزی مظہر توفیق و مسالک تباه  
تقلید مرزی مبدل شهره تحقیق  
پیورسون آمین

حانیه ده کرید مطبعه سنده طبع اولمشدر

فی ۱۹ محرم سنه ۱۲۹۱

















PL  
248  
A23K3  
1874